

تقدیم به:

تمام کسانی که برای بهتر بودن تلاش می کنند.

محمد جواد سه‌دهی

استاد مهندس داود معصومی، که «معلم» بودن را برایم تفسیر کرد.

حمید سودیان طهرانی

دو تا فیلسوف رو دیدین که چه طوری با هم بحث می‌کنن؟ دمای بحثشون اون قدر می‌زنه بالا که آدم فکر می‌کنه دارن دعوا می‌کنن. غافل از ثانیه‌ها و دقیق، ساعت‌ها مجادله می‌کنن. شاید فقط برای دستشویی رفتن چند دقیقه‌ای کات کنن! (هتی مواردی هم دیده شده که طرف از توی دستشویی هم بمشش رو دنبال می‌کنه). به نظرتون این شور و اشتیاق بی‌حد به بحث‌های فلسفی نشونه‌ی نوع عشق نیست؟ حتماً هست! فلسفه عشق به داناییه و بحث‌های فلسفی قولنج ذهن رو می‌شکونه و فکر رو گسترش می‌ده. برای همین همیشه می‌گم خوش به حال کسانی که می‌فلسفن!

خیلی ممنون از محمدجواد سده‌دهی و حمید سودیان عزیز که این کتاب خوب رو نوشتین و سپاس از سعید جان احمدپور و محمد آقای مازنی؛ الحق و الانصاف کیفیت کتاب‌های انسانی‌مون رو از این دوستان داریم و مریم خانم طاهری و الهه خانم آرانی، مرسی که با صبر و پیگیری‌های منظم‌تون این کتاب رو به سرانجام خوبی رسوندید.

برویچه‌های تولید خیلی سبز خیلی کارتون درسته. مثل همیشه گل کاشتید. دم همتون از دم گرم.

**فلسفه زندگی‌تان مستدام!**

تفکر نقادانه نیاز امروز خیلی از ماهاست. تفکری که باعث بشه هر حرفی رو نپذیریم و دنبال هر کسی راه نیفتیم؛ بهتر بگم تفکری که یک‌جایی ترمزومون باشه و یک‌جایی هم محرکمون برای سرعت بیشتر. برای دستیابی به چنین تفکری باید قدرت تحلیل‌مون رو افزایش بدیم و هر حرفی که به گوشمون می‌رسه رو سبک سنگین کنیم؛ خلاصه یه کم بیشتر از عقلمون استفاده کنیم. البته این کار هم نیاز به تمرین و تکرار داره؛ یعنی هر حرفی رو شنیدیم یا خوندمون باید حسابی تحلیل و بررسی و شاید هم نقد کنیم، شروعش هم می‌تونه با خود کتاب فلسفه باشه؛ یعنی در کتاب فلسفه هم هر حرفی رو راحت نپذیریم و سعی کنیم تفکر نقادانه داشته باشیم!

### حالا که حرف اصلیمون رو زدیم، بریم سراغ کنکور و کتابی که الان دست شماست!

چند سالی هست که درس فلسفه و منطق تبدیل شده به یکی از درس‌های تعیین‌کننده و نسبتاً دشوار کنکور انسانی؛ ما هم خیلی خوب نسبت به این مطلب آگاهییم؛ به خاطر همین در هر درس ابتدا یک درس‌نامه کامل و تحلیلی و پر از نکات کنکوری براتون نوشتیم که نکاتش حاصل سال‌ها تدریس کتاب درسیه و با دوندنشون کلی از تست‌ها به راحتی پاسخ داده می‌شه، پس این نکات رو از دست ندید! یه چیزی رو هم خوبه همین‌جا درباره درس‌نامه‌های فلسفه بهتون بگیم. کتاب‌های درسی فلسفه نظام جدید در سال‌های اول چندین بار با تغییرات گسترده روبه‌رو شدند تا بالأخره کتاب فلسفه ۱ در سال ۹۹ و کتاب فلسفه ۲ در سال ۱۴۰۰ به ثبات رسیدند.

ما تمام تلاشمون رو کردیم که توی درس‌نامه‌ها دقیقاً متن اصلی کتاب درسی جدید رو خط‌به‌خط و موبه‌مو توضیح بدیم و به قسمت‌های حذفی اصلاً نپردازیم که شما رو از کنکور دور نکنیم. اما خب شما احتمالاً بیرون این کتاب با تست‌هایی روبه‌رو خواهید شد که از کتاب درسی سال‌های قبل طراحی شدن و ممکنه نکات اون تست‌ها رو توی درس‌نامه‌های ما پیدا نکنید یا حتی احساس کنید طبق حرف ما اون تست‌ها غلطاند. اگر این‌جوری شد، اصلاً نگران نباشید. بدونید که هر چی توی درس‌نامه‌های ما نباشه توی کنکور هم نیست و کنکور شما طبق همین مطالب میاد.

تو ادامه برای هر درس کلی تست طرح کردیم که علاوه بر تعداد مناسب، کیفیت و تنوع بالایی هم دارند. آخر تست‌های هر درس هم با تیترو **اشو** تست‌هایی که یک کم دشوارترن و شما رو برای مواجهه با تست‌های جون‌دارتر آماده می‌کنن، آوردیم تا بتونیم دانش‌آموزان با هر سطح علمی رو راضی نگه داریم و شما رو برای هر آزمونی آماده کنیم. برای همه این تست‌ها علاوه بر پاسخ کلیدی، پاسخ‌های تشریحی کامل (شامل تحلیل تست و رد گزینه‌های انحرافی و ...) هم آوردیم تا دیگه مشکلی باقی نمونه!

خلاصه باید بگیم برای موفقیت در فلسفه و منطق کنکور، حسابی می‌تونید روی این کتاب حساب کنید!

امیدواریم بعد از استفاده از این کتاب خودتون به همه این چیزایی که گفتیم برسید!

در آخر لازم می‌دونیم پس از شکر خداوند، از تمام کسانی که در به نتیجه رسیدن این کار ما رو یاری کردن، تشکر کنیم! به خصوص از جناب مهندس سبزمیدانی و سعید احمدپور عزیز که حمایت‌هاشون همراهمون بود، از خانم آرانی که پیگیری‌های دلسوزانشون کار رو به سرانجام رسوند و ویراستاران محترم و تیم خوب تولید خیلی سبز که چنین کاری رو در دسترس شما قرار دادند.

برای همه این بزرگواران و همه شما عزیزان آرزوی موفقیت داریم.

موفق باشید.

# فهرست مطالب

## ۱۰ منطق دهم

سؤال	درس نامه	
۱۲	۸	درس اول: منطق، ترازوی اندیشه
۲۳	۱۹	درس دوم: لفظ و معنا
۳۵	۳۰	درس سوم: مفهوم و مصداق
۵۱	۴۶	درس چهارم: اقسام و شرایط تعریف
۶۲	۵۸	درس پنجم: اقسام استدلال استقرایی
۷۴	۷۰	درس ششم: قضیه حملی
۸۹	۸۳	درس هفتم: احکام قضایا
۱۰۳	۹۸	درس هشتم: قیاس اقترانی
۱۱۷	۱۱۲	درس نهم: قضیه شرطی و قیاس استثنایی
۱۳۰	۱۲۵	درس دهم: سنجشگری در تفکر

## ۱۱ فلسفه یازدهم

سؤال	درس نامه	
۱۴۵	۱۳۷	درس اول: چیستی فلسفه
۱۵۷	۱۵۱	درس دوم: ریشه و شاخه‌های فلسفه
۱۶۷	۱۶۲	درس سوم: فلسفه و زندگی
۱۸۱	۱۷۴	درس چهارم: آغاز تاریخی فلسفه
۱۹۳	۱۸۷	درس پنجم: زندگی براساس اندیشه
۲۰۶	۲۰۰	درس ششم: امکان شناخت
۲۲۰	۲۱۲	درس هفتم: ابزارهای شناخت
۲۳۹	۲۲۵	درس هشتم: نگاهی به تاریخچه معرفت

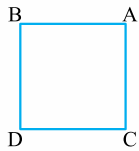
## ۱۲ فلسفه دوازدهم

سؤال	درس نامه	
۲۵۴	۲۴۷	درس نهم: چیستی انسان (۱)
۲۶۶	۲۶۰	درس دهم: چیستی انسان (۲)
۲۷۹	۲۷۱	درس یازدهم: انسان، موجود اخلاق‌گرا
۲۹۴	۲۸۸	درس اول: هستی و چیستی
۳۰۷	۳۰۱	درس دوم: جهان ممکنات
۳۲۳	۳۱۴	درس سوم: جهان علی و معلولی
۳۳۹	۳۳۲	درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟
۳۵۳	۳۴۴	درس پنجم: خدا در فلسفه (قسمت اول)
۳۶۸	۳۶۱	درس ششم: خدا در فلسفه (قسمت دوم)
۳۸۲	۳۷۷	درس هفتم: عقل در فلسفه (قسمت اول)
۳۹۴	۳۸۹	درس هشتم: عقل در فلسفه (قسمت دوم)
۴۰۷	۴۰۲	درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام
۴۱۹	۴۱۳	درس دهم: دوره میانی
۴۳۴	۴۲۶	درس یازدهم: دوران متأخر
۴۴۶	۴۴۱	درس دوازدهم: حکمت معاصر

## ? پاسخ نامه

۴۵۰	پاسخ نامه تشریحی
۶۱۹	پاسخ نامه کلیدی

(فارج از کشور ۱۴۰۰)



۷۹۲- اگر مربع زیر، مربع تقابل باشد، به ترتیب امکان موارد زیر را بررسی کنید.

- جمع میان A و D در صدق

- تشخیص صدق یا کذب B در صورت صدق C

- جمع میان A و B در صدق

(۱) غیرممکن - غیرممکن - امکان پذیر

(۳) امکان پذیر - امکان پذیر - غیرممکن

۷۹۳- رهبر یک حزب پس از پیروزی یکی از نامزدهای آن حزب در انتخابات گفت: «همه طرفداران ما به او رأی داده بودند. معلوم است که هر کس رأی داده، طرفدار حزب مردمی ما است.» چه نوع مغالطه‌ای در نتیجه‌گیری او وجود دارد؟

(سراسری ۱۴۰۱)

(۱) تله‌گذاری (۲) ابهام انعکاس (۳) بزرگ‌نمایی (۴) تعمیم ناروا

۷۹۴- می‌دانیم که قضایای «بعضی از دانشجویان دیپلم ندارند.» و «همه جانوران حس دارند.» به ترتیب کاذب و صادق هستند. از صدق کدام قضایا مطمئن هستیم؟

(۱) هر دانشجویی دیپلم دارد. همه حس‌داران، جانورند.

(۳) بعضی از دیپلمه‌ها دانشجو نیستند. برخی از جانوران دارای حس‌اند. بعضی از دیپلمه‌ها دانشجو هستند. برخی از جانوران دارای حس‌اند.

۷۹۵- به فرض درستی گزاره «هر واقعییتی یک بخش ناشناختنی دارد»، کدام مورد را به نحو منطقی می‌توان نتیجه گرفت؟

(سراسری نوبت اول ۱۴۰۲)

(۱) هر واقعییتی یک بخش شناختنی دارد.

(۳) برخی چیزها که بخش ناشناختنی دارند، واقعیت‌اند.

(۴) آن‌چه که بخش ناشناختنی دارد، قسمتی از واقعیت است.

(سراسری ۱۴۰۲)

۷۹۶- در کدام مورد، مغالطه ابهام انعکاس وجود دارد؟

(۱) تعدادی از کالاهایی که صادر می‌شوند، از مالیات معاف نشده‌اند، پس چند قلم از کالاهای معاف از مالیات، صادر نشده‌اند.

(۲) چون هیچ‌یک از علف‌خوارانی که تاکنون مشاهده شده بدون سم نبوده‌اند، می‌فهمیم که بعضی بدون سم‌ها جزء علف‌خواران نیستند.

(۳) بعضی فیلسوفان، رابطه ضروری میان علت و معلول را انکار می‌کنند، پس تعدادی از کسانی که منکر ضرورت علی و معلولی‌اند، فیلسوف‌اند.

(۴) طبق نظرسنجی‌ها، هیچ‌یک از مردم موافق افزایش قیمت کالاهای اساسی نیستند، پس ما با افزایش قیمت کالاهای اساسی موافق نیستیم.

۷۹۷- با فرض درستی قضایای زیر، هر گاه تغییرات مربوط به احکام قضایا را بر آن‌ها اعمال کنیم، از کدام مورد، بیشترین قضایایی که صدق یا کذب آن‌ها را می‌توان فهمید، به دست می‌آید؟

(فارج از کشور ۱۴۰۲)

(۱) مکالمات افلاطون، جملگی، یکی از بهترین میراث‌های فلسفی و نکته‌سنجی‌های فرهنگ بشری است.

(۲) از موارد اختلاف سهروردی با مشائیان، مسئله «حرکت» و «اصالت وجود یا ماهیت» است.

(۳) ابن سینا معتقد است روشن‌ترین دلیل برای وجود نفس، آگاهی از «خود» است.

(۴) گروهی از فیلسوفان، وجود ماده غیر قابل درک را منتفی می‌دانستند.

## درس هشتم: قیاس اقترانی

**دورنما:** در این درس ابتدا با قیاس اقترانی آشنا می‌شویم و اجزای آن به‌خصوص «حد وسط» را به‌طور کامل می‌شناسیم و براساس جایگاه حد وسط، چهار شکل قیاس اقترانی را معرفی می‌کنیم و سپس به بیان مغالطه‌ای که مربوط به «حد وسط» است، یعنی مغالطه «عدم تکرار حد وسط» می‌پردازیم، بعد از آن با بحث از دامنه‌های مصادیق موضوع و محمول به بررسی شرایط معتبر بودن قیاس می‌پردازیم و این شرایط را در سه مورد بیان می‌کنیم: ۱) هر دو مقدمه سالبه نباشند. ۲) حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد. ۳) هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشتند، در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند؛ هر قیاس که این سه شرط را با هم داشته باشد قیاس معتبر محسوب می‌شود.

### اصطلاحات جدید

**قیاس اقترانی:** قیاسی است که نتیجه آن در میان دو مقدمه پخش شده است.

**حد وسط:** جزء مشترک دو مقدمه قیاس اقترانی که در نتیجه حذف می‌شود.

**مغالطه عدم تکرار حد وسط:** در صورتی که از قیاسی که حد وسط در آن تکرار نشده است، نتیجه‌گیری شود، فرد دچار مغالطه «عدم تکرار حد وسط» می‌شود.

آن‌چه در درس پنجم درباره استدلال قیاسی دانستیم، این است که در **استدلال قیاسی** از مقدمات، ضرورتاً به نتیجه پی می‌بریم.

استدلال قیاسی دو نوع دارد: ۱) قیاس اقترانی ۲) قیاس استثنایی؛ که در این درس به بررسی و توضیح قیاس اقترانی می‌پردازیم.

**قیاس اقترانی، قیاسی است که اجزای نتیجه آن در میان مقدمات پخش شده‌اند.** همان‌طور که در مثال زیر مشاهده می‌کنید «آهن» که موضوع نتیجه است در

مقدمه اول وجود دارد و «منبسط‌شونده در اثر حرارت» که محمول نتیجه است در مقدمه دوم وجود دارد.

مقدمه اول: هر آهنی فلز است. مقدمه دوم: هر فلزی منبسط‌شونده در اثر حرارت است.

نتیجه: آهن منبسط‌شونده در اثر حرارت است.

**اجزای قیاس اقترانی** قیاس اقترانی از دو مقدمه و یک نتیجه تشکیل شده است.

**مقدمه اول:** مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه در آن قرار دارد.

**مقدمه دوم:** مقدمه‌ای است که محمول نتیجه در آن قرار دارد.

**حد وسط:** جزء مشترکی که در مقدمه اول و دوم وجود دارد؛ اما در نتیجه حذف شده است. اگر حد وسط (جزء مشترک) وجود نداشته باشد، رابطه‌ای نیز

میان دو قضیه برقرار نمی‌شود و نمی‌توان از آن‌ها نتیجه‌ای به دست آورد. به عبارت دیگر، موضوع یا محمول یک مقدمه با موضوع یا محمول مقدمه دیگر

یکسان و قرین است که آن را «حد وسط» می‌گویند و به همین دلیل به این نوع از قیاس، **قیاس اقترانی** می‌گویند.



**نتیجه:** موضوع نتیجه قیاس اقترانی در مقدمه اول و محمول نتیجه قیاس اقترانی در مقدمه دوم وجود دارد.  
**بیشتر بدانیم:** به مقدمه‌ای که موضوع نتیجه در آن قرار دارد صغرا می‌گویند. (در این جا به آن مقدمه اول می‌گوییم.) و به مقدمه‌ای که محمول نتیجه در آن قرار دارد کبرا می‌گویند. (در این جا به آن مقدمه دوم می‌گوییم.)  
 دو نوع قیاس اقترانی وجود دارد: **۱** قیاس اقترانی **حملی** **۲** قیاس اقترانی **شرطی**. در این درس به توضیح قیاس اقترانی حملی خواهیم پرداخت.  
**بیشتر بدانیم:** قیاس اقترانی شرطی، قیاسی است که حداقل یکی از دو مقدمه آن قضیه‌ای شرطی باشد و نتیجه نیز شرطی باشد.  
 قیاس اقترانی حملی متشکل از دو مقدمه حملی است که نتیجه آن نیز قطعاً قضیه‌ای حملی خواهد بود؛ مانند:  
 - هر تهرانی ایرانی است. - هر ایرانی آسیایی است. - هر تهرانی آسیایی است.  
**اشکال قیاس اقترانی حملی** قیاس اقترانی حملی از لحاظ جایگاه حد وسط در دو مقدمه، چهار حالت پیدا می‌کند که به هر یک از این حالات یک شکل می‌گویند.

**شکل اول:** حد وسط در مقدمه اول محمول و در مقدمه دوم موضوع است.

- هر الف ب است.
- هر ب ج است.
- سقراط انسان است.
- هر انسانی فانی است.
- هر الف ج است.
- سقراط فانی است.

**شکل دوم:** حد وسط در هر دو مقدمه محمول است.

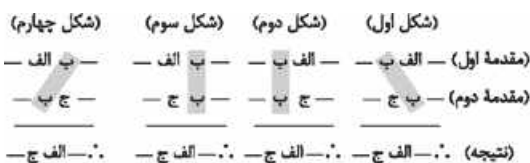
- هر الف ب است.
- هیچ ج ب نیست.
- هر سیبی میوه است.
- هیچ انسانی میوه نیست.
- هیچ الف ج نیست.
- هیچ سیبی انسان نیست.

**شکل سوم:** حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است.

- هر ب الف است.
- بعضی ب ج است.
- هر انسانی متفکر است.
- بعضی انسان‌ها نویسند.
- بعضی الف ج است.
- بعضی متفکران نویسند هستند.

**شکل چهارم:** حد وسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول است.

- هر ب الف است.
- بعضی ج ب است.
- هر حیوانی جاندار است.
- بعضی مهره‌داران حیوان هستند.
- بعضی الف ج است.
- بعضی جانداران مهره‌دار هستند.



**چند نکته:** **۱** مقدمه اول، لزوماً مقدمه‌ای نیست که در ابتدا بیاید، بلکه مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه در آن باشد و مقدمه دوم نیز مقدمه‌ای است که محمول نتیجه در آن باشد. دانستن این مطلب در تشخیص شکل اول یا چهارم بودن یک قیاس اهمیت دارد؛ به مثال زیر توجه کنید:  
 - بعضی الف ب است. - هر ب ج است. - بعضی ج الف است.

این قیاس، یک قیاس اقترانی شکل چهارم است؛ زیرا «هر ب ج است.» مقدمه اول است؛ چرا که «ج» موضوع نتیجه می‌باشد و «بعضی الف ب است.» مقدمه دوم است؛ زیرا «الف» محمول نتیجه می‌باشد.  
 (در مواردی که نتیجه ذکر نشده باشد، همان مقدمه‌ای که ابتدا آمده است را مقدمه اول و مقدمه‌ای که بعد از آن آمده است را مقدمه دوم در نظر می‌گیریم.)

**۲** آنچه باعث مقارنت و ارتباط دو مقدمه است «حد وسط» می‌باشد که بدون آن اصلاً قیاس اقترانی شکل نمی‌گیرد. «حد وسط» در هر دو مقدمه وجود دارد، اما در نتیجه حذف می‌شود.  
 براساس جایگاه حد وسط در دو مقدمه، هیچ حالتی غیر از همین چهار شکل بیان شده وجود ندارد.

**تست آموزشی:** شکل قیاس‌های زیر به ترتیب در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- |                     |                 |                    |
|---------------------|-----------------|--------------------|
| (الف) هر ب الف است. | - هر ب ج نیست.  | - بعضی الف ج نیست. |
| (ب) بعضی الف ب است. | - هیچ ج ب نیست. | - بعضی الف ج نیست. |
| (پ) هر ب الف است.   | - هر ج ب است.   | - بعضی الف ج نیست. |
| (ت) بعضی الف ب است. | - هیچ ب ج نیست. | - بعضی الف ج نیست. |
- (۱) سوم - دوم - چهارم - اول      (۲) اول - دوم - سوم - چهارم      (۳) دوم - سوم - چهارم - اول      (۴) سوم - اول - دوم - چهارم

**پاسخ ۱**

**تکرار حد وسط** شرط اصلی و ابتدایی برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط به صورت **لفظی** و **معنایی** است و در این صورت است که رابطه و مقارنت میان دو قضیه پیش می‌آید و می‌توان میان آن‌ها قیاس اقترانی شکل داد. منظور از **تکرار لفظی حد وسط** آن است که لفظ و لغتی که به عنوان «حد وسط» آمده است، کاملاً در دو مقدمه مشترک و یکسان باشد. به مثال زیر توجه کنید:  
 حسن در کشتی است؛ کشتی حرکت می‌کند ← پس حسن حرکت می‌کند.

در این مثال، محمول مقدمه اول در کشتی است و موضوع مقدمه دوم کشتی است. بنابراین لفظ حد وسط در این مورد یکی نیست و اصلاً قیاس اقترانی تشکیل نمی‌شود. منظور از **تکرار مفهومی حد وسط** آن است که تنها اشتراک لفظ «حد وسط» در دو مقدمه کفایت نمی‌کند، بلکه باید مفهوم و معنای لفظی که به عنوان «حد وسط» به کار رفته است نیز در دو مقدمه یکسان باشد. به مثال زیر توجه کنید:

در باز است؛ باز پرنده است ← پس در پرنده است.  
هر چند لفظ «باز» در دو مقدمه به صورت یکسان تکرار شده است، اما معنا و مفهوم «باز» در مقدمه اول با معنا و مفهوم «باز» در مقدمه دوم متفاوت است و اصلاً قیاس اقترانی شکل نگرفته است.

**مغالطه عدم تکرار حد وسط** حال سؤال این است که اگر شرط اول یک قیاس برای نتیجه‌گیری رعایت نشود، یعنی اگر تکرار حد وسط (به صورت لفظی و معنایی) صورت نگیرد، چه اتفاقی می‌افتد؟

در این صورت دچار **مغالطه** شده‌ایم؛ یعنی استدلال قیاسی، ظاهری درست دارد، اما در واقع غلط است.

اگر شرط اول قیاس، یعنی تکرار لفظی و معنایی حد وسط اتفاق نیفتاده باشد، اما از این قیاس نتیجه‌گیری صورت بگیرد، دچار مغالطه «عدم تکرار حد وسط» شده‌ایم. مغالطه «عدم تکرار حد وسط» به دو دلیل: ۱) عدم تکرار معنایی حد وسط ۲) عدم تکرار لفظی حد وسط صورت می‌گیرد.

۱) عدم تکرار معنایی حد وسط زمانی اتفاق می‌افتد که اشتراک لفظ وجود داشته باشد؛ یعنی لفظی که دارای چند معنا است در یک مقدمه به یک معنا و در مقدمه دیگر به معنایی غیر از آن به کار رفته باشد؛ مانند: شاخه‌ها دارای برگ هستند؛ دفترچه یادداشت دارای برگ است؛ ← پس شاخه‌ها دفترچه یادداشت هستند. (برگ در مقدمه اول به معنای برگ درخت و در مقدمه دوم به معنای ورقه کاغذ است.)

۲) عدم تکرار لفظی حد وسط زمانی اتفاق می‌افتد که حد وسط عیناً و به صورت یکسان تکرار نشده باشد؛ مانند: دیوار موش دارد، موش گوش دارد ← پس دیوار گوش دارد. (حد وسط در مقدمه اول دارای موش و در مقدمه دوم موش است.)

**نکته:** تکرار صحیح «حد وسط» در دو مقدمه، شرط اول برای نتیجه‌گیری در قیاس اقترانی است.

**تست آموزشی:** در کدام گزینه شرط اول نتیجه‌گیری قیاس اقترانی به درستی رعایت شده است؟

- ۱) انسان از خاک است. - خاک از جمادات است.
- ۲) آهن فلز است. - فلز در اثر حرارت منبسط می‌شود.
- ۳) فردوسی شاعر است. - «شاعر» چهار حرف دارد.
- ۴) علی در قایق است. - قایق حرکت می‌کند.

**پاسخ ۲)** شرط اول نتیجه‌گیری قیاس اقترانی تکرار حد وسط است که تنها در ۲) اتفاق افتاده است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) محمول در مقدمه اول «از خاک» و در مقدمه دوم «خاک» است. بنابراین اشتراک لفظی برای حد وسط وجود ندارد. ۳) «شاعر» در مقدمه اول به معنای انسانی است که شعر می‌گوید، ولی منظور از شاعر در مقدمه دوم لفظ شاعر است. بنابراین تکرار معنایی حد وسط در دو مقدمه صورت نگرفته است. ۴) در این جا نیز میان «در قایق» و «قایق» یکسانی از نظر لفظی وجود ندارد. بنابراین تکرار حد وسط صورت نگرفته است.

### قانون نتیجه قیاس

حد وسط عامل ارتباط میان دو مقدمه استدلال است و در نتیجه استدلال حذف می‌شود.

موضوع نتیجه از مقدمه اول و محمول آن از مقدمه دوم به دست می‌آید.

نتیجه قیاس اقترانی از این قانون پیروی می‌کند ← اگر یکی از مقدمات استدلال سالبه باشد، نتیجه نیز سالبه خواهد بود.

بنابراین با مشاهده نسبت‌های به‌کاررفته در مقدمات قیاس می‌توانیم تشخیص دهیم که نتیجه سالبه است یا موجه.

اگر نتیجه قیاس از این قانون پیروی نکرده باشد، آن قیاس نامعتبر است.

اگر یکی از مقدمات سالبه باشد ← نتیجه نیز سالبه است.

اگر هر دو مقدمه موجه باشد ← نتیجه نیز موجه است.



**دامنه مصادیق موضوع و محمول** وقتی می‌گوییم: «سور، دامنه مصادیق موضوع را مشخص می‌کند» این عبارت به چه معنا است؟

این عبارت بدین معنا است که سور (کمیت) مشخص می‌کند که آیا منظور گوینده جمله، همه نفرات و افراد موضوع است یا منظور او همه افراد موضوع نیست؛ مثلاً اگر برای قضیه‌ای از **سور کلی** استفاده کنیم و بگوییم «هر انسانی تلاشگر است»، سور «هر» به ما نشان می‌دهد که همه افراد و نفرات «انسان» مورد نظر گوینده هستند و اگر از **سور جزئی** استفاده کنیم و بگوییم «بعضی انسان‌ها تلاشگر هستند» نشان می‌دهد که دامنه مصادیق موضوع محدودتر است و همه افراد و نفرات «انسان» مورد نظر نیست.

در درس ششم خواندیم که سور (کمیت) در قضایای محصوره دامنه مصادیق موضوع را مشخص می‌کند؛ یعنی اگر سور قضیه‌ای کلی باشد، معلوم می‌گردد که همه مصادیق موضوع مورد نظر گوینده هستند و سور قضایای جزئی نشان می‌دهد که برخی از مصادیق موضوع مورد نظر گوینده هستند. حال می‌خواهیم درباره دامنه مصادیق محمول سخن بگوییم:

در قضایای سالبه همه مصادیق محمول و در قضایای موجه برخی از مصادیق محمول مورد نظر گوینده هستند.

**تعیین دامنه مصادیق موضوع** ← اگر کلی باشد ← همه مصادیق موضوع مد نظر است.

← **براساس سور (کمیت)** ← اگر جزئی باشد ← برخی مصادیق موضوع مد نظر است.

**تعیین دامنه مصادیق محمول** ← اگر موجه باشد ← برخی مصادیق محمول مد نظر است.

← **براساس نسبت (کیفیت)** ← اگر سالبه باشد ← همه مصادیق محمول مد نظر است.



**چند نکته:** ۱. بحث دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول اساس تعیین اعتبار یک قیاس است. با گذاشتن علامت مثبت (+) همهٔ مصادیق و علامت (-) بعضی مصادیق را مورد نظر داریم؛ بنابراین دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول قضایای محصوره به صورت زیر مشخص می‌شود:

هر اسبی حیوان است.  $\ominus$  بعضی سیب‌ها زرد هستند.  $\ominus$  بعضی حیوانات اسب نیستند.  $\ominus$  هیچ مثلی چهارضلعی نیست.  $\oplus$  بعضی حیوانات اسب نیستند.  $\oplus$

۲. در قضایای شخصی همیشه همهٔ مصادیق مورد نظر است، زیرا موضوع یک فرد مشخص و جزئی است؛ به همین دلیل برای موضوع قضایای شخصی از علامت مثبت (+) که نشانگر دربرگرفتن همهٔ مصادیق است، استفاده می‌کنیم؛ مانند: سعدی شاعر است، ایران کشوری پهناور است. دامنهٔ مصادیق محمول قضایای شخصی، مانند محمول قضایای محصوره محاسبه می‌شود؛ یعنی در قضایای موجه علامت (-) (برخی مصادیق) و در قضایای سالبه علامت (+) (همهٔ مصادیق) آورده می‌شود؛ مانند: فردوسی فارسی زبان است، سعدی ریاضی‌دان نیست.

**تست آموزشی:** در کدام گزینه به ترتیب دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول در قضیهٔ اول یکسان و در قضیهٔ دوم متفاوت است؟

- (۱) هیچ الف ب نیست. - هر الف ب است.  
 (۲) بعضی الف ب نیست. - هیچ الف ب نیست.  
 (۳) بعضی الف ب است. - هیچ الف ب نیست.  
 (۴) هر الف ب است. - بعضی الف ب است.

**پاسخ ۱:** در صورت سؤال خواسته شده است که در قضیهٔ اول دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول یکسان باشد؛ یعنی اگر سور کلی آمده، نسبت سالبه باشد و اگر سور جزئی آمده، نسبت موجه باشد. در قضیهٔ دوم نیز باید دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول متفاوت باشد؛ یعنی اگر سور کلی است، نسبت موجه باشد و اگر سور جزئی است، نسبت سالبه باشد. در ۱. قضیهٔ «هیچ الف ب نیست» و «هر الف ب است» آمده که قضیهٔ اول دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول یکسان و در قضیهٔ دوم دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول متفاوت است.

**شرایط معتبر بودن قیاس**

قیاس در شرایط خاصی نتیجه‌بخش و معتبر است؛ بنابراین نمی‌توان گفت هرگاه حد وسط به درستی وجود داشته باشد حتماً از قیاس می‌توان نتیجه گرفت. به مثال زیر توجه کنید:

- هر انسانی حیوان است. - بعضی حیوان‌ها خرگوش هستند. پس بعضی انسان‌ها خرگوش هستند.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در این قیاس حد وسط به درستی تکرار شده است، اما از آن جایی که شرایط معتبر بودن قیاس وجود ندارد نتیجهٔ به‌دست‌آمده نیز اشتباه است.

حال می‌رویم سراغ این‌که چه شرایطی برای معتبر بودن یک قیاس وجود دارد. برای معتبر بودن یک قیاس سه شرط اساسی وجود دارد:

- هر دو مقدمه سالبه نباشد؛ یعنی حتماً یکی از دو مقدمه باید موجه باشد.
- حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی (-) نداشته باشد؛ به عبارت دیگر، حد وسط حداقل در یکی از دو مقدمه علامت مثبت (+) داشته باشد.
- هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشتند، در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند.

**بررسی شرایط قیاس معتبر ۱. بررسی شرط نخست: هر دو مقدمه نباید سالبه باشد.**

**نکته:** این شرط نخستین و ساده‌ترین شرط برای قیاس معتبر است؛ بنابراین قبل از بررسی شروط دیگر، این شرط را بررسی کنید، شاید نیازی به بررسی دیگر شروط نباشد.

بررسی این شرط بسیار آسان است، به دو مقدمه نگاه می‌کنیم، اگر حداقل یکی از دو مقدمه موجه باشد، این شرط رعایت شده است؛ اما اگر هر دو مقدمه سالبه باشد، این شرط رعایت نشده و قیاس نامعتبر خواهد بود.

**مثال:** بعضی الف ب نیست.  $\ominus$  هیچ ب ج نیست.  $\ominus$

اگر یکی از دو مقدمه سالبه نبود، به سراغ بررسی شروط دیگر می‌رویم.

**مثال:** هر الف ب است.  $\oplus$  بعضی ب ج نیست.  $\ominus$

بعضی ب الف است.  $\oplus$  هر ب ج است.  $\oplus$

۲. **بررسی شرط دوم: حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی (-) نداشته باشد.** این شرط بدین معناست که حد وسط حداقل در یکی از دو مقدمه باید دارای علامت مثبت (+) باشد؛ یعنی حد وسط حداقل در یکی از دو مقدمه باید همهٔ مصادیق موضوع یا محمول را در بر بگیرد.

**مثبت بودن حد وسط**  $\left\{ \begin{array}{l} \text{حد وسط موضوع باشد} \leftarrow \text{سور کلی} \\ \text{حد وسط محمول باشد} \leftarrow \text{کیف سالبه} \end{array} \right.$

به مثال‌های زیر توجه کنید:

هر الف ب است.  $\ominus$  بعضی ب ج است.  $\ominus$

هیچ ب الف نیست.  $\ominus$  هر ج ب است.  $\ominus$

باید سراغ بررسی شرط سوم برویم.

هر ب الف است.  $\oplus$  هیچ ج ب نیست.  $\ominus$

حد وسط در هر دو مقدمه منفی (-) است. بنابراین قیاس نامعتبر است.

حد وسط در هر دو مقدمه مثبت (+) است. بنابراین

حد وسط در هر دو مقدمه سالبه نیست. حد وسط در هر دو مقدمه مثبت (+) است.



بنابراین باید سراغ شرط سوم برویم.

۳ بررسی شرط سوم: اگر موضوع یا محمول در نتیجه دارای علامت مثبت باشند، در مقدمات نیز باید دارای علامت مثبت باشند؛ یعنی موضوع یا محمولی که در نتیجه همه مصادیق را در بر می‌گیرد باید در مقدمات نیز همه مصادیق را در بر بگیرد.

بعضی الف ب نیست. بعضی ب ج است. بعضی الف ج نیست. بعضی الف ج نیست. مثبت دارد در مقدمه دوم علامت منفی دارد.

هر الف ب است. هیچ ب ج نیست. هیچ الف ج نیست. قیاس معتبر است.

در بررسی شرط سوم به موضوع و محمولی که در نتیجه منفی (-) اند، کاری نداریم و مورد بررسی قرار نمی‌دهیم.

اگر قیاسی هر سه شرط مذکور را دارا باشد، قیاس معتبر محسوب می‌شود؛ اما اگر حتی یکی از این سه شرط را دارا نباشد، نامعتبر به حساب می‌آید.

★ نکته: چند نکته که دانستن آن‌ها می‌تواند در سرعت عمل برای حل برخی تست‌ها به کار آید: (هر یک از این موارد را می‌توان براساس شرایط اعتبار اثبات نمود).

۱ اگر هر دو مقدمه جزئی باشند، قطعاً قیاس نامعتبر است.

۲ نتیجه در قیاس شکل سوم حتماً جزئی است.

۳ نتیجه موجبه کلیه تنها در شکل اول به دست می‌آید.

۴ کیفیت در دو مقدمه شکل دوم متفاوت است؛ بنابراین نتیجه در شکل دوم حتماً سالبه است.

(برگرفته از فعالیت کتاب درسی)

تست آموزشی: دلیل نامعتبر بودن قیاس‌های زیر به ترتیب کدام است؟

الف) هیچ یک از شیرینی خورها لاغر نیستند؛ بعضی سیگاری‌ها شیرینی خور نیستند، پس: بعضی از سیگاری‌ها لاغرند.

ب) رستم شیر است، شیر در بیشه زندگی می‌کند، پس رستم در بیشه زندگی می‌کند.

پ) برخی از کاغذها سفیدند، برخی از سفیدها برف‌اند؛ پس: برخی از کاغذها برف‌اند.

۱) دو مقدمه سالبه - حد وسط در دو مقدمه منفی - عدم تکرار حد وسط ۲) دو مقدمه سالبه - عدم تکرار حد وسط - حد وسط در دو مقدمه منفی

۳) عدم تکرار حد وسط - دو مقدمه سالبه - عدم تکرار حد وسط ۴) حد وسط در دو مقدمه منفی - عدم تکرار حد وسط - دو مقدمه سالبه

پاسخ ۲ الف) هر دو مقدمه سالبه هستند؛ بنابراین شرط اول، اعتبار قیاس را ندارد و نامعتبر است.

ب) منظور از «شیر» در دو مقدمه متفاوت است، بنابراین تکرار معنایی حد وسط صورت نگرفته است و مغالطه عدم تکرار حد وسط رخ داده است.

پ) «سفید» حد وسط است و در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است و شرط دوم اعتبار قیاس را ندارد و قیاس نیز نامعتبر است.

(برگرفته از فعالیت کتاب درسی)

تست آموزشی: کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر هستند؟

الف) - بعضی الف ب است. - هیچ ج ب نیست. بعضی الف ج نیست.

ب) - بعضی الف ب است. - بعضی ب ج است. بعضی الف ج است.

پ) - هیچ ب الف نیست. - هر ب ج است. هیچ الف ج نیست.

ت) - هر ب الف است. - بعضی ب ج نیست. بعضی الف ج نیست.

الف و ب (۱) ب و پ (۲) ب و ت (۳) الف و ت (۴)

پاسخ ۴ قیاس «ب» و «پ» نامعتبر است، زیرا در قیاس اقترانی «ب» حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است و در قیاس اقترانی «پ»، محمول

نتیجه یعنی «ج» دارای علامت مثبت است، اما در مقدمات دارای علامت منفی است؛ بنابراین شرط سوم اعتبار را ندارد.

### مختصر و مفید

❖ قیاس اقترانی قیاسی است که اجزای نتیجه در میان مقدمات آن پخش شده‌اند.

❖ به جزء مشترک میان دو مقدمه «حد وسط» می‌گویند؛ پس از حذف کردن حد وسط، موضوع نتیجه از مقدمه اول و محمول نتیجه از مقدمه دوم به دست می‌آید.

❖ براساس جایگاه حد وسط، چهار شکل قیاس اقترانی تشکیل می‌شود.

❖ شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط، به صورت لفظی و معنایی است.

❖ در صورتی که از قیاسی که حد وسط در آن تکرار نشده است، نتیجه‌گیری شود، فرد دچار مغالطه «عدم تکرار حد وسط» می‌شود.

❖ اگر یکی از مقدمات استدلال سالبه باشد، نتیجه استدلال نیز سالبه خواهد بود.

❖ در قضایای سالبه همه مصادیق محمول (+) و در قضایای موجبه برخی از مصادیق محمول (-) مورد نظر گوینده‌اند.

❖ در قضایای کلیه همه مصادیق موضوع (+) و در قضایای جزئی برخی از مصادیق موضوع (-) مورد نظر گوینده است.

❖ برای آن که قیاسی معتبر باشد، باید سه شرط زیر درباره آن صادق باشد:

۱ هر دو مقدمه سالبه نباشد.

۲ حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.

۳ هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشتند، در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند.

توی تست‌های این درس، چی درسته چی نادرست؟

درست است که: (گزینه جواب)	ولی درست نیست که: (گزینه انحرافی)
قیاس اقترانی استدلالی است که نتیجه درون دو مقدمه پخش شده است.	قیاس اقترانی استدلالی است که نتیجه درون یکی از مقدمات آمده است.
مقدمه اول قیاس اقترانی، مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه در آن ذکر شده است و مقدمه دوم، مقدمه‌ای است که محمول نتیجه در آن آمده است.	مقدمه اول قیاس اقترانی مقدمه‌ای است که ابتدا ذکر شود و مقدمه دوم پس از آن می‌آید.
براساس جایگاه حد وسط، شکل‌های مختلف قیاس اقترانی تعیین می‌شوند.	براساس موجه یا سالبه و کلیه یا جزئی بودن مقدمات، شکل‌های قیاس اقترانی معین می‌شوند.
شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط (به صورت لفظی و معنایی) است.	شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، موجه بودن حداقل یکی از مقدمات است.
شرط اول اعتبار: هر دو مقدمه سالبه نباشند.	شرط اول اعتبار: هر دو مقدمه موجه باشد.
شرط دوم اعتبار: حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.	شرط دوم اعتبار: حد وسط در هر دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد.
شرط سوم اعتبار: اگر موضوع یا محمول نتیجه علامت مثبت داشته باشد، باید در مقدمات نیز دارای علامت مثبت باشد.	شرط سوم اعتبار: اگر موضوع یا محمول نتیجه علامت منفی داشته باشد، باید در مقدمات نیز دارای علامت منفی باشد.
اگر یکی از مقدمات سالبه باشد، نتیجه نیز سالبه خواهد بود.	اگر یکی از مقدمات موجه باشد، نتیجه نیز موجه خواهد بود.
در یک قیاس معتبر شکل دوم قطعاً یکی از مقدمات موجه و یکی سالبه است.	در یک قیاس معتبر شکل دوم ممکن است هر دو مقدمه موجه باشد.
اگر نتیجه قیاس سالبه باشد، قطعاً یکی از مقدمات نیز سالبه است.	اگر یکی از مقدمات سالبه باشد، نتیجه قیاس نیز سالبه است، اما برعکس آن صحیح نمی‌باشد.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۷۹۸- به ترتیب، علت نام‌گذاری قیاس اقترانی چیست و کدام عبارت درباره قیاس اقترانی صحیح است؟

- (۱) وجود عامل مشترک در دو مقدمه - اجزای نتیجه در یک مقدمه آمده است.
- (۲) حملی بودن دو مقدمه و نتیجه - نتیجه یا نقیض نتیجه درون یکی از مقدمات است.
- (۳) وجود حد وسط در دو مقدمه - اجزای نتیجه در دو مقدمه پخش شده است.
- (۴) عدم حضور حد وسط در نتیجه - موضوع نتیجه در یک مقدمه و محمول آن در مقدمه دیگر آمده است.

۷۹۹- به جزء مشترکی که در دو مقدمه قیاس اقترانی وجود دارد ..... می‌گویند که در نتیجه .....

- (۱) حد وسط - وجود دارد.
- (۲) مقدمه قیاس - پخش می‌شود.
- (۳) عامل مشترک - تقسیم می‌گردد.
- (۴) حد وسط - حضور ندارد.

۸۰۰- عامل تشکیل اشکال قیاس اقترانی چیست و چند شکل برای قیاس اقترانی وجود دارد؟

- (۱) موجه یا سالبه بدون مقدمات - چهار
  - (۲) جزئی یا کلی بودن مقدمات - سه
  - (۳) جایگاه حد وسط - چهار
  - (۴) نوع نتیجه - چهار
- ۸۰۱- جایگاه حد وسط به ترتیب، در مقدمه اول شکل سوم قیاس اقترانی و مقدمه دوم شکل اول قیاس اقترانی کدام است؟
- (۱) موضوع - محمول
  - (۲) محمول - محمول
  - (۳) محمول - موضوع
  - (۴) موضوع - موضوع

۸۰۲- عامل اقتران و ارتباط میان دو مقدمه قیاس که حد وسط نام دارد در شکل سوم ..... و در شکل دوم ..... است.

- (۱) در هر دو مقدمه موضوع - در هر دو مقدمه محمول
- (۲) در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول - در هر دو مقدمه موضوع
- (۳) در هر دو مقدمه موضوع - در یک مقدمه موضوع و در دیگری محمول
- (۴) در هر دو مقدمه محمول - در هر دو مقدمه موضوع

۸۰۳- در کدام مورد یا موارد از استدلال‌های زیر دچار مغالطه عدم تکرار حد وسط شده‌ایم؟

- (الف) علی استعداد دارد. - خوشنویسی یک استعداد است. ← علی استعداد خوشنویسی دارد.
- (ب) پنیر از شیر است. - شیر سفید است. ← پنیر سفید است.
- (پ) هر انسانی حیوان است. - حیوان پنج حرف دارد. ← انسان پنج حرف دارد.
- (ت) خودکار نوشت‌افزار است. - همه نوشت‌افزارها گران شده‌اند. ← خودکار گران شده است.

- (۱) الف و ب
- (۲) همه موارد
- (۳) ب، پ و الف
- (۴) پ

۸۰۴- کدام یک از گزینه‌ها مرتبط با شرط اول برای نتیجه‌گیری قیاس اقترانی است؟

- (۱) موجه بودن هر دو مقدمه
- (۲) جزئی نبودن هر دو مقدمه
- (۳) سالبه نبودن هر دو مقدمه
- (۴) تکرار حد وسط به صورت لفظی و معنایی

- ۸۰۵- شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس اقترانی ..... است و اگر در صورت سالبه‌بودن یکی از مقدمات، نتیجه سالبه نباشد، .....  
 (۱) تکرار لفظی حد وسط - قیاس تشکیل نمی‌شود.  
 (۲) سالبه‌نبودن هر دو مقدمه - قیاس نامعتبر است.  
 (۳) تکرار لفظی و معنایی حد وسط - قیاس تشکیل نمی‌شود.  
 (۴) تکرار لفظی و معنایی حد وسط - قیاس نامعتبر است.
- ۸۰۶- کدام گزینه بهترین تعریف برای مغالطه «عدم تکرار حد وسط» است؟  
 (۱) از قیاسی که لغت حد وسط در آن تکرار شده باشد نتیجه‌گیری کنیم.  
 (۲) از قیاسی که نتیجه در دو مقدمه آن پخش نباشد نتیجه‌گیری انجام شود.  
 (۳) از قیاسی که حد وسط از لحاظ لفظی و معنایی تکرار نشده باشد نتیجه‌گیری صورت بگیرد.  
 (۴) از قیاسی که حد وسط در آن مشترک لفظی باشد، نتیجه‌گیری شود.
- ۸۰۷- استدلال «حسن در کشتی است. / کشتی حرکت می‌کند. ∴ حسن حرکت می‌کند» استدلالی است که .....  
 (۱) معتبر است؛ زیرا تمام شرایط اعتبار قیاس اقترانی وجود دارد.  
 (۲) شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس اقترانی را ندارد.  
 (۳) از قانون نتیجه‌گیری قیاس پیروی نکرده است؛ بنابراین نامعتبر است.  
 (۴) معتبر نیست؛ زیرا محمول نتیجه در مقدمات علامت مثبت ندارد.
- ۸۰۸- در کدام گزینه نوع مغالطه «عدم تکرار حد وسط» با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟  
 (۱) شاخه‌ها برگ دارند، دفترچه یادداشت برگ دارد؛ پس شاخه‌ها دفترچه یادداشت هستند.  
 (۲) انسان از خاک است. خاک از جمادات است؛ پس انسان از جمادات است.  
 (۳) فردوسی شاعر است. «شاعر» چهار حرف دارد؛ فردوسی چهار حرف دارد.  
 (۴) در باز است. باز پرده است؛ پس در پرده است.
- ۸۰۹- در کدام گزینه شکل قیاس و اعتبار و عدم اعتبار آن به درستی ذکر شده است؟  
 (۱) بعضی الف ج است. / هیچ ج ب نیست. ← شکل اول و معتبر  
 (۲) بعضی د ب است. / هر ج ب است. ← شکل دوم و معتبر  
 (۳) بعضی غیر ب الف نیست. / هیچ غیر ب ج نیست. ← شکل دوم و نامعتبر  
 (۴) بعضی ب ج نیست. / هر د ب است. ← شکل چهارم و معتبر
- ۸۱۰- تعیین‌کننده دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول به ترتیب مربوط به کدام است؟  
 (۱) سور - کمیت  
 (۲) کمیت - رابطه  
 (۳) جزئی یا کلی بودن موضوع - کیفیت  
 (۴) کیفیت - ایجاب یا سلب
- ۸۱۱- شکل مربوط به قیاس‌های اقترانی زیر در کدام گزینه به ترتیب، به درستی بیان شده است؟  
 الف) برخی حیوان‌ها نقاش هستند. - هر نقاشی انسان است. ← برخی حیوان‌ها انسان هستند.  
 ب) برخی شترها یک کوهان دارند. - هر شتری حیوان است. ← برخی یک کوهان‌داران حیوان هستند.  
 پ) هر مثلثی شکل است. - هر سه‌ضلعی مثلث است. ← بعضی شکل‌ها سه‌ضلعی هستند.  
 (۱) اول - دوم - سوم  
 (۲) اول - سوم - چهارم  
 (۳) چهارم - دوم - اول  
 (۴) سوم - سوم - اول
- ۸۱۲- سالبه‌بودن قضیه نشانگر در بر گرفتن ..... و موجه‌بودن قضیه نشانگر در بر گرفتن ..... است.  
 (۱) همهٔ مصادیق موضوع - همهٔ مصادیق محمول  
 (۲) برخی مصادیق محمول - همهٔ مصادیق محمول  
 (۳) همهٔ مصادیق محمول - برخی مصادیق محمول  
 (۴) همهٔ مصادیق موضوع - برخی مصادیق موضوع
- ۸۱۳- در کدام گزینه عبارات ذکرشده به ترتیب معادل عبارات: «همهٔ مصادیق محمول، مورد نظر است»، «موضوع دارای علامت مثبت است» و «موضوع و محمول هر دو دارای علامت مثبت هستند» می‌باشد؟  
 (۱) قضیه سالبه است. - قضیه کلیه یا شخصیه است. - قضیه سالبه کلیه یا شخصیه سالبه است.  
 (۲) قضیه موجه است. - قضیه شخصیه است. - قضیه موجه کلیه است.  
 (۳) قضیه سالبه کلیه است. - قضیه موجه است. - قضیه سالبه جزئیه است.  
 (۴) قضیه سالبه است. - قضیه کلیه است. - قضیه شخصیه موجه یا سالبه جزئیه است.
- ۸۱۴- اساس تعیین اعتبار یک قیاس کدام موضوع است؟  
 (۱) نحوهٔ تشخیص دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول  
 (۲) موجه یا سالبه بودن مقدمات  
 (۳) جزئی یا کلی بودن مقدمات  
 (۴) کاملاً مشترک بودن حد وسط
- ۸۱۵- اگر علامت مثبت (+) برای همهٔ مصادیق و علامت منفی (-) برای برخی از مصادیق باشد، علامت‌گذاری در کدام گزینه به صورت صحیح انجام شده است؟  
 (۱) هر الف ب است. - بعضی غیر ج نیست.  
 (۲) هر ب غیر ج نیست. - بعضی ت د است.  
 (۳) هیچ الف ب نیست. - هر الف ب است.  
 (۴) بعضی الف ب است. - بعضی غیر ب غیر الف نیست.
- ۸۱۶- موضوع قضایای شخصیه از لحاظ دامنهٔ مصادیق موضوع مانند ..... است و از لحاظ دامنهٔ مصادیق محمول ..... است.  
 (۱) قضایای کلی - همچون قضایای محصوره  
 (۲) قضایای جزئی - متفاوت با قضایای محصوره  
 (۳) قضایای محصوره - همچون قضایای موجه  
 (۴) قضایای کلی - همچون قضایای جزئی
- ۸۱۷- در کدام گزینه همهٔ علامت‌های مثبت و منفی به اشتباه تعیین شده است؟  
 (۱) بسیاری الف ج نیست. - برخی غیر ج ب است.  
 (۲) اکثر ب ج است. - هیچ الف ب نیست.  
 (۳) هر ب د است. - تعدادی ج د است.  
 (۴) هیچ الف ب نیست. - برخی ج د نیست.

سور جزئی	برخی مصادیق موضوع
سور کلی	.....
.....	همه مصادیق محمول
.....	برخی مصادیق محمول

۸۱۸- در کدام گزینه جدول به ترتیب از بالا به پایین به درستی تکمیل شده است؟

- (۱) همه مصادیق موضوع - موجبه - سالبه
- (۲) همه مصادیق محمول - محصوره - شخصیه
- (۳) همه مصادیق موضوع - سالبه - موجبه
- (۴) برخی مصادیق موضوع - شخصیه - محصوره

۸۱۹- در کدام گزینه دو شرط از سه شرط معتبر بودن قیاس ذکر شده است؟

- (۱) یکی از دو مقدمه موجبه باشد، هر دو قضیه کلی نباشد.
- (۲) هیچ مقدمه‌ای سالبه نباشد، نتیجه سالبه نباشد.
- (۳) هر کدام از موضوع یا محمول که علامت منفی دارند در مقدمات نیز علامت منفی داشته باشند، هر دو مقدمه سالبه نباشند.
- (۴) حد وسط در هر دو مقدمه شامل فقط برخی از مصادیق موضوع یا محمول نشود، حداقل یک مقدمه موجبه باشد.

۸۲۰- علامت‌های (مثبت یا منفی) که برای «الف» در قضا یا وجود دارد، در کدام گزینه با یکدیگر یکسان است؟

- (۱) بعضی الف ب است. - هیچ ج الف نیست.
- (۲) هیچ الف ب نیست. - برخی د الف نیست.
- (۳) برخی غیر ج الف است. - هیچ الف ج نیست.
- (۴) هر الف ب است. - هر ب الف است.

۸۲۱- قضیه‌ای که موضوع و محمول آن دارای علامت مثبت هستند را عکس مستوی می‌نماییم، علامت موضوع و محمول قضیه عکس چیست؟

- (۱) موضوع مثبت و محمول منفی
- (۲) موضوع منفی و محمول مثبت
- (۳) موضوع و محمول مثبت
- (۴) موضوع و محمول منفی

۸۲۲- در کدام گزینه علامت‌های مثبت و منفی که نشانگر دامنه مصادیق موضوع و محمول هستند، به درستی ذکر شده است؟

- (۱) سعدی شاعر است.  $\begin{matrix} + \\ - \end{matrix}$
- (۲) اکثر مردم تلاشگر نیستند.  $\begin{matrix} + \\ - \end{matrix}$
- (۳) ایران کشور پهناوری است.  $\begin{matrix} + \\ - \end{matrix}$
- (۴) فلز در اثر حرارت منبسط می‌شود.  $\begin{matrix} + \\ - \end{matrix}$

۸۲۳- در قضایای شخصیه ..... مورد نظر هستند لذا همیشه از علامت ..... استفاده می‌کنیم.

- (۱) همه مصادیق محمول - مثبت (۲) برخی مصادیق موضوع - منفی (۳) همه مصادیق موضوع - مثبت (۴) برخی مصادیق محمول - منفی

۸۲۴- کدام عبارت درباره شرایط اعتبار قیاس نادرست است؟

- (۱) اگر موضوع یا محمول در نتیجه علامت منفی داشته باشد، نیازی به بررسی آن‌ها نیست.
- (۲) حداقل یکی از مقدمات موجبه است.
- (۳) حد وسط در هر دو مقدمه علامت مثبت دارد.
- (۴) اگر موضوع یا محمول در نتیجه علامت مثبت داشته باشد در مقدمات نیز باید علامت مثبت داشته باشد.

۸۲۵- در کدام گزینه در هر دو قضیه ذکر شده، تمام مصادیق موضوع و محمول مورد نظر گوینده است؟

- (۱) سقراط معلم اول نیست. - هیچ انسانی غیرمتفکر نیست.
- (۲) ارسطو معلم اول است. - بعضی نویسندگان خوش خط نیستند.
- (۳) اکثر پزشکان بدخط هستند. - فردوسی ادیب بزرگی است.
- (۴) سعدی فیلسوف نیست. - بسیاری از شتران دو کوهان دارند.

۸۲۶- در کدام نوع قضیه تمامی مصادیق موضوع و محمول مورد نظر گوینده است و در کدام نوع قضیه برخی مصادیق موضوع و برخی مصادیق محمول مورد نظر گوینده است؟

- (۱) شخصیه سالبه - موجبه کلی (۲) موجبه کلی - سالبه جزئی (۳) سالبه کلی - سالبه جزئی (۴) شخصیه سالبه - موجبه جزئی

۸۲۷- نتیجه قیاسی که تنها یک مقدمه آن موجبه است، ..... خواهد بود و قیاس «هر ج غیر ب است. - هیچ غیر ب الف نیست.  $\leftarrow$  بعضی الف ج نیست.» شکل ..... به حساب می‌آید.

- (۱) سالبه - چهارم (۲) موجبه - اول (۳) کلیه - سوم (۴) سالبه - اول

۸۲۸- با توجه به قانون نتیجه قیاس، کدام گزینه جاهای خالی را به درستی تکمیل می‌نماید؟

- اگر یک مقدمه، موجبه باشد و یکی سالبه  $\leftarrow$  .....  
اگر هر دو مقدمه موجبه باشند  $\leftarrow$  .....

- (۱) کیفیت نتیجه معلوم نیست. - نتیجه موجبه است.
- (۲) نتیجه کلیه است. - نتیجه جزئی است.
- (۳) نتیجه سالبه است. - نتیجه موجبه است.
- (۴) نتیجه جزئی است. - نتیجه سالبه است.

۸۲۹- قیاس اقترانی که نتیجه آن موجبه جزئی است؛ .....

- (۱) ممکن است هر دو مقدمه آن موجبه باشد.
- (۲) قطعاً، به دلیل عدم رعایت شرط سوم اعتبار، نامعتبر نخواهد بود.
- (۳) قطعاً هر دو مقدمه آن نیز دارای سور جزئی خواهند بود.
- (۴) قطعاً شکل اول قیاس اقترانی است.

۸۳۰- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر است؟

- (۱) هیچ الف ب نیست. - بعضی ب ج نیست.  $\leftarrow$  بعضی الف ج نیست.
- (۲) هر الف ب است. - هیچ ب ج نیست.  $\leftarrow$  هیچ الف ج نیست.
- (۳) برخی ج د است. - هر الف ج است.  $\leftarrow$  برخی د الف است.
- (۴) بعضی ب الف نیست. - بعضی ب ج نیست.  $\leftarrow$  بعضی الف ج نیست.

۸۳۱- دلیل عدم اعتبار کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

- (۱) هر الف ب است. - بعضی ب ج نیست.  $\leftarrow$  بعضی الف ج نیست.
- (۲) هر الف ب است. - بعضی ب ج است.  $\leftarrow$  بعضی الف ج است.
- (۳) هر ب الف است. - بعضی ج ب نیست.  $\leftarrow$  بعضی الف ج نیست.
- (۴) برخی ب ج است. - بعضی ب الف نیست.  $\leftarrow$  برخی ج الف نیست.

- ۸۳۲- قیاسی که از یک مقدمه سالبه کلی و یک مقدمه سالبه جزئی تشکیل شده باشد معتبر ..... زیرا .....
- (۱) نیست - حد وسط در آن تکرار نشده است.  
 (۲) نیست - حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.  
 (۳) است - هر دو مقدمه سالبه است.  
 (۴) نیست - هر دو مقدمه سالبه است.
- ۸۳۳- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر نیست؟
- (۱) هر الف ب است. - هیچ ب ج نیست. ← هیچ الف ج نیست.  
 (۲) بعضی ج د نیست. - هر الف د است. ← بعضی ج الف نیست.  
 (۳) بعضی د الف است. - هیچ ب الف نیست. ← بعضی د ب نیست.  
 (۴) هر ب الف است. - بعضی الف ج نیست. ← بعضی ب ج نیست.
- ۸۳۴- برای این که شرط دوم اعتبار قیاس رعایت شود، در شکل سوم قیاس اقترانی موضوع مقدمه اول و ..... باید .....
- (۱) موضوع مقدمه دوم - در هر دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد.  
 (۲) محمول مقدمه دوم - در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.  
 (۳) موضوع مقدمه دوم - در هر دو مقدمه علامت مثبت نداشته باشد.  
 (۴) موضوع مقدمه دوم - در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.
- ۸۳۵- برای رعایت شرط دوم اعتبار قیاس در شکل دوم قیاس اقترانی ..... و ..... نباید هر دو برخی مصادیقش را در بر گرفته باشد.
- (۱) محمول مقدمه اول - موضوع مقدمه دوم  
 (۲) محمول مقدمه اول - محمول مقدمه دوم  
 (۳) موضوع مقدمه اول - محمول مقدمه دوم  
 (۴) موضوع مقدمه اول - موضوع مقدمه دوم
- ۸۳۶- اگر نتیجه یک قیاس «هیچ الف ج نیست» باشد، برای رعایت شرط سوم یک قیاس معتبر، کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند مقدمات این قیاس معتبر باشد؟
- (۱) بعضی الف ب نیست. - هر ج ب است.  
 (۲) هر ب الف است. - هیچ ب ج نیست.  
 (۳) هیچ الف ب نیست. - هر ج ب است.  
 (۴) بعضی ب الف نیست. - بعضی ج ب است.
- ۸۳۷- کدام تحلیل درباره دو قیاس اقترانی زیر درست است؟
- (الف) این سگ دارای چهار پا هست / همه گربه‌ها دارای چهار پا هستند. ∴ این سگ گربه است.  
 (ب) هیچ خرگوشی گیاه نیست / هیچ گیاهی حیوان نیست. ∴ هیچ خرگوشی حیوان نیست.  
 (۱) هر دو نامعتبرند، اولی به دلیل عدم رعایت قانون نتیجه قیاس و دومی به دلیل عدم تکرار حد وسط.  
 (۲) اولی نامعتبر است، به دلیل موجه بودن هر دو مقدمه و دومی قیاسی معتبر است.  
 (۳) هر دو نامعتبرند، اولی به دلیل علامت منفی داشتن حد وسط در هر دو مقدمه و دومی به دلیل سالبه بودن هر دو مقدمه.  
 (۴) هر دو نامعتبرند، اولی به دلیل آن که جزئی که در نتیجه علامت مثبت دارد در مقدمات علامت مثبت ندارد و دومی به دلیل سالبه بودن هر دو مقدمه.
- ۸۳۸- نتیجه استدلال معتبر زیر کدام است و این استدلال شکل چندم قیاس اقترانی محسوب می‌شود؟
- «هر انسانی ناطق است. - برخی حیوانات ناطق نیستند.»
- (۱) برخی حیوانات انسان نیستند. - شکل اول  
 (۲) برخی انسان‌ها حیوان نیستند. - شکل دوم  
 (۳) هر حیوانی انسان است. - شکل سوم  
 (۴) بعضی حیوانات انسان نیستند. - شکل دوم
- ۸۳۹- کدام یک از عبارات زیر در مورد شرایط اعتبار قیاس صحیح نیست؟
- (۱) حداقل یکی از دو مقدمه سالبه نباشد.  
 (۲) حد وسط در حداقل یکی از دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد.  
 (۳) اگر موضوع و محمول نتیجه علامت منفی داشته باشد نیازی به بررسی آن‌ها نیست.  
 (۴) علامت موضوع و محمول در نتیجه، با علامت آن‌ها در مقدمه‌ها یکسان باشد.
- ۸۴۰- اگر مثبت نشانه در بر گرفتن همه مصادیق و منفی نشانه در بر گرفتن برخی مصادیق باشد، به ترتیب علامت موضوع و محمول قضایای زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟ «هیچ نشخوارکننده‌ای گوشت خوار نیست»، «بعضی فیلسوفان دیوانه هستند»
- (۱) مثبت - مثبت - منفی - منفی  
 (۲) منفی - مثبت - مثبت - منفی  
 (۳) منفی - منفی - مثبت - مثبت  
 (۴) مثبت - مثبت - منفی - مثبت
- ۸۴۱- کدام یک از گزینه‌های زیر درباره قیاس اقترانی صحیح است؟
- (۱) حد وسط در شکل چهارم قیاس اقترانی، در مقدمه اول محمول است.  
 (۲) شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط به صورت لفظی و معنایی است.  
 (۳) اگر جای مقدمات قیاس شکل اول را عوض کنیم و نتیجه را ثابت نگه داریم قیاس شکل اول به شکل چهارم تبدیل می‌شود.  
 (۴) شرط اول معتبر بودن قیاس این است که حداقل یکی از دو مقدمه سالبه باشد.
- ۸۴۲- قیاس «بعضی الف ب نیست - بعضی ب ج است؛ بعضی الف ج نیست» معتبر ..... زیرا .....
- (۱) است - تمامی شرایط معتبر بودن قیاس را دارد.  
 (۲) نیست - شرط اول اعتبار قیاس را ندارد.  
 (۳) نیست - علامت حد وسط در هر دو مقدمه سالبه است.  
 (۴) نیست - شرط سوم اعتبار قیاس را ندارد.
- ۸۴۳- قیاس «هیچ الف ب نیست. - هر ج ب است؛ هیچ الف ج نیست.» شکل چندم است و آیا معتبر است یا نه؟
- (۱) شکل دوم - معتبر نیست. (۲) شکل اول - معتبر است.  
 (۲) شکل سوم - معتبر است. (۳) شکل دوم - معتبر است.  
 (۴) شکل اول - معتبر نیست. (۴) شکل دوم - معتبر است.
- ۸۴۴- زمانی که یکی از مقدمات یک قیاس معتبر ..... باشند، نتیجه نیز حتماً .....
- (۱) موجه - موجه (۲) سالبه - سالبه (۳) کلی - کلی (۴) کلی - جزئی
- ۸۴۵- در بین استدلال‌های زیر چند قیاس معتبر وجود دارد؟
- (الف) برخی الف ب است. / هیچ ب ج نیست. ∴ برخی الف ج نیست.  
 (ب) بعضی ب ج نیست. / هر ج د است. ∴ بعضی ب د نیست.  
 (پ) بعضی ج د است. / هر الف د است. ∴ بعضی ج الف است.  
 (ت) بعضی غیر ب د است. / هیچ غیر ب ج نیست. ∴ بعضی د ج است.



۸۴۶- اگر محمول در یکی از مقدمات علامت مثبت داشته باشد، .....  
 (۱) نتیجه دارای موضوعی با علامت منفی است.  
 (۲) نتیجه دارای محمولی با علامت مثبت است.  
 (۳) موضوع در نتیجه دارای علامت مثبت است.  
 (۴) علامت محمول نتیجه مشخص نیست.

۸۴۷- کدام یک از گزاره‌های زیر، دربارهٔ یک قیاس اقترانی معتبر می‌تواند مطرح گردد؟  
 (۱) محمول در هر دو مقدمه علامت مثبت دارد.  
 (۲) اگر محمول یک مقدمه دارای علامت مثبت و یکی علامت منفی باشد، نتیجه نیز دارای محمول با علامت منفی است.  
 (۳) در شکل سوم موضوع در مقدمهٔ اول علامت مثبت داشته باشد و در مقدمهٔ دوم علامت منفی.  
 (۴) در شکل اول، مقدمهٔ اول موجب باشد و مقدمهٔ دوم جزئی باشد.

۸۴۸- اگر مقدمهٔ اول یک قیاس «هیچ الف ب نیست.» باشد و نتیجهٔ آن «هیچ الف ج نیست.» باشد، مقدمهٔ دوم چه باشد که قیاس معتبر باشد؟  
 (۱) بعضی ب ج نیست. (۲) هر ج ب است. (۳) هیچ ج ب نیست. (۴) بعضی ب ج است.

۸۴۹- دربارهٔ قضیهٔ «سلمان فارسی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام است.» کدام یک از موارد زیر نادرست است؟  
 (۱) موضوع آن جزئی است. (۲) موضوع قضیه علامت مثبت دارد. (۳) محمول قضیه علامت مثبت دارد. (۴) قضیهٔ شخصیّهٔ موجب است.

۸۵۰- متضاد قضیهٔ «هیچ الف ب نیست» کدام است و علامت مثبت و منفی آن چگونه است؟  
 (۱) هیچ ب الف نیست. (۲) هر الف ب است. (۳) هر الف ب است. (۴) بعضی الف ب است.

۸۵۱- مشترک لفظی بودن حد وسط در یک قیاس به کدام معنا نیست؟  
 (۱) شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس وجود ندارد.  
 (۲) تکرار معنایی حد وسط اتفاق نیفتاده است.  
 (۳) با توجه به اشتراک دو مقدمه در حد وسط، قیاس اقترانی تشکیل شده است. (۴) حد وسط در لفظ تکرار شده است.

۸۵۲- در صورت متداخل نمودن یک قضیهٔ موجب کلی، قضیهٔ متداخل به دست آمده موضوعش دارای علامت ..... و محمولش ..... است.  
 (۱) مثبت - منفی (۲) مثبت - مثبت (۳) منفی - مثبت (۴) منفی - منفی

۸۵۳- عکس مستوی نمودن موجب کلی و سالبه کلی باعث می‌شود قضایای به دست آمده به ترتیب دارای موضوعاتی با ..... و ..... باشند.  
 (۱) در برگرفتن همهٔ مصادیق - علامت مثبت (۲) علامت منفی - در برگرفتن همهٔ مصادیق (۳) علامت مثبت - در برگرفتن برخی مصادیق (۴) در برگرفتن برخی مصادیق - علامت منفی

۸۵۴- کدام گزینه نشان‌دهندهٔ مغالطهٔ عدم تکرار حد وسط است؟  
 (۱) علی سیر است، سیرها دست از غذا می‌کشند، پس علی دست از غذا می‌کشد.  
 (۲) نور چراغ سفید است، سفید دلنشین است، پس نور چراغ، دلنشین است.  
 (۳) آب در بادیه است، بادیه محل اسکان شیر است، پس آب محل اسکان شیر است.  
 (۴) نظامی در مورد شیرین شعر گفته است، شیرین معشوقهٔ فرهاد است، پس نظامی در مورد معشوقهٔ فرهاد شعر گفته است.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۸۵۵- اگر نتیجهٔ معتبر یک قیاس، «این انگشتر از جواهرات این مغازه نیست» باشد و مقدمهٔ دوم آن هم «همهٔ جواهرات این مغازه، فروشی هستند» باشد، کدام گزینه نشان‌دهندهٔ مقدمهٔ اول می‌باشد؟  
 (۱) انگشتر جزء جواهرات فروشی است.  
 (۲) هیچ انگشتری در این مغازه نیست.  
 (۳) این انگشتر فروشی نیست.  
 (۴) این مغازه جواهرات زیبایی دارد.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۸۵۶- به ترتیب صحیح و غلط بودن هر یک از موارد زیر، در کدام گزینه مطرح شده است؟  
 - قیاسی که قانون نتیجهٔ قیاس در آن رعایت شده است، حتماً معتبر است.  
 - کیفیت نتیجه در قیاس اقترانی از این قانون کلی پیروی می‌کند که برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط (به صورت لفظی و معنایی) باید برقرار شود تا دو قضیه با یکدیگر ارتباط پیدا کنند.  
 - حد وسط تنها نقش ارتباطی میان دو مقدمهٔ استدلال دارد و در نتیجهٔ استدلال حذف می‌شود.  
 - اگر در قیاس شکل دوم، هر دو مقدمه موجب باشد، ممکن است قیاس معتبر باشد.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

(۱) غ - غ - ص - ص (۲) غ - غ - غ - ص (۳) ص - غ - ص - غ (۴) غ - غ - ص - ص

۸۵۷- دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول در کدام قضیه، با دامنهٔ مصادیق در قضیهٔ «انسان حرف جیم ندارد» یکسان است؟  
 (۱) مجموعهٔ اعداد طبیعی، شامل اعداد منفی نیست.  
 (۲) فلز در اثر گرما انبساط پیدا می‌کند.  
 (۳) آدمیزاد یک کلمهٔ مرکب است.  
 (۴) برخی پرندگان پرواز نمی‌کنند.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۸۵۸- اگر قضیهٔ «بعضی ب الف است» مقدمهٔ اول یک قیاس اقترانی معتبر باشد، مقدمهٔ دوم می‌تواند کدام مورد باشد؟  
 (۱) بعضی ج ب است. (۲) هیچ ج ب نیست. (۳) هر ج ب است. (۴) بعضی ب ج نیست.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۸۵۹- ایراد استدلال زیر در چیست؟  
 هر مدادی چوب دارد.  
 هر چوبی از اجزای درخت است.  
 ∴ هر مدادی از اجزای درخت است.

(۱) شرط سوم اعتبار رعایت نشده است.  
 (۲) قانون نتیجه‌گیری قیاس به درستی رعایت نشده است.  
 (۳) تکرار حد وسط به درستی صورت نگرفته است.

- ۸۶۰- نتیجه یک قیاس اگر ..... باشد؛ نیاز به بررسی شرط سوم اعتبار قیاس نیست.
- (۱) سالبه کلیه (۲) موجبه جزئیه (۳) سالبه جزئیه (۴) موجبه کلیه
- ۸۶۱- استدلال «بعضی حیوان‌ها راست قامت هستند. / هیچ راست قامتی اسب نیست. .» بعضی اسب‌ها حیوان نیستند. شکل چندم است و معتبر است یا نامعتبر؟
- (۱) شکل اول - نامعتبر (۲) شکل چهارم - معتبر (۳) شکل اول - معتبر (۴) شکل چهارم - نامعتبر
- ۸۶۲- قضیه‌ای را که موضوع و محمول آن دارای علامت یکسان هستند را متضاد نموده‌ایم. قضیه به دست آمده کدام است؟
- (۱) موجبه کلیه (۲) سالبه کلیه (۳) موجبه کلیه یا سالبه جزئیه (۴) سالبه جزئیه یا موجبه جزئیه
- ۸۶۳- موضوع و محمول نتیجه یک قیاس اقترانی معتبر در مقدمات دارای علامت منفی هستند، .....  
 (۱) این موضوع و محمول در نتیجه می‌توانند علامت مثبت یا منفی داشته باشند.  
 (۲) این موضوع و محمول در نتیجه قطعاً همه مصادیقشان مورد نظر نیست.  
 (۳) این قیاس دارای نتیجه موجبه کلیه است.  
 (۴) با این اطلاعات درباره نتیجه قیاس هیچ چیز نمی‌توان گفت.
- ۸۶۴- کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند در مورد یک قیاس معتبر باشد؟  
 (۱) هر دو مقدمه سالبه است.  
 (۲) حد وسط در یکی از مقدمات برخی از مصادیق را در بر می‌گیرد.  
 (۳) موضوع در نتیجه علامت مثبت دارد و همان موضوع در مقدمه علامت منفی دارد.  
 (۴) حد وسط در دو مقدمه به صورت مشترک لفظی آمده است.
- ۸۶۵- در کدام گزینه دامنه مصادیق موضوع و محمول هر دو دارای علامت منفی است؟  
 (۱) هر الف ب است. (۲) بعضی الف ب است. (۳) سقراط دانشمند است. (۴) بعضی ج غیر د نیست.
- ۸۶۶- اگر نتیجه قیاسی «بعضی ب ج نیست.» باشد؛ کدام یک از قضیه‌های زیر قطعاً نمی‌تواند مقدمه این قیاس معتبر باشد؟  
 (۱) بعضی ج د است. (۲) هر ب د است. (۳) هیچ د ج نیست. (۴) بعضی ب د نیست.
- ۸۶۷- در قضایای شخصیبه همیشه ..... مورد نظر هستند و در قضایای موجبه همیشه ..... مورد نظر هستند.  
 (۱) همه مصادیق موضوع - برخی مصادیق موضوع (۲) برخی مصادیق موضوع - همه مصادیق محمول  
 (۳) همه مصادیق موضوع - برخی مصادیق محمول (۴) همه مصادیق محمول - برخی مصادیق محمول
- ۸۶۸- نتیجه یک قیاس معتبر «بعضی الف ج نیست.» می‌باشد، کدام گزینه نمی‌تواند مقدمات این قیاس باشد؟  
 (۱) بعضی الف ب است. - هیچ ب ج نیست.  
 (۲) هر ب الف است. - بعضی ج ب نیست.  
 (۳) هر ب الف است. - بعضی ب ج نیست.  
 (۴) هیچ الف ب نیست. - هر ج ب است.
- ۸۶۹- در کدام گزینه دو قضیه ذکر شده یک قیاس شکل دوم می‌سازند که قطعاً معتبر نیست؟  
 (۱) بعضی د الف نیست. - هیچ د ب نیست.  
 (۲) بعضی الف ج است. - هیچ ب ج نیست.  
 (۳) هیچ الف ب نیست. - بعضی الف ج نیست.  
 (۴) هر الف ب است. - بعضی ج ب است.
- ۸۷۰- اگر مقدمات یک قیاس «بعضی غیر ج ب نیست.» و «هیچ غیر ج د نیست.» باشند؛ کدام توضیح در مورد این قیاس صحیح است؟  
 (۱) قیاس شکل اول و معتبر است. (۲) قیاس شکل سوم و معتبر نیست.  
 (۳) قیاس شکل دوم و معتبر است. (۴) قیاس شکل چهارم و معتبر نیست.

## ۱۰۰ اشو

- ۸۷۱- کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند درباره یک قیاس اقترانی معتبر، مطرح گردد؟  
 (۱) شکل سومی که هر دو مقدمه آن جزئی است. (۲) شکل چهارمی که مقدمه اول آن جزئی و مقدمه دوم آن موجبه است.  
 (۳) شکل دومی که مقدمه اول آن سالبه و مقدمه دوم آن کلی است. (۴) شکل اولی که مقدمه اول آن سالبه جزئی و مقدمه دوم آن سالبه باشد.
- ۸۷۲- موضوع و محمول نقیض متضاد یک قضیه سالبه کلیه به ترتیب دارای چه علامتی است؟  
 (۱) مثبت - منفی (۲) مثبت - مثبت (۳) منفی - منفی (۴) منفی - مثبت
- ۸۷۳- در کدام یک از اشکال قیاس اقترانی، برای معتربودن قیاس حتماً باید کیفیت دو مقدمه متفاوت باشد؟  
 (۱) شکل اول (۲) شکل سوم (۳) شکل دوم (۴) شکل چهارم
- ۸۷۴- اگر نتیجه یک قیاس اقترانی شکل چهارم معتبر، «بعضی ج د است.» باشد و یکی از مقدمات آن «هر د الف است.» باشد، مقدمه دیگر کدام می‌تواند باشد؟  
 (۱) بعضی الف ج است. (۲) هر الف ج است. (۳) هیچ الف ج نیست. (۴) هر ج الف است.
- ۸۷۵- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر نیست؟ (مقدمه اول و دوم به ترتیب آمده است).  
 (۱) بعضی الف ب است - هیچ ب ج نیست.  
 (۲) هیچ ب ج نیست - هر د ج است.  
 (۳) هر ج الف است - بعضی ب الف نیست.  
 (۴) هر ج الف است - هر ج ب است.
- ۸۷۶- اگر قیاس شکل دوم معتبری داشته باشیم و مقدمه اول آن «بعضی ب ج نیست» باشد، مقدمه دوم قطعاً ..... است.  
 (۱) سالبه کلیه (۲) سالبه جزئیه (۳) موجبه کلیه (۴) موجبه جزئیه

۸۷۷- در یک قیاس شکل دوم معتبر مقدمه اول موجبه کلیه و مقدمه دوم سالبه کلیه است. در صورت متداخل نمودن مقدمه اول، کدام عبارت درباره قیاس جدید درست است؟

- (۱) نامعتبر است، زیرا شرط دوم اعتبار قیاس را ندارد.  
 (۲) نتیجه آن قطعاً سالبه جزئیه خواهد بود و با این نتیجه معتبر است.  
 (۳) به قیاس شکل چهارم تبدیل می‌شود که تمامی شرایط اعتبار قیاس را دارد.  
 (۴) برای معتبر بودن قیاس، نتیجه قطعاً سالبه است، اما جزئیه یا کلیه بودن نتیجه تأثیری در اعتبار آن ندارد.
- ۸۷۸- اگر مقدمه اول یک قیاس «بعضی الف ب نیست» باشد و بدانیم نتیجه آن «بعضی الف ج نیست» می‌باشد، مقدمه دوم کدام گزینه است؟  
 (۱) بعضی ج ب است. (۲) هیچ ج ب نیست. (۳) هر الف ج است. (۴) هر ج ب است.

۸۷۹- علت عدم صحت استدلال زیر کدام است؟ (ترتیب مقدمات رعایت شده است).

«هیچ خفاشی پرند نیست / هر پرنده‌ای حیوان است»

- (۱) مغالطه عدم تکرار حد وسط (۲) عدم رعایت شرط اول  
 ۸۸۰- کدام یک از قیاس‌های زیر با نقیض نمودن نتیجه‌اش معتبر می‌گردد؟  
 (۱) بعضی ج ب است - هیچ ب الف نیست ← بعضی ج الف است.  
 (۲) هیچ د ج نیست - برخی ب ج نیست ← برخی د ب نیست.  
 (۳) بعضی الف ب است - هیچ الف ج نیست ← هر ب ج است.  
 (۴) هر الف ب است - هر ج ب است ← بعضی الف ج است.
- ۸۸۱- اگر مقدمات یک قیاس اقترانی معتبر، «هیچ ب ج نیست» و «هر ج د است» باشد، نتیجه و شکل قیاس در کدام گزینه به درستی آمده است؟  
 (۱) بعضی ب د نیست. - شکل اول (۲) بعضی د ب است. - شکل سوم  
 (۳) هر ب د است. - شکل اول (۴) بعضی د ب نیست. - شکل چهارم
- ۸۸۲- کدام عبارت درباره قیاس اقترانی شکل دوم معتبر، درست است؟

- (۱) ممکن است هر دو مقدمه آن موجبه باشد.  
 (۲) نتیجه آن حتماً سالبه است.  
 (۳) محمول نتیجه از مقدمه اول می‌آید.  
 (۴) مقدمه اول حتماً موجبه است.

۸۸۳- درباره قیاس اقترانی که نیاز به بررسی علامت محمول نتیجه در مقدمات نیست؛ کدام عبارت درست است؟

- (۱) حتماً قیاس اقترانی شکل اول است.  
 (۲) احتمال دارد قیاس اقترانی شکل دوم باشد.  
 (۳) قطعاً محمول هیچ یک از مقدمات دارای علامت مثبت نیست.  
 (۴) حد وسط در هر دو مقدمه قیاس لزوماً علامت مثبت دارد.
- ۸۸۴- کدام گزینه درباره قیاس اقترانی معتبری که همه مصادیق محمول یکی از مقدمات آن مورد نظر است، درست می‌باشد؟  
 (۱) ممکن است مقدمه دیگر آن سالبه باشد.  
 (۲) قطعاً موضوع این مقدمه دارای علامت منفی است.  
 (۳) این استدلال قیاس اقترانی شکل دوم است.  
 (۴) قطعاً محمول نتیجه این قیاس دارای علامت مثبت است.

۸۸۵- مقدمه دوم در شکل دوم قیاس اقترانی حتماً ..... است.

- (۱) موجبه (۲) سالبه (۳) کلی (۴) جزئی

۸۸۶- وقتی نتیجه یک قیاس اقترانی شکل اول سالبه کلیه باشد؛ موضوع مقدمه اول و محمول مقدمه دوم به ترتیب چه علامتی دارد؟

- (۱) مثبت - منفی (۲) منفی - مثبت (۳) هر دو مثبت (۴) هر دو منفی

۸۸۷- نتیجه کدام یک از اشکال قیاس می‌تواند موجبه کلیه باشد؟

- (۱) شکل اول (۲) شکل دوم (۳) شکل سوم (۴) شکل چهارم

۸۸۸- به ترتیب شکل صحیح هر یک از قیاس‌های اقترانی زیر در کدام گزینه آمده است؟

(الف) هر ب ج است. / هر الف ب است. ∴ هر الف ج است.

(ب) هیچ غیر ب غیر د نیست. / هر غیر الف غیر د است. ∴ هیچ غیر ب غیر الف نیست.

(پ) بعضی ب ج است. / هیچ الف ب نیست. ∴ بعضی ج الف نیست.

(۱) شکل اول - شکل چهارم - شکل سوم (۲) شکل چهارم - شکل دوم - شکل چهارم

(۳) شکل چهارم - شکل دوم - شکل اول (۴) شکل اول - شکل دوم - شکل چهارم

۸۸۹- اگر یکی از مقدمات قیاس اقترانی شکل دوم، «هیچ ب ج نیست» باشد و نتیجه آن قیاس «هیچ الف ب نیست» باشد؛ درباره مقدمه دیگر این قیاس کدام عبارت درست است؟

(۱) مقدمه اول است و موضوع آن دارای علامت مثبت و محمول دارای علامت منفی است.

(۲) مقدمه اول است و به صورت «هر الف ب است» می‌باشد.

(۳) مقدمه دوم است که به صورت سالبه جزئیه است.

(۴) مقدمه اول است که موضوع و محمول آن دارای علامت مثبت است.

۸۹۰- کدام یک از استدلال‌های زیر فقط یکی از شرایط اعتبار قیاس اقترانی را ندارد؟

(۱) بعضی الف ب نیست. / بعضی ج الف نیست. ∴ هیچ ب ج نیست.

(۲) بعضی ج ب است. / هر د ب است. ∴ بعضی ج د است.

(۳) بعضی الف ب نیست. / بعضی الف ج نیست. ∴ بعضی ب ج نیست.

(۴) بعضی الف ب است. / هیچ ب ج نیست. ∴ بعضی الف ج نیست.

۸۹۱- با توجه به صدق «هیچ ج د نیست» و کذب «هیچ ج ب نیست»، کذب کدام یک از قضایای زیر قطعی است؟

(۱) هر ج ب است. (۲) بعضی ب د نیست. (۳) هیچ ب د نیست. (۴) هر ب د است.

۸۹۲- اگر مقدمه دوم یک قیاس اقترانی شکل سوم معتبر، دارای موضوعی با علامت منفی و محمولی با علامت مثبت باشد، موضوع و محمول مقدمه اول آن به ترتیب، دارای چه علامتی است؟

- (۱) مثبت - منفی (۲) منفی - مثبت (۳) مثبت - مثبت (۴) منفی - منفی



۸۹۳- در یک قیاس اقترانی شکل دوم، مقدمه اول سالبه جزئیه و مقدمه دوم موجبه کلیه است و نتیجه نیز سالبه جزئیه است. قیاس جدیدی تشکیل می‌دهیم و در آن مقدمه اول و نتیجه را ثابت نگه داشته و مقدمه دوم را عکس مستوی می‌نماییم. این قیاس جدید، شکل چندم است و معتبر است یا نامعتبر؟

- (آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)
- (۱) شکل اول - نامعتبر  
(۲) شکل اول - معتبر  
(۳) شکل دوم - معتبر  
(۴) شکل چهارم - معتبر

۸۹۴- اگر یکی از دو مقدمه یک قیاس اقترانی معتبر، «بعضی الف ب است» باشد، به ترتیب مقدمه دیگر و نتیجه این قیاس کدام گزینه می‌تواند باشد؟

- (آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)
- (۱) بعضی ب ج است. - بعضی الف ج است.  
(۲) هیچ ب د نیست. - بعضی د الف نیست.  
(۳) هر ب ج است. - بعضی الف ج نیست.  
(۴) هیچ الف د نیست. - بعضی ب د نیست.

۸۹۵- اگر نتیجه و مقدمه دوم یک قیاس اقترانی به ترتیب «هیچ بی‌مهره‌ای پروازکننده نیست» و «همه پروازکنندگان پرنده هستند» باشد، مقدمه اول چگونه باشد تا فقط شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نشود؟

- (آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)
- (۱) بعضی پرنده‌ها بی‌مهره نیستند.  
(۲) بعضی بی‌مهره‌ها پرنده نیستند.  
(۳) هر پرنده‌ای بی‌مهره است.  
(۴) هیچ بی‌مهره‌ای پرنده نیست.

۸۹۶- با علم به صدق «هر الف ب است» و کذب «بعضی غیر الف غیر ج است»، کدام نتیجه درست است؟

- (آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)
- (۱) بعضی ب غیر الف است. (۲) بعضی ب غیر ج است.  
(۳) هیچ ب غیر ج نیست. (۴) هر غیر ج ب است.  
۸۹۷- کدام یک از موارد زیر نمی‌تواند مقدمات یک قیاس اقترانی معتبر باشد؟ (مقدمه اول و دوم به ترتیب ذکر شده است).

- (۱) بعضی الف ج است / هیچ الف ب نیست.  
(۲) هیچ ج الف نیست / بعضی ب الف است.  
(۳) بعضی الف ب است / هیچ ب ج نیست.  
(۴) هر ج د است / بعضی ب ج است.

۸۹۸- کدام تحلیل درباره استدلال زیر درست است؟  
«نان و پنیر از هیچ چیز بهتر است؛ هیچ چیز از نان خالی بهتر نیست؛ بنابراین نان و پنیر از نان خالی بهتر نیست»

- (۱) قیاس شکل اول معتبر است.  
(۲) مغالطه عدم تکرار حد وسط صورت گرفته است.  
(۳) قیاس شکل چهارم معتبر است.  
(۴) قیاس شکل اول است که به دلیل عدم پیروی از قانون نتیجه قیاس، نامعتبر است.

۸۹۹- نتیجه دو استدلال زیر کدام است؟

- (الف) بعضی الف ب است / هر ب ج است.  
(ب) هر الف ج است - بعضی ب ج نیست.  
(۱) هر الف ج است - بعضی ب ج نیست.  
(۲) بعضی الف ج است - بعضی ج ب نیست.  
(۳) بعضی الف ج نیست - هر ج ب است.  
(۴) بعضی الف ج نیست - هیچ ج ب نیست.

۹۰۰- «هر یک از موضوع یا محمول نتیجه که در مقدمات همه مصادیقش مورد نظر است، در نتیجه دارای علامت مثبت است»، کدام یک از قیاس‌ها اقترانی معتبر زیر، مثال نقضی بر این عبارت است؟

- (۱) بعضی الف ب است. - هیچ ب ج نیست. ← بعضی الف ج نیست.  
(۲) هر ج د است. - بعضی ج ب است. ← بعضی د ب است.  
(۳) بعضی الف غیر ج است. - هیچ ب غیر ج نیست. ← بعضی الف ب نیست.  
(۴) هر غیر الف د است. - هر ج غیر الف است. ← بعضی د ج است.

۹۰۱- در شکل اول قیاس اقترانی اگر محمول در مقدمه اول علامت مثبت داشته باشد؛ .....  
(۱) اگر محمول مقدمه دوم علامت منفی داشته باشد، ممکن است معتبر باشد. (۲) قیاس اقترانی قطعاً نامعتبر خواهد بود.  
(۳) موجه یا سالبه بودن نتیجه قیاس مشخص نیست.  
(۴) موضوع نتیجه نیز باید علامت مثبت داشته باشد.

۹۰۲- کدام عبارت درباره استدلال زیر درست است؟  
«من به تو بدبین هستم؛ تو به برادر من بدبین هستی؛ بنابراین، من به برادر خودم بدبین هستم.»

- (۱) قانون نتیجه‌گیری قیاس رعایت نشده است.  
(۲) نامعتبر است، زیرا محمول در نتیجه علامت مثبت دارد، اما در مقدمات علامت منفی دارد.  
(۳) با وجود شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس اما این قیاس معتبر نیست.  
(۴) یکی از انواع مغالطات در این استدلال صورت گرفته است.

۹۰۳- در میان استدلال‌های زیر، چند مورد مغالطه «عدم تکرار حد وسط» رخ داده است؟  
(الف) آب از اکسیژن و هیدروژن است؛ اکسیژن و هیدروژن قابل احتراق هستند.  
(ب) اموال دنیا برای من هیچ است؛ هیچ چیز برای من اهمیت ندارد.  
(پ) برخی انسان‌ها از فقر به فساد کشیده می‌شوند، فقر نتیجه استعمار است.  
(ت) بعضی از انسان‌ها از مرگ می‌ترسند، مرگ پایان زندگی است.

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) یک

۹۰۴- در کدام یک از گزینه‌های زیر، براساس نتیجه ممکن است شکل قیاس اقترانی تغییر کند؟

- (۱) بعضی الف ب است / هر ب ج است.  
(۲) هیچ ج د نیست / هر الف د است.  
(۳) هر غیر ب الف است / بعضی غیر ب ج نیست.  
(۴) بعضی غیر ب غیر الف است / هیچ ج غیر الف نیست.

۹۰۵- در استدلال معتبر شکل سوم زیر، متناقض عکس مقدمه اول استدلال چیست؟

- (۱) مقدمه اول  
(۲) بعضی ب الف نیست.  
(۳) بعضی ج الف نیست.  
(۴) هر ب ج است.

(۱) هر ب ج است. (۲) هیچ ج ب نیست. (۳) بعضی ب ج است. (۴) بعضی ج ب است.



۹۰۶- استدلال زیر یک قیاس شکل چهارم معتبر است؛ موضوع و محمول نتیجه و علامت هر کدام به ترتیب کدام است؟

«هیچ ج الف نیست؛ بعضی الف ب است.»

- (۱) ب - ج - مثبت - مثبت  
(۲) الف - ب - منفی - مثبت  
(۳) ب - ج - منفی - مثبت  
(۴) ج - ب - مثبت - مثبت

۹۰۷- با قضایای مذکور در کدام گزینه می‌توان قیاس اقترانی معتبر بیشتری ساخت؟

- (۱) بعضی الف ب است - بعضی الف د نیست - هر ج الف است.  
(۲) بعضی الف ب است - هیچ ج نیست - هر ب د است.  
(۳) هیچ ب د نیست - بعضی د ج نیست - بعضی الف د نیست.  
(۴) هر الف ب است - هیچ ج نیست - بعضی ج ب نیست.

۹۰۸- در کدام یک از موارد زیر با متضادنمودن نتیجه به قیاسی معتبر دست می‌یابیم؟

- (۱) هر الف ب است / هیچ ب ج نیست ← هر الف ج است.  
(۲) هر الف ب است / بعضی الف ج نیست ← هیچ ب ج نیست.  
(۳) هیچ الف ب نیست / بعضی ب ج نیست ← بعضی الف ج نیست.  
(۴) بعضی الف ب نیست / هر ج الف است ← هر ب ج است.

۹۰۹- نتیجه کدام قیاس لزوماً دارای موضوع و محمولی با علامت منفی است؟

- (۱) هر الف ب است / هر ب ج است.  
(۲) بعضی الف ب است / هیچ ج ب نیست.  
(۳) هر ج ب است / هر ج د است.  
(۴) هیچ ج د نیست / هر ب د است.

۹۱۰- اگر هر دو مقدمه یک قیاس اقترانی، متضاد نداشته باشد، کدام عبارت در مورد آن قیاس درست است؟

- (۱) قیاس قطعاً نامعتبر است.  
(۲) اعتبار یا عدم اعتبار قیاس بستگی به شکل قیاس دارد.  
(۳) نتیجه نیز متضاد ندارد.  
(۴) در صورتی که نتیجه قیاس سالبه باشد، قیاس معتبر خواهد بود.

۹۱۱- با آگاهی از کذب قضایای «بعضی الف ج است» و «بعضی ب ج نیست» به صدق کدام یک از قضایای زیر می‌توانیم پی ببریم؟

- (۱) بعضی ب الف است.  
(۲) هیچ ب ج نیست.  
(۳) هر الف ج است.  
(۴) هیچ ب الف نیست.

۹۱۲- قیاس زیر یک قیاس اقترانی نامعتبر است؛ با کدام تغییر می‌توان آن را به یک قیاس اقترانی معتبر تبدیل نمود؟

هر الف ج است.

هیچ الف ب نیست.

هیچ ج ب نیست.

(۲) نتیجه را عکس مستوی نماییم.

(۴) نتیجه را متداخل نماییم.

(۱) مقدمه اول را متضاد نماییم.

(۳) مقدمه دوم را متداخل نماییم.

### کنکور سراسری

۹۱۳- هرگاه صدق «هر الف ب است.» و کذب «هیچ ج الف نیست.» را بدانیم، صدق کدام قضیه را با استفاده از آن‌ها می‌توانیم مشخص کنیم؟ (سراسری ۹۵)

- (۱) بعضی ج ب نیست.  
(۲) هر ج ب است.  
(۳) بعضی ج ب است.  
(۴) هیچ ج ب نیست.

(سراسری ۹۷ - با تغییر)

۹۱۴- اگر «هر ج ب است» و «هیچ غیر الف ب نیست» درست باشد، صدق کدام قضیه ضروری است؟

- (۱) هیچ الف ج نیست.  
(۲) هیچ ج غیر الف نیست.  
(۳) هر ج غیر الف است.  
(۴) بعضی غیر الف ج است.

(فارج از کشور ۹۷ - با تغییر)

۹۱۵- در کدام یک از استدلال‌های زیر، همه شرایط اعتبار صورت قیاس وجود دارد؟

- (۱) این فرد اروپایی است. / هر اروپایی مسیحی است. ∴ پس این فرد مسیحی است.  
(۲) علی ایرانی است. / ایران عضو سازمان ملل است. ∴ پس علی عضو سازمان ملل است.  
(۳) بعضی از کاغذها سفیدند. / بعضی از سفیدها برف هستند. ∴ پس بعضی از کاغذها برفند.  
(۴) هر اسبی حیوان است. / بعضی حیوان‌ها ناطق هستند. ∴ پس بعضی اسب‌ها ناطق هستند.

(سراسری ۹۹)

۹۱۶- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر است؟

- (۱) هر ج د است. هر ج ب است. ← بعضی د ب است.  
(۲) هر الف ب است. هیچ الف ج نیست. ← هیچ ب ج نیست.  
(۳) هیچ ج د نیست. بعضی د الف است. ← بعضی ج الف است.  
(۴) هیچ الف ب نیست. بعضی ج ب است. ← بعضی الف ج نیست.

(فارج از کشور ۹۹)

۹۱۷- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر است؟

- (۱) هر ج د است. بعضی د الف است. ← بعضی ج الف است.  
(۲) بعضی ج د نیست. هر ج الف است. ← بعضی د الف نیست.  
(۳) بعضی ج د است. هیچ ج الف نیست. ← بعضی د الف نیست.  
(۴) بعضی ج د نیست. هر د الف است. ← بعضی ج الف نیست.

(سراسری ۱۴۰۰)

۹۱۸- نتیجه و مقدمه دوم یک قیاس به ترتیب عبارت‌اند از: «بعضی الف ب است.» و «هر ج ب است.» مقدمه اول آن، کدام یک از قضایای زیر باشد، تا اعتبار قیاس حفظ شود؟

- (۱) بعضی الف ج است.  
(۲) هیچ ج الف نیست.  
(۳) بعضی ج الف نیست.  
(۴) هیچ الف ج نیست.

(فارج از کشور ۱۴۰۰)

۹۱۹- در کدام قضیه، دامنه مصادیق موضوع و محمول علامت یکسانی دارند؟

- (۱) برخی از حیوانات استخوان ندارند.  
(۲) تیم والیبال جانبازان بازی را برد.  
(۳) آدمی به طور طبیعی به آینده می‌اندیشد.  
(۴) محمود از فرستاده مغولان استقبال خوبی نکرد.

(سراسری ۱۴۰۰)

۹۲۰- اگر نتیجه قیاسی «بعضی الف ج است.» و یکی از مقدمات آن «بعضی ب الف است.» باشد، کدام عبارت درباره مقدمه دیگر، نادرست است؟ (سراسری ۱۴۰۰)

- (۱) موضوع و محمول آن، علامت یکسان دارند.  
(۲) محمول آن هر چه باشد، علامت منفی دارد.  
(۳) موضوع آن هر چه باشد، علامت مثبت دارد.  
(۴) یا محمول یا موضوع آن، با موضوع نتیجه هم‌علامت است.

- ۹۲۱- می دانیم که نتیجه و یکی از مقدمات قیاسی، به ترتیب «بعضی د الف نیست.» و «هر الف ب است.» هستند. مقدمه دیگر این قیاس، کدام است؟  
 (۱) هیچ ب د نیست. (۲) بعضی الف د نیست. (۳) بعضی د ب نیست. (۴) بعضی ب د نیست. (شارح از کشور ۱۴۰۱)
- ۹۲۲- اگر قضیه «هر الف ب است.» از مقدمات یک استدلال معتبر باشد و بدانیم که «ب» حد وسط است، کدام قضیه نمی تواند مقدمه دیگر این استدلال باشد؟  
 (۱) هر ب ج است. (۲) بعضی ب ج نیست. (۳) هیچ ب ج نیست. (۴) بعضی ج ب نیست. (سراسری نوبت اول ۱۴۰۲)
- ۹۲۳- اگر نقیض یکی از مقدمات قیاسی «بعضی م ج نیست.» و «م» حد وسط آن باشد، کدام نتیجه نمی تواند از این قیاس به دست آید؟  
 (۱) بعضی پ ج است. (۲) هر پ ج است. (۳) بعضی پ ج نیست. (۴) بعضی ج پ نیست. (سراسری ۱۴۰۲)
- ۹۲۴- اگر نقیض یکی از مقدمات قیاسی «بعضی الف ب نیست.» و «الف» حد وسط آن باشد، کدام نتیجه نمی تواند از این قیاس به دست آید؟  
 (۱) هر ج ب است. (۲) بعضی ج ب نیست. (۳) بعضی ب ج است. (۴) بعضی ب ج نیست. (شارح از کشور ۱۴۰۲)
- ۹۲۵- اگر نقیض یکی از مقدمات قیاسی «هر الف م است.» و «م» حد وسط آن باشد، کدام نتیجه می تواند از این قیاس به دست آید؟  
 (۱) هیچ ج الف نیست. (۲) هیچ الف ج نیست. (۳) بعضی ج الف نیست. (۴) بعضی الف ج نیست. (سراسری نوبت اول ۱۴۰۳)

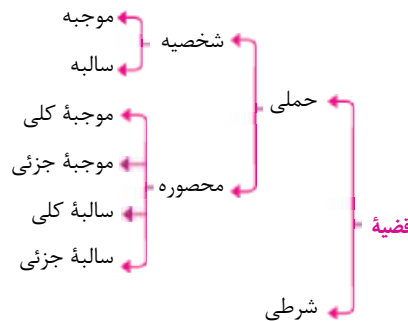
## درس نهم: قضیه شرطی و قیاس استثنایی

**دورنما:** در این درس ابتدا شناخت کامل تری نسبت به قضایای شرطی به دست می آوریم و قضایای شرطی را به دو دسته متصل و منفصل تقسیم می نماییم. خود قضایای شرطی منفصل به سه دسته حقیقی، مانع الجمع و مانع الرفع تقسیم می شوند. براساس قضایای شرطی با قیاسی به نام قیاس استثنایی آشنا می شویم که این قیاس استثنایی نیز خود به قیاس استثنایی شرطی و انفصالی تقسیم می شود که به بررسی قواعد مربوط به آن ها خواهیم پرداخت.

### اصطلاحات جدید

**قضیه شرطی:** قضایایی که در آن به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم شود.  
**قضیه شرطی متصل:** قضایایی که به پیوستگی و اتصال و ملازمه دو نسبت حکم می کنند.  
**قضیه شرطی منفصل:** قضایایی که به گسستگی و انفصال میان دو یا چند نسبت حکم می کنند.  
**قیاس استثنایی:** قیاسی که عین نتیجه یا نقیض آن در یکی از مقدمات استدلال ذکر شده است.  
**قیاس استثنایی اتصالی:** اگر مقدمه اول قیاس استثنایی یک قضیه شرطی متصل باشد به آن قیاس «استثنایی اتصالی» می گویند.  
**قیاس استثنایی انفصالی:** اگر مقدمه اول قیاس استثنایی یک قضیه شرطی منفصل باشد به آن قیاس «استثنایی انفصالی» می گویند.

در درس های گذشته با قضیه و انواع آن آشنا شدیم و به طور خاص انواع قضایای حملی را شناختیم:



اما در این درس می خواهیم به انواع قضایای شرطی بپردازیم تا با شناخت بهتر انواع قضایای شرطی بتوانیم با کاربرد آن ها در استدلال نیز آشنا شویم. «قضایا» به دو دسته حملی و شرطی تقسیم می شوند و خود قضایای شرطی به دو دسته شرطی متصل و منفصل تقسیم می شود.



### قضیه شرطی متصل

قضیه شرطی متصل، قضیه ای است که در آن به پیوستگی و اتصال و ملازمه دو نسبت حکم شده است. اتصال و پیوستگی دو نسبت بدین معناست که اگر نسبت اول وجود داشته باشد نسبت دوم نیز وجود دارد. به مثال های زیر توجه کنید:

- ♦ اگر درس نخوانی، در امتحان موفق نمی شوی.
- ♦ اگر باران باران آن گاه زمین خیس می شود.
- ♦ اگر از خانه بیرون بیایی برف می بینی.

در تمام این مثال ها وجود یک حکم و نسبت، مشروط و وابسته به وجود حکم و نسبتی دیگر است. قضایای شرطی متصل از دو جزء شرط و جواب شرط تشکیل شده اند. به بخش شرط قضیه، «مقدم» و به جواب شرط، «تالی» گفته می شود.

**مثال:** اگر باران بیارد آن گاه زمین خیس می شود. مقدم تالی

مقدم مستلزم (لزوم آور) تالی است و تالی تابع (تبعیت کننده) مقدم است.

## درس سوم: جهان علی و معلولی

**دورنما:** در درس قبل به سؤال از هستی و چیستی پرداختیم و نشان دادیم که تفاوت این سؤالات و پاسخ‌هایشان با هم، نتایج فلسفی مهمی در پی دارند. در این درس موضوع اصلی، بررسی سؤال از «چرایی» است. یعنی این‌که یک پدیده چرا ایجاد می‌شود؟ البته در درس ۲ گفتیم که هر پدیده‌ای در صورت وجود علتش به وجود می‌آید. الان وقت آن است که درباره علت و رابطه علیت و ویژگی‌های آن صحبت کنیم.

سؤال کودکان از «چیستی» را که پاسخش بیان ماهیت اشیا است، در درس قبل توضیح دادیم. در این درس با سؤال از «چرایی» سروکار داریم که اتفاقاً این سؤال هم بین بچه‌ها متداول است. به نظر شما این «چرا گفتن» بچه‌ها که هر چه بزرگ‌تر می‌شوند بیشتر و عمیق‌تر هم می‌شود، صرفاً تقلید از رفتار بزرگ‌ترهاست؟ یا ذهن بچه‌ها طوری طراحی شده است که ناخودآگاه با هر چیزی که روبه‌رو می‌شوند، می‌خواهند بدانند آن چیز چرا هست؟ یا این‌که ساختار جهان طوری است که کودک را وادار به «چرا گفتن» می‌کند؟

اگر کودکی خودمان را تا حدودی به یاد بیاوریم یا وضعیت «چرا گفتن‌ها»ی خودمان را مرور کنیم، می‌بینیم پرسش از چرایی نمی‌تواند صرفاً یک تقلید باشد. ذهن کودکان و حتی خود ما «علت‌یاب» است و ما واقعاً به دنبال دانستن علت و سبب امور مختلف هستیم. مثلاً اگر احساس کنیم یک روز غذایی که مادرمان همیشه درست می‌کرده خوشمزه‌تر یا بدمزه‌تر شده است، می‌پرسیم: «چرا امروز مزه غذا فرق می‌کند؟» هدف ما این است که با دانستن چرایی تغییر طعم غذا، کاری کنیم که خوشمزه‌گی غذا باز هم تکرار شود یا بدمزه بودن آن دیگر اتفاق نیفتد. به عنوان مثال اگر بفهمیم یک نوع ادویه خاص باعث بهتر شدن مزه غذا شده است، از مادرمان می‌خواهیم همیشه از آن ادویه استفاده کند. این یعنی ما با دانستن علت پدیده‌ها می‌توانیم وضعیت بعضی امور را مطابق میل خودمان تغییر دهیم یا لاقلاً بعضی اتفاقات پیش رو را پیش‌بینی کنیم. پس می‌شود نتیجه گرفت که:

ساختار جهان به گونه‌ای است که همواره وجود بعضی پدیده‌ها (مثل طعم خوب غذا) با وجود علت‌ها و اسباب و وسایل خاصی (مثل یک ادویه خاص) همراه است. همین ساختار جهان باعث می‌شود ما به دنبال چرایی امور باشیم. به عبارت دیگر، در بین واقعیت‌های جهان بعضی علت بعضی دیگر هستند و ما به دنبال شناخت علت‌ها هستیم. همین مسئله سبب شده است ذهن ما که در پی شناخت

علت ← معلول	واقعیت
دلیل ← نتیجه	
شناخت علت ← شناخت معلول	ذهن
شناخت معلول ← شناخت علت	

ساختار جهان است، تلاش کند که رابطه‌های علت و معلولی میان پدیده‌ها را بشناسد. در عالم واقعیت، همیشه علت است که معلول را به وجود می‌آورد ولی در عالم ذهن، ما گاهی از شناخت علت پی به معلول می‌بریم (مثلاً از دیدن آتش، می‌فهمیم اطراف آن حرارت وجود دارد) و گاهی از شناخت معلول، علت را درک می‌کنیم (مثلاً با مشاهده دود آتش، می‌فهمیم خود آتش هم هست)؛ پس «علت»، سبب وجود معلول است ولی «دلیل» نشانه وجود نتیجه (علت یا معلول) است.

### رابطه علیت

کلمه «چرا» که درباره آن حرف زدیم، بازتابی از درک رابطه علیت است. توجه کنید که کلمه «چرا» بازتابی از خود علیت در جهان واقعی خارج از ذهن نیست. بلکه بازتابی است از درک این رابطه در ذهن ما. وقتی یک انسان می‌گوید «چرا»، یعنی رابطه علیت را فهمیده و به دنبال یافتن علت یک پدیده یا یک حادثه است. «چرا» یعنی «به چه علت»، «علت این حادثه چیست؟»، اما مقصود از «علت» و «معلول» و «رابطه علیت» چیست؟

مثال‌های علت و معلول را خیلی دیده‌ایم. مثلاً وقتی آب می‌نوشیم سیراب می‌شویم و تشنگی ما برطرف می‌شود، یا وقتی درخت سیب داریم از آن سیب پدید می‌آید. در این رویدادها، «نوشیدن آب» یا «درخت سیب» علت هستند و «سیراب شدن» و «سیب» معلول آن‌ها.

حالا سؤال این است که چه رابطه‌ای بین این علت‌ها و معلول‌هایشان وجود دارد؟ با کمی دقت متوجه می‌شویم که تا آب (یا هر نوشیدنی دیگری) ننوشیم، سیراب نمی‌شویم ولی اگر آب بنوشیم حتماً سیراب می‌شویم. هم‌چنین تا «درخت سیب» نباشد، سیبی هم نخواهد بود ولی اگر درخت سیب وجود داشته باشد، سیب هم ایجاد می‌شود. این رابطه همان «علیت» است؛ پس به طور کلی:

وقتی دو چیز داریم که یکی دیگری را ایجاد می‌کند، بین آن دو «رابطه علیت» برقرار است.

به عبارت دیگر، رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را «رابطه علیت» می‌گویند.

در این رابطه علت، همان ایجادکننده یا وجوددهنده است و معلول همان ایجادشونده یا وجودگیرنده.

بنابراین وجود معلول متوقف بر وجود علت است. یعنی تا علت نباشد، معلول هم پدید نمی‌آید.

پس معلول در وجود خود، نیازمند علت است و تا علت نباشد معلول موجود نخواهد شد.

### تفاوت رابطه علیت با سایر روابط

بین خیلی از اشیا رابطه وجود دارد. رابطه زن و شوهری، رابطه دوستی، رابطه معلم و شاگردی و ... حتی من و شما هم الان با هم رابطه برقرار کرده‌ایم؛ رابطه مؤلف و خواننده. در همه این روابط، دو طرف رابطه قبل از برقراری رابطه وجود دارند. یعنی دو موجود مستقل با هم رابطه برقرار می‌کنند. مثلاً قبل از این‌که شما شروع به خواندن این کتاب بکنید و رابطه من با شما برقرار شود، هم من وجود داشتم و هم شما وجود داشتید. اگر یکی از ما نبودیم، این رابطه هم هرگز برقرار نمی‌شد. اما آیا رابطه علیت هم این‌گونه است؟ یعنی مثلاً ما یک درخت داشته‌ایم و یک سیب، بعد این دو با هم رابطه علیت برقرار کرده‌اند و درخت علت سیب شده است؟ واضح است که این‌طور نیست. چون سیب قبل از این‌که معلول درخت باشد (قبل از برقراری رابطه علیت) اصلاً وجود نداشته است.

در نتیجه این‌طور نیست که ما دو موجود مستقل داشته باشیم که با هم رابطه علیت برقرار کنند؛ زیرا قبل از برقرار شدن رابطه علیت، معلول اصلاً وجود ندارد. به عبارت دیگر، همه روابط محتاج وجودداشتن دو طرف رابطه هستند ولی رابطه علیت اصلاً با هدف به وجود آوردن یک طرف رابطه از سوی طرف دیگر برقرار می‌شود، لذا معنی ندارد قبل از برقراری رابطه هر دو طرف وجود داشته باشند. به این‌گونه روابط که وجود یک طرف وابسته به وجود طرف دیگر است، می‌گوییم **رابطه وجودی**.

**رابطه علیت؛ رابطه وجودی است؛ یعنی وجود یک طرف رابطه، ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است.**

توجه کنید که رابطه وجودی هم مثل هر رابطه دیگری، دو طرف دارد و صرفاً با وجود یک طرف برقرار نمی‌شود (یعنی اصلاً رابطه یک‌طرفه نداریم). اما در رابطه وجودی قبل از ایجاد رابطه، یکی از دو طرف رابطه اصلاً وجود ندارد. وقتی رابطه ایجاد می‌شود با خودش طرف دوم رابطه را تازه به وجود می‌آورد. ولی در رابطه غیروجودی، دو طرف رابطه از قبل هستند؛ یعنی وجود دارند. بعد بین این دو طرف، رابطه برقرار می‌شود، مثل رابطه خریدار و فروشنده.

### چند مثال برای رابطه غیر وجودی (غیر علی و معلولی)

- ۱- **رابطه بدنه پل و ستون‌های زیر آن یا رابطه کره زمین و اشیای روی آن:** این رابطه را می‌توانیم رابطه اتکا بنامیم. یعنی تکیه بدنه پل به ستون‌هاست و تکیه اشیای روی زمین هم به زمین است. این رابطه وجودی نیست؛ زیرا با این که ثابت بدنه پل وابسته به ستون‌هاست ولی وجود بدنه پل وابسته به ستون‌ها نیست. در واقع ستون‌ها علت وجود ثابت هستند، نه علت وجود بدنه پل. چون حتی اگر ستون‌ها نباشند هم باز بدنه پل هست ولی نه به صورت یک پل برافراشته بلکه به صورت یک پل فروریخته خواهد بود. رابطه کره زمین و اشیای روی آن هم وجودی نیست؛ زیرا اشیای روی زمین در وجودشان وابسته به زمین نیستند بلکه در ثبات و قرارشان محتاج به زمین‌اند. البته تفاوت زمین با پایه پل این است که زمین نه تنها باعث می‌شود اشیای فرو نروند بلکه چون جاذبه دارد، سبب می‌شود اشیای وزن داشته باشند و به هوا هم نروند. بنابراین رابطه زمین و اشیای روی آن، علاوه بر رابطه اتکا، رابطه جذب (نیروی جاذبه) هم هست.
- ۲- **رابطه کارفرما و کارگر:** این رابطه یک رابطه کاری است. یعنی کار کردن کارگر برای کارفرما در ازای گرفتن مزد (کار کردن و دستمزد دادن). واضح است که نه کارگر و نه کارفرما در وجودشان محتاج دیگری نیستند.
- ۳- **رابطه اجزای یک ساعت با یکدیگر:** این رابطه را رابطه ارگانیک می‌گویند. لازم نیست اسمش را یاد بگیرید. منظورم رابطه سازمان‌یافتگی برای داشتن کارکردی خاص است. یعنی اجزای ساعت با هم رابطه‌ای دارند که منجر به نمایش‌دادن مقدار گذر زمان می‌شود، ولی به هر حال این اجزا به هم وجود نمی‌دهند و این رابطه هم غیر وجودی است. به بیان ساده‌تر می‌توان این رابطه را رابطه نظم (همکاری و هماهنگی) نامید.

### چند نکته تاریخی راجع به رابطه علیت

رابطه علیت یکی از کهن‌ترین مسائل فلسفی است. حتی شاید نخستین مسئله‌ای که فکر بشر را مشغول به خود کرده و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است، چگونگی رابطه علت و معلول باشد. انسان‌های نخستین از ابتدای پدید آمدن بر روی کره خاکی به دنبال پیدا کردن علت‌ها بوده‌اند. همه علوم مختلف که در طول تاریخ به وجود آمده‌اند نتیجه همین به دنبال علت بودن‌هاست.

### منشأ درک و پذیرش رابطه علیت

ما چگونه رابطه علیت بین پدیده‌ها را درک می‌کنیم و می‌پذیریم؟ یعنی مثلاً از کجا می‌فهمیم «ابر» علت «باران» است ولی «رعد و برق» علت «باران» نیست؟ یا «خورشید» علت «روشنایی روز» است ولی «ساعتی که ۱۰ صبح را نشان می‌دهد» علت «روشنایی روز» نیست؟ هم‌چنین از کجا فهمیده‌ایم که اگر خورشید در آسمان باشد، ضرورتاً و حتماً روز خواهد بود؟ یعنی ضرورت و حتمیت آمدن معلول بعد از علت را چگونه فهمیده‌ایم؟ آیا رابطه علیت را به طور مادرزادی می‌شناسیم و می‌پذیریم؟ یا از طریق حس و تجربه؟ یا از طریق استدلال عقلی؟ یا از راهی دیگر؟ فیلسوفان به این سؤال پاسخ داده‌اند. ما ابتدا پاسخ برخی فیلسوفان اروپایی به این سؤالات را بررسی می‌کنیم و سپس دیدگاه فیلسوفان مسلمان را بیان می‌کنیم.

### دیدگاه برخی فیلسوفان اروپایی

**یادآوری** قبل از بیان دیدگاه فیلسوفان اروپایی درباره علیت، لازم است یک مرور کوتاه از درس ۸ فلسفه یازدهم داشته باشیم. در آن درس گفتیم فیلسوفان اروپایی در قرن ۱۶ میلادی به دو گروه تقسیم شدند: تجربه‌گرایان و عقل‌گرایان. اصل اختلاف این دو گروه در این بود که عقل‌گرایانی مثل دکارت معتقد بودند عقل انسان می‌تواند به معرفت‌های مستقل از حس و تجربه دست پیدا کند ولی تجربه‌گرایانی مثل فرانسویس بیکن و جان لاک همه شناخت‌های معتبر انسان را بر پایه حس و تجربه می‌دانستند. یعنی از دیدگاه تجربه‌گرایی، معرفت عقلی مستقل از تجربه امکان ندارد و عقل باید همیشه از داده‌های حسی استفاده کند. حال به بحث اصلی خود برمی‌گردیم.

۱- **دیدگاه دکارت (عقلی اولیه و فطری بودن علیت و پذیرش واقعی و ضروری بودن آن):** دکارت معتقد بود اصل علیت یک اصل کاملاً عقلی است؛ یعنی بدون دخالت تجربه و فقط توسط عقل درک می‌شود. او این اصل را از اصول اولیه می‌دانست. این اصول را از آن جهت «اولیه» می‌گویند که اولین معلومات ما هستند و لذا قابل اثبات با معلومات دیگر نیستند، مثل اصول اولیه و بدیهی ریاضی، از جمله این اصل که «از هر دو نقطه، فقط یک خط راست عبور می‌کند». از نظر دکارت عقل انسان اصول اولیه را به صورت فطری (مادرزادی و غیراکنسابی) درک می‌کند؛ یعنی نیازی به تجربه کردن یا آموزش دیدن آن‌ها نیست بلکه انسان با درکی از رابطه علیت متولد می‌شود. به عبارت دیگر، برای عقل انسان فهم این قبیل مفاهیم، اکتسابی نیست بلکه خود عقل از ابتدای تولد این مفاهیم را درک می‌کند. عقل برای درک علیت حتی نیازی به استدلال عقلی هم ندارد. بنابراین دیدگاه دکارت درباره علیت با دیدگاه او در معرفت‌شناسی (امکان درک معرفت‌های عقلی مستقل از حس) کاملاً هماهنگ است.

استدلالی که دکارت برای این دیدگاه خود ذکر می‌کند، این است که تا رابطه علیت را درک نکنیم، اصلاً نمی‌توانیم هیچ تجربه یا آموزشی داشته باشیم. درباره وابستگی «تجربه» به درک و پذیرش رابطه علیت می‌توانیم این‌گونه توضیح دهیم که در شناخت تجربی ابتدا شناخت‌های حسی در ذهن شکل می‌گیرند و بعد عقل این شناخت‌های حسی را تعمیم می‌دهد و به شناخت تجربی می‌رسد؛ حال اگر رابطه علیت را نپذیرفته باشیم، یعنی احتمال می‌دهیم که آن شناخت‌های حسی که در ذهن شکل گرفته‌اند، بی‌علت هستند یعنی برگرفته از واقعیت‌های محسوس در عالم خارج از ذهن نیستند بلکه خودبه‌خود در ذهن ایجاد شده‌اند. در نتیجه نمی‌توانیم از تعمیم آن‌ها (شناخت تجربی) نتیجه‌ای درباره عالم واقعیت‌ها بگیریم.

هم‌چنین درباره وابستگی «آموزش» و «یادگیری» به درک و پذیرش علیت، توضیحی شبیه وابستگی تجربه به علیت وجود دارد. یعنی محصول آموزش، علوم است که در ذهن شکل می‌گیرند و اگر علیت را قبول نداشته باشیم، می‌توانیم بگوییم این علمی که در ذهن شکل گرفته‌اند برگرفته از واقعیت‌ها نیستند بلکه

به صورت خودبه خود در ذهن ایجاد شده‌اند و هیچ ربطی هم به واقعیت‌ها ندارند. پس دلیلی نداریم که این علوم هیچ‌گونه مطابقتی با واقعیت داشته باشند. بنابراین اعتبار تجربه و آموزش مبتنی بر پذیرش علت است و بدون پذیرش علت، واقع‌نمایی تجربه و آموزش زیر سؤال می‌رود. البته دکارت معتقد بود یافتن مصادیق علت و معلول نیاز به تجربه و آموزش دارند. مثلاً فهم علل سرماخوردگی و همچنین علل درمان آن، با تجربه و آموزش حاصل می‌شود و امری اولیه و فطری نیست. بنابراین علتی که از اصول اولیه و فطری است، فقط همین رابطه کلی است که «برخی موجودات برخی دیگر را به وجود می‌آورند» یا «بعضی به بعضی دیگر وابستگی وجودی دارند»، اما این که کدام پدیده علت کدام پدیده است (مصادیق علت و معلول)، نیازمند تجربه و آموزش است.

### دیدگاه دکارت در باب منشأ درک و پذیرش رابطه علت

از نظر دکارت اصل علت یک اصل عقلی اولیه و فطری و مادرزادی است که درک آن نیازی به آموزش یا تجربه یا استدلال عقلی ندارد. زیرا قبول رابطه علت، مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است. البته یافتن مصادیق‌های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

**۲- دیدگاه تجربه‌گرایان (امپریست‌ها) (حسی و تجربی بودن علت و پذیرش واقعی و ضروری بودن آن):** گفتیم آن‌ها (مثل بیکن و لاک) هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می‌کنند و معتقدند عقل حتماً باید در همه شناخت‌های خود از حس و تجربه استفاده کند. بنابراین آن‌ها درباره رابطه علت نیز می‌گویند که انسان از طریق حس و تجربه پدیده‌هایی را می‌بیند که پشت سر هم یا با هم اتفاق می‌افتند. مثلاً می‌بیند که هر وقت آب می‌نوشد، تشنگی‌اش برطرف می‌شود یا هر وقت درخت سیب می‌کارد، آن درخت میوه سیب می‌دهد یا همواره باران را همراه ابر دیده است. انسان بعد از این مشاهدات نتیجه می‌گیرد بین این پدیده‌های متوالی (پشت سر هم) یا مقارن (همراه هم) یک رابطه ضروری برقرار است که نام آن را علت می‌گذارد. بنابراین دیدگاه تجربه‌گرایان هم درباره علت با دیدگاه آنان در معرفت‌شناسی (عدم امکان درک معرفت‌های عقلی مستقل از حس) کاملاً هماهنگ است.

### دیدگاه تجربه‌گرایان در باب منشأ پذیرش درک رابطه علت

از نظر تجربه‌گرایان انسان از طریق حس و تجربه، متوجه توالی پدیده‌ها می‌شود و به این ترتیب، رابطه علت را به عنوان یک رابطه ضروری بین علت و معلول، درک می‌کند.

**۳- دیدگاه هیوم (غیرقابل شناخت بودن علت واقعی و ضروری در عین پنداری و ذهنی بودن آن چه علت می‌نامیم):** دیوید هیوم هم تجربه‌گرا بود؛ یعنی امکان شناخت عقلی بدون تجربه (مستقل از تجربه) را نفی می‌کرد ولی درباره «علت» دیدگاه متفاوتی نسبت به سایر تجربه‌گرایان داشت. نظر خاص او این است که درک اصل علت به عنوان یک رابطه ضروری میان علت و معلول نه تنها با عقل ممکن نیست بلکه از طریق حس و تجربه هم امکان ندارد؛ زیرا رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست.

از نظر هیوم حس و تجربه فقط می‌تواند اجسام، رنگ‌ها، شکل‌ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد، نه ضرورت وجود دادن یک شیء به شیء دیگر را. مثلاً ما رویداد سیب را بر شاخه درخت سیب دیده‌ایم، اما این را ندیده‌ایم که ضرورتاً درخت سیب به سیب وجود می‌دهد. شاید این سیب هر جای دیگری هم می‌توانست رشد کند ولی فعلاً در مواردی که ما دیده‌ایم، تصادفاً روی شاخه درخت سیب رشد کرده است، یا مثال دیگر این که ما مشاهده کرده‌ایم که وقتی آب می‌خوریم تشنگی ما برطرف می‌شود، اما از کجا معلوم ضرورتاً «نوشیدن آب» (یا هر نوشیدنی دیگر) علت «سیراب‌شدن» بوده است. شاید این دو رویداد تصادفاً فقط هم‌زمان یا پشت سر هم رخ داده‌اند. در همه روابط علی و معلولی دیگر هم همین‌طور است. آنچه با حس و تجربه مشاهده می‌شود فقط این است که وقتی علت هست، معلول هم هست و وقتی علت نیست، معلول هم نیست. ولی این که علت دارد به معلول وجود می‌دهد و یک رابطه ضروری بین علت و معلول هست، هیچ‌گاه مشاهده نمی‌شود. بنابراین هیوم می‌گوید رابطه علت واقعی و ضروری چون فراحسی است، قابل شناخت نیست اما باید یک راه تجربی دیگر پیدا کنیم که از طریق آن روابط علی و معلولی متداول بین خودمان را درک کنیم یعنی بفهمیم چرا مثلاً با وجود این که بین درخت سیب و سیب یا بین نوشیدن آب و رفع تشنگی، هیچ رابطه ضروری محسوسی مشاهده نمی‌کنیم، اما این‌ها را علت و معلول می‌دانیم؟!

از نظر هیوم بر اثر تکرار مشاهده حسی و تجربی هم‌زمانی «درخت سیب» با «سیب» یا «نوشیدن آب» با «رفع تشنگی»، در ذهن ما چنین «منعکس» می‌شود که درخت سیب، علت سیب است و نوشیدن آب، علت رفع تشنگی است، اما این انعکاس ذهنی، چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده‌ها نیست که هیوم این انعکاس ذهنی را «تداعی» می‌نامد. مثل این که کسی از سوسک می‌ترسد و با دیدن یک شیء سیاه در گوشه حمام، ناگهان وحشت می‌کند. چون آن شیء سیاه برای او سوسک را تداعی کرده است. این ترس ناشی از سوسک نیست بلکه صرفاً ناشی از یک امر روانی است. پس منظور از امور صرفاً روانی، تصوراتی است که منشأ آن‌ها واقعیت خارجی نیست بلکه این تصورات فقط یک واکنش ذهنی هستند و واقعیتی را خارج از ذهن نشان نمی‌دهند.

از نظر هیوم ما با مشاهده مکرر همراهی «درخت سیب» و «میوه سیب» یا همراهی «آب‌نوشیدن» و «رفع تشنگی» که در پی هم ایجاد شده‌اند، چنین پنداشته‌ایم که یک رابطه ضروری بین این امور وجود دارد. در نتیجه، وجود درخت برای ما تداعی‌گر ضرورت وجود سیب و وجود آب برای ما تداعی‌گر ضرورت وجود حالت سیراب‌بودن است. همین تداعی‌ها سبب شده است ذهن، درخت را علت میوه و نوشیدن آب را علت سیراب‌شدن و رفع تشنگی بداند و رابطه این علت و معلول‌ها را ضروری بداند. پس ذهن هرگز رابطه علت را به عنوان یک واقعیت خارجی ادراک نکرده و نمی‌کند و معلوم نیست این رابطه واقعی باشد. به عبارت دیگر، ممکن است روزی یک درخت سیب با همه شرایط لازم برای میوه‌دادن باشد ولی سیب ندهد و ممکن است روزی آب بنوشیم ولی تشنگی ما رفع نشود و حتی ممکن است روزی خورشید طلوع کند ولی هوا روشن نشود و ...

### دیدگاه هیوم در باب منشأ درک و پذیرش رابطه علت

از نظر هیوم اصل علت واقعی و رابطه ضروری میان علت و معلول قابل ادراک نیست، نه با حس و نه با عقل. و آن علتی که انسان‌ها گمان می‌کنند ادراک کرده‌اند، صرفاً یک انعکاس ذهنی ناشی از توالی پدیده‌هاست، نه امری عینی و واقعی. او این انعکاس صرفاً روانی و ذهنی را تداعی می‌نامد.

بنابراین فهم ما از رابطه ضروری علت، تنها نوعی پندار ذهن (توهم محض) است، نه چیز دیگر. بنابراین ممکن است علت‌های شناخته‌شده باشند ولی معلولشان ایجاد نشود (علت بدون معلول ممکن است).

برخی فیلسوفان دیگر اروپایی از جمله کانت هم در این باره نظرات دیگری دارند که به آن‌ها نمی‌پردازیم (به نظرات کانت توی درس ۸ فلسفه یازدهم اشاره شده بود. کامل ترش باشه طلبتون آگه توی دانشگاه با ما هم رشته شدید می‌فونید).

### دیدگاه فلاسفه مسلمان

**چرا اصل علیت تجربی نیست:** فیلسوفان مسلمان علیت را یک قاعده عقلی می‌دانند نه تجربی، اما چرا؟

ابتدا ببینیم روش تجربی چیست و دانشمندان علوم تجربی چه کار می‌کنند؟ یک پزشک وقتی با بیماری روبه‌رو می‌شود، با خود می‌گوید این بیماری حتماً علتی داشته است و باید آن علت را پیدا کنم تا از آن جلوگیری کنم. پزشکان نشان داده‌اند علت بیماری‌ها اموری مثل ویروس‌ها، باکتری‌ها، قارچ‌ها، نقص دستگاه‌های فیزیولوژیکی انسان و ... است. هم‌چنین پزشک می‌گوید درمان این بیماری هم نیازمند اسباب و عللی است و من باید آن‌ها را کشف کنم (داروها، ویتامین‌ها، اعمال جراحی و ... علت‌هایی هستند که پزشکان برای درمان بیماری‌ها پیدا کرده‌اند)؛ پس کار پزشک در اصل، گشتن به دنبال علت‌های بیماری‌ها و درمان‌هاست. هم‌چنین یک فیزیکیان وقتی حرکت اجسام را مشاهده می‌کند به دنبال علت این حرکات می‌گردد (مثلاً نیرو یا انرژی). یک زیست‌شناس هم علل و عوامل حیات موجودات زنده را مورد بررسی قرار می‌دهد. خلاصه این‌که کار اصلی همه دانشمندان علوم تجربی جست‌وجوی علت‌های حوادث طبیعی است.

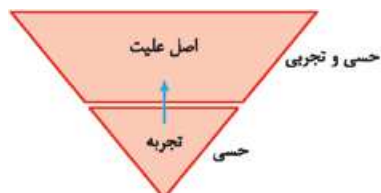
خب اگر این‌طور است، آیا می‌شود یک دانشمند علوم تجربی بدون قبول داشتن اصل علیت، مشغول تحقیق شود؟ اگر اصل علیت درست نبود، بیماری لزوماً علتی نداشت و ممکن بود بدون هیچ سببی رخ داده باشد؛ پس معنی نداشت که پزشک به دنبال علت بیماری‌ها باشد. همین‌طور درمان بیماری‌ها هم می‌توانست بی‌علت باشد، پس گشتن به دنبال علل و عوامل درمان هم کار بیهوده‌ای بود. در نتیجه بدون پذیرش اصل علیت، پزشک نمی‌تواند کاری انجام دهد. هم‌چنین بدون اصل علیت، سایر دانشمندان علوم تجربی هم که در اصل، به دنبال علت‌های حوادث طبیعی هستند، باید تحقیقات خود را کنار می‌گذاشتند. چون اگر علیت نباشد، همه حوادث می‌توانند بی‌علت اتفاق بیفتند و گشتن به دنبال علت آن‌ها، وقت تلف کردن خواهد بود. در نتیجه:

### دلیل تجربی نبودن اصل علیت از نظر فیلسوفان مسلمان

دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می‌زنند تا علل حوادث را پیدا کنند. پس رابطه علیت پایه و اساس هر تجربه‌ای است؛ یعنی اگر علیت نبود، شناخت تجربی هم وجود نداشت؛ پس اگر علیت هم مبتنی بر تجربه اثبات شود، علیت مبتنی بر روشی می‌شود که خودش مبتنی بر علیت است و چنین چیزی ممکن نیست. به عبارت دیگر، اثبات علیت با روش تجربی نوعی استدلال دوری (مصادره به مطلوب) است و به تناقض می‌انجامد (درس ۵ منطق یازدهم به فیر).

**فطری نبودن اصل علیت:** برخلاف دکارت که پذیرش علیت را اولیه و فطری و مادرزادی می‌دانست، از نظر فیلسوفان مسلمان درک و پذیرش علیت، نیازمند دلیل است. در واقع انسان در بدو تولد با اصل علیت آشنا نیست و باید درک این اصل را کسب کند و با دلیل، درستی آن و هم‌چنین ضروری بودن آن را بپذیرد. **عقلی و استدلالی بودن پذیرش علیت:** فیلسوفان مسلمان معتقدند اصل علیت یک اصل عقلی نیازمند به استدلال است، نه یک اصل عقلی اولیه و فطری. فیلسوفان مسلمان می‌گویند همین‌که ذهن انسان شکل گرفت، متوجه اصل «امتناع اجتماع نقیضین» می‌شود؛ یعنی می‌فهمد دو قضیه نقیض نمی‌توانند با هم صادق باشند. مثلاً نمی‌شود الان هم شب باشد و هم روز، یا نمی‌شود یک عدد صحیح هم فرد باشد و هم زوج. از روشن‌ترین مثال‌های اصل امتناع اجتماع نقیضین، یکی این است که وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی‌شود؛ یعنی یک چیز نمی‌تواند هم موجود باشد و هم موجود نباشد. یا هست و یا نیست و حالتی بین هستی و نیستی امکان ندارد. این مثال درباره وجود بود. مثال روشن دوم درباره ماهیت است. یعنی یک ماهیت نمی‌تواند هم خودش باشد و هم غیر خودش. مثلاً نمی‌شود یک گربه، هم گربه باشد و هم غیر گربه (مثلاً سگ).

بعد از درک اصل امتناع اجتماع نقیضین انسان می‌فهمد که هیچ پدیده‌ای خودبه‌خود به وجود نمی‌آید. زیرا اگر چیزی خودبه‌خود به وجود بیاید، یعنی خودش به خودش وجود داده است. بنابراین اول خودش بوده است که توانسته به خودش وجود دهد (چیزی که خودش نیست طبعاً هیچ اثری ندارد و نمی‌تواند به دیگران وجود بدهد). این یعنی این پدیده در موقعی هست که هنوز به آن وجود داده نشده و نیست. چون بودن و نبودن نقیض هستند پس به اجتماع نقیضین رسیدیم که محال و ممتنع است. پس متوجه می‌شویم هیچ پدیده‌ای خودبه‌خود به وجود نمی‌آید و این همان نیاز هر پدیده (حادثه) به علت است که اصل علیت نام دارد. **تذکر:** اصل «امتناع اجتماع نقیضین» که فیلسوفان و منطقدانان به این نام نامیده‌اند، یک اصل بدیهی عقلی است؛ یعنی نیاز به دلیل ندارد و عقل هر انسانی آن را به روشنی درک می‌کند. بنابراین یک فرق فیلسوفان مسلمان با دکارت این است که دکارت، خود اصل علیت را بدیهی می‌دانست ولی فیلسوفان مسلمان، اصل امتناع اجتماع نقیضین را بدیهی می‌دانند و بر پایه آن علیت را اثبات می‌کنند.



ترتیب اثبات اصول از نظر فیلسوفان تجربه‌گرا  
(آنان اصل علیت را بر مبنای اصالت تجربه اثبات می‌کنند.)



ترتیب اثبات اصول از نظر فیلسوفان مسلمان  
(اصول زیرین، پایه‌ای‌تر هستند و مقدمه اثبات اصول بالاتر قرار می‌گیرند.)

بنابراین تا قبل از این‌که ذهن کودک شکل بگیرد و اصل امتناع اجتماع نقیضین درک شود، کودک نمی‌داند که حوادث خودبه‌خود رخ نمی‌دهند و می‌توان علل حوادث را پیدا کرد. پس اگر کودکی در بدو تولد، صدایی را بشنود یا حرکتی را ببیند، به دنبال منشأ صدا و عامل حرکت نمی‌گردد. «به دنبال علت گشتن» حالتی است که مدتی بعد از تولد برای کودکان ایجاد می‌شود.

**تذکر:** طبق آن‌چه در فلسفه یازدهم خواندیم فیلسوفان مسلمان همه ابزارهای معرفت از جمله «عقل» (حتی مستقل از حس) را معتبر می‌دانستند. بنابراین دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره علیت (عقلی و استدلالی مستقل از حس و تجربه) با دیدگاه آنان در معرفت‌شناسی کاملاً هماهنگ است.

دیدگاه فیلسوفان مسلمان در باب منشأ درک و پذیرش رابطه علت

اصل علت یک اصل عقلی و استدلالی است که گرچه پایه و اساس هر تجربه‌ای است ولی به طور فطری و مادرزادی هم درک نمی‌شود بلکه بعد از «شکل‌گیری ذهن» و «درک اصل امتناع اجتماع نقیضین»، با استدلال عقلی محض قابل درک است. لذا کودک در بدو تولد با این اصل آشنا نیست و ویژگی «علت‌یابی» را ندارد.

**نکته:** در تست‌ها گاهی به جای سخن گفتن از «اصل امتناع اجتماع نقیضین»، عبارت «اصل اجتماع نقیضین» را به کار می‌برند. مراقب باشید که این دو تعبیر را با هم اشتباه نگیرید. چون گرچه اصل اول، بدیهی و درست است ولی «اجتماع نقیضین» محال و ناممکن است. البته گاهی هم طراح تست واژه «امتناع» را سهواً ذکر نمی‌کند و مقصودش همان اصل امتناع اجتماع نقیضین است. این موارد را با توجه به سایر گزینه‌ها و این‌که هر تستی فقط یک پاسخ صحیح دارد، می‌توان تشخیص داد.

**حل شدن اشکال هیوم قرن‌ها قبل از تولدش به دست ابن سینا:** ابن سینا حدود شش قرن قبل از هیوم زندگی می‌کرده است. اما او به گونه‌ای درباره‌ی علت بحث کرده که انگار از سؤال هیوم مطلع بوده است و می‌خواسته به آن پاسخ بدهد. او با هیوم موافق است که درک رابطه‌ی علت از طریق تجربه امکان‌پذیر نیست. زیرا همان‌طور که هیوم گفته است، ما از طریق حس، فقط «به دنبال هم آمدن» یا «همراه هم آمدن» دو حادثه را می‌بینیم؛ اما صرف «به دنبال هم آمدن» به معنای علت نیست. زیرا مثلاً «شب و روز» هم به دنبال هم می‌آیند ولی علت و معلول نیستند، یا «باران» گاهی به همراه «رعد و برق» است ولی علت و معلول نیستند. همچنین «روشن شدن هوا» همراه «رسیدن عقربه‌های ساعت به عدد ۱۰ صبح است» ولی باز رابطه‌ی علتی بین آن‌ها وجود ندارد. بنابراین ابن سینا کاملاً طبیعی می‌داند که فرد تجربه‌گرایی مثل هیوم، نتواند توضیح قانع‌کننده‌ای از علت ارائه دهد. به همین خاطر ابن سینا معتقد است تنها راه تبیین اصل علت استفاده از ادراک عقلی است.

**نقش حواس در درک علت و معلول:** البته از نظر ابن سینا فقط خود اصل علت کاملاً عقلی است ولی مصادیق آن در جهان طبیعت با کمک حس و تجربه تعیین می‌شوند. مثلاً وقتی صدایی را می‌شنویم، صورت خود را برمی‌گردانیم تا منبع صدا را ببینیم. این یعنی استفاده از حس، برای تعیین مصادیق علت. پس به طور کلی برای این‌که علل امور طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه‌ی خود کمک بگیریم.

**توجه:** دقت داشته باشید که این موضوع مخصوص جهان طبیعت است یعنی در جهان طبیعت، علل حوادث از طریق حس و تجربه شناخته می‌شوند ولی تعیین مصادیق علت و معلول در عالم ماوراءالطبیعه کاملاً عقلی است.

اصل علت و رابطه‌ی ضروری بین علت و معلول فقط با ادراک عقلی به دست می‌آید.

ولی تعیین مصادیق برای اصل علت در جهان طبیعت، یعنی کشف علل امور طبیعی، از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup>

**مقایسه دیدگاه دکارت و ابن سینا:** درست است که دکارت و ابن سینا هر دو درک علت را عقلی می‌دانند ولی دکارت این درک را فطری و غیراکتسابی و بی‌نیاز به اثبات دانسته است. در حالی که ابن سینا معتقد است انسان مدتی بعد از تولد با استدلال عقلی اصل علت را از اصل «امتناع اجتماع نقیضین» نتیجه می‌گیرد. در ضمن هر دو قبول دارند که در تعیین مصادیق علت و معلول، تجربه هم دخیل است.

**توجه:** در درس ۷ فلسفه یازدهم، گفتیم که ابن سینا اصل علت را از قواعد «اولیه» تعقل می‌داند (شبهه چیزی که دکارت می‌گوید). بنابراین در تست‌های فلسفه یازدهم، صفت «اولیه» برای دیدگاه ابن سینا هم صحیح است. ولی در فلسفه دوازدهم باید مراقب باشید که «اولیه» از نظر دکارت به معنای بی‌نیاز به اثبات و فطری بودن است ولی ابن سینا چنین معنایی را قبول ندارد (برای این‌که یادتون بیاد منظور ابن سینا از اولیه چی بود به سری به درس نامه‌ی درس ۷ فلسفه یازدهم بزنید).

دیدگاه‌های فیلسوفان درباره‌ی منشأ درک و پذیرش رابطه علت

نام فیلسوف	گرایش معرفت‌شناختی	واقعی و ضروری بودن علت	ابزار شناخت علت	توضیح
رنه دکارت	عقل‌گرا	✓	عقل فطری (نه استدلالی)	عقل به صورت اولیه و فطری و بدون دخالت حس و تجربه و هم‌چنین بدون آموزش، علت را از بدو تولد درک می‌کند، ولی تعیین مصادیق علت و معلول با استفاده از تجربه و آموزش است.
فرانسیس بیکن و جان لاک (تجربه‌گرایان اولیه غیر از هیوم)	تجربه‌گرا	✓	حسی و تجربی	ادراک علت و پذیرش رابطه‌ی ضروری بین علت و معلول، تجربی است و حاصل مشاهده‌ی حسی توالی پدیده‌هاست.
دیوید هیوم	تجربه‌گرا	✗	ابزاری برای آن نداریم	اصل علت و رابطه‌ی ضروری بین علت و معلول، نه با عقل و نه با حس درک نمی‌شود. آن‌چه علت می‌پنداریم، صرفاً یک انعکاس و پندار ذهنی است که آن را تداعی می‌نامیم و این امر روانی ناشی از توالی پدیده‌هاست.

۱- نقش حس و تجربه در تعیین مصادیق علت و معلول‌های طبیعی در کتاب نظام قدیم مطرح نشده بود؛ لذا در برخی تست‌های کنکور نظام قدیم، تشخیص علت برخی امور طبیعی صرفاً به عقل نسبت داده شده است، در حالی که سخن درست، طبق کتاب درسی شما، همکاری عقل و تجربه در تعیین برخی مصادیق‌های علل امور طبیعی است. مثلاً این‌که می‌دانیم «آتش» علت «سوختن چوب» است، از جهتی عقلی است (چون رابطه‌ی علت را فقط عقل تشخیص می‌دهد) و از جهتی تجربی است؛ زیرا مصادیق‌های «آتش» و «سوختن» برای مفاهیم کلی «علت» و «معلول» به کمک تجربه معین می‌شوند.



نام فیلسوف	گرایش معرفت‌شناختی	ضروری بودن و علیت	ابزار شناخت علیت	توضیح
امانوئل کانت	عقل‌گرا	-----	-----	نظری متفاوت داشت که نیازمند بحث‌های گسترده است و امکان طرح آن‌ها نیست. برای آشنایی مختصر با این دیدگاه، به درسنامه درس ۸ فلسفه یازدهم مراجعه کنید.
فیلسوفان مسلمان	قائل به اعتبار همه ابزارهای شناخت	✓	استدلال عقلی محض	بعد از تولد و شکل‌گیری ذهن و درک اصل بدیهی امتناع اجتماع نقیضین، رابطه علیت براساس استدلال عقلی مبتنی بر این اصل، اثبات و درک و پذیرفته می‌شود. البته برخلاف خود علیت، کشف مصادیق علیت در جهان طبیعت و علل امور طبیعی با حس و تجربه انجام می‌شود.

### سنخیت علت و معلول

آیا تا به حال شنیده‌اید که می‌گویند «گندم از گندم برآید جو ز جو»؟ این یعنی نمی‌شود گندم بکاریم و توقع داشته باشیم جو در بیاید و نمی‌شود برای برداشت گندم، جو کاشت. زیرا هر علتی معلول خاصی دارد و هر معلولی هم از علت خاصی پدید می‌آید و این‌طور نیست که هر چیزی از هر چیزی به وجود بیاید. پس ما قبلاً گفتیم که یک قاعده داریم که می‌گفت هر معلولی نیاز به علت دارد (اصل علیت) و حالا می‌خواهیم بگوییم یک قاعده دیگر هم داریم که می‌گوید هر علتی، معلول خاص خود را پدید می‌آورد و هر معلولی از علت خاصی صادر می‌شود، نه از هر علتی. این اصل را «سنخیت میان علت و معلول» می‌نامند. این‌که ما برای خنک‌شدن، کولر روشن می‌کنیم نه بخاری و برای خاموش کردن آتش، آب می‌ریزیم نه نفت و برای گندم درو کردن، گندم می‌کاریم نه جو، یعنی ما به طور طبیعی و با همان عقل خودمان اصل سنخیت علت و معلول را قبول داریم و طبق آن رفتار می‌کنیم. پس پذیرش این اصل توسط عقل همه انسان‌ها به طور طبیعی صورت می‌گیرد و پایبندی به آن هم در رفتار همه انسان‌ها دیده می‌شود. فیلسوفان غیر تجربه‌گرا اصل سنخیت را هم مانند خود اصل علیت عقلی می‌دانند.

**توجه:** در درس بعد خواهیم گفت برخی فیلسوفان اروپایی اصل سنخیت را قبول ندارند. با توجه به طبیعی بودن ادراک عقلی این اصل، در واقع این فیلسوفان هم در اعماق ذهن خود این اصل را قبول دارند و طبق آن رفتار می‌کنند، ولی به جهت پیش‌آمدن برخی اشکالات فلسفی که خودشان قادر به حل آن‌ها نبوده‌اند یا به جهت داشتن برخی پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی مثل اصالت تجربه، در فلسفه خود این اصل را انکار کرده‌اند. این یعنی **تناقض بین سخن و رفتار**.

#### پذیرش عقلی اصل سنخیت و رفتار بر طبق آن از سوی همه انسان‌ها

قبول اصل «سنخیت علت و معلول» به طور طبیعی با عقل هر انسانی انجام می‌گیرد و التزام و پایبندی به آن نیز در رفتار همه انسان‌ها حتی منکران اصل سنخیت، دیده می‌شود. بنابراین **انکار سنخیت نوعی تناقض در افکار و اندیشه‌ها و هم‌چنین ناهماهنگی بین سخن و رفتار** است. البته اثبات این اصل از طریق رفتار نیست، بلکه فیلسوفان - به جز فیلسوفان تجربه‌گرا - ادراک اصل سنخیت را نیز مانند خود اصل علیت، عقلی می‌دانند.

**یکی از نتایج اصل سنخیت علت و معلول** طبق اصل سنخیت ما از سنگ، انتظار سخت‌بودن داریم و از پنبه انتظار نرمی. اگر این‌طور نبود به جای تشک به روی سنگ می‌خوابیدیم و گردو را به جای سنگ با پنبه می‌شکستیم! یا از مرغ انتظار تخم‌گذاشتن داریم و از گاو انتظار شیردادن. به همین خاطر است که تا به حال دیده نشده کسی برای پرکردن سبد تخم‌مرغ‌ها به طویله گاوها برود یا سطل شیر را زیر مرغ بگذارد و شروع به دوشیدن کند! این یعنی ما از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را داریم.

همه ما برای رفع نیازهایمان سراغ اشیای پیرامون می‌رویم. تشنه می‌شویم آب می‌نوشیم، گرسنه می‌شویم نان می‌خوریم، سردمان می‌شود آتش روشن می‌کنیم و ... امروزه پیشرفت بشر در تکنولوژی و راحت‌تر شدن رفع نیازهای انسان در اثر شناخت بهتر خواص اشیای پیرامونمان است. اما اگر اصل سنخیت را در نهاد خود قبول نداشتیم، آیا باز رفتار ما این‌گونه بود؟ مسلماً نه. بدون قبول اصل سنخیت ما از هیچ چیزی نمی‌توانستیم انتظار آثار خاصی را داشته باشیم. لذا دیگر معنا نداشت برای رفع تشنگی به سراغ پارچ آب برویم. البته بعد از این‌که اصل سنخیت را با عقلمان قبول کردیم، برای تشخیص این‌که هر علتی چه معلولی دارد باید از تجربه استفاده کنیم. نتیجه این‌که انسان تلاش می‌کند ویژگی‌های هر چیزی را بشناسد و تفاوت‌های آن را با سایر اشیای تشخیص دهد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را کشف کند.

#### نتیجه اصل سنخیت علت و معلول

انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد.

شناسایی ماهیت شیء و تفاوت‌هایش با سایر اشیای نتیجه می‌دهد ← شناسایی آثار و فواید خاص آن شیء با توجه به این قاعده کلی عقلی، می‌توانیم با استفاده از تجربه، آثار و خواص اشیای را تشخیص دهیم.

هم‌چنین فیلسوفان می‌گویند اصل سنخیت پشتوانه عقلی نظم دقیق جهان است. یعنی اگر اصل سنخیت نبود باید نظم جهان را اتفاقی می‌دانستیم و اتفاقی دانستن نظم جهان به این معناست که نمی‌توان انتظار داشت این نظم استمرار پیدا کند. لذا بدون اصل سنخیت، قواعد ثابتی برای رفتار طبیعت وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، دانشمندان با تکیه بر اصل سنخیت تحقیقات علمی خود را پیگیری می‌کنند. یعنی یک دانشمند وقتی با پدیده‌ای مواجه می‌شود و می‌خواهد علت آن را بیابد، طبق اصل سنخیت به سراغ عواملی می‌رود که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست‌وجو می‌کند تا بالأخره علت ویژه آن پدیده را پیدا کند. پس می‌توان گفت:

اصل سنخیت، پشتوانه عقلی نظم دقیق جهان و مبنای تحقیقات علمی برای کشف این نظم است.

**نکاتی راجع به اصل سنخیت علت و معلول: (برگرفته از تمرین کتاب درسی)**

۱ ما در میان رفتارهای معمولی انسان‌ها هیچ موردی را نمی‌توانیم پیدا کنیم که نشان دهد اصل سنخیت مورد قبول انسان‌ها نیست، اما گاهی انسان‌ها در اثر جهل یا غفلت نسبت به علل و عوامل متناسب با یک پدیده، به سراغ عوامل نامتناسب می‌روند. مثلاً ممکن است کسی که گلودرد دارد اشتباهاً برای درمان خود خربزه بخورد و گلودردش شدت یابد. این موارد مثال نقضی برای قبول داشتن اصل سنخیت نیست بلکه خطا در تعیین مصداق است. هم‌چنین گاهی برخی افراد اصل سنخیت را در گفتار خود انکار می‌کنند. اما حتی این افراد هم در عمل به این اصل پایبند هستند و آلا نمی‌توانستند هیچ کاری انجام دهند. پس انکار آنان فقط در مقام جدل و مناظره است و ارزش علمی ندارد.

۲ کسانی که اصل سنخیت را تجربی می‌دانند می‌گویند ما تا به حال از فلان علت‌های خاص، فلان معلول‌های خاص را دیده‌ایم. ولی این سخن دلیل نمی‌شود قاعده کلی وجود داشته باشد که بگوید: «هر علتی معلول خاص خود را دارد». این افراد چون عقلی و کلی بودن اصل سنخیت را قبول ندارند، فقط در مواردی این اصل را صادق می‌دانند که تجربه شده است. بنابراین از نظر آن‌ها همواره ممکن است علتی که تاکنون مشاهده نشده است، یافت شود که معلول خاص خود را نداشته باشد و هر معلول دیگری هم بتواند از آن به وجود بیاید. این سخن عجیب ناشی از تجربی‌دانستن یک اصل عقلی است.

۳ بسیاری از اشعار و ضرب‌المثل‌ها گویای درستی اصل سنخیت علت و معلول است. مثل: «از مکافات عمل غافل مشو/ گندم از گندم بروید جو ز جو»، «هر که باد بکارد طوفان درو می‌کند»، «هر کس خربزه بخورد پای لرزش هم می‌نشیند»، «چو بد کردی مشو غافل ز آفات»، «هیچ گندم کاری و جو بر دهد؟/ دیده‌ای اسپیی که کره خر دهد؟»

**وجوب علی و معلولی**

در درس قبل با مفاهیم سه‌گانه «امکان»، «وجوب» و «امتناع» آشنا شدیم. گفتیم اشیا و پدیده‌های موجود، همگی ممکن‌الوجود هستند؛ یعنی از نظر ذات و ماهیتشان هیچ ضرورتی نداشته که به وجود بیایند و البته ضرورتی هم نداشته که به وجود نیایند. اما این اشیا حالا که موجودند، یعنی از طرف علتشان وجود برایشان ضروری شده است. ضرورتی نه از طرف ذات بلکه از طرف غیر. به عبارت دیگر، آن‌ها «واجب بالغير» شده‌اند. به واجب‌شدن معلول در صورت وجود علت، «اصل وجوب علی و معلولی» می‌گویند.

**توضیح اصل وجوب علی و معلولی:** ببینید معلول قطع نظر از علت (یعنی بدون در نظر گرفتن علت)، به خودی خود «امکان ذاتی» دارد، یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است؛ نه ذاتاً وجود را بر عدم ترجیح می‌دهد و نه ذاتاً عدم را بر وجود ترجیح می‌دهد. اما وقتی فقط به ذات معلول که ممکن‌الوجود است، نگاه نکنیم بلکه عوامل بیرونی مؤثر بر وجودش را هم در نظر بگیریم، قصه فرق می‌کند.

اگر علت یک معلول موجود نباشد، آن معلول قطعاً وجود ندارد. چون وجود معلول متوقف بر وجود علت است. پس ذات ممکنی که علت آن موجود نیست، در عین دارابودن «امکان ذاتی»، از حیث «وجود»، ضرورت عدم یا امتناع وجود دارد. اما همین‌که علت این ذات ممکن (معلول) موجود شد، وجود آن ضرورت پیدا می‌کند و پدید می‌آید. به عبارت دیگر، معلول که در ذات خود ممکن‌الوجود است و فقط امکان موجود شدن را دارد، توسط علت، واجب‌الوجود می‌شود و لباس هستی می‌پوشد. قبلاً گفتیم که چنین واجب‌الوجودی را «واجب‌الوجود بالغير» می‌نامند.

**اصل وجوب علی و معلولی**

علت به معلول خود ضرورت وجود می‌بخشد و معلول را موجود می‌کند. ضرورت‌بخشی علت به معلول یعنی اگر علت چیزی موجود شود، موجود شدن آن چیز نیز واجب می‌شود و ضرورت می‌یابد. پس آن چیز ضرورتاً موجود می‌شود. به عبارت دیگر، تا معلول ضروری و واجب نشود، موجود نمی‌شود.

**ارتقای این بحث به دست ملاصدرا:** ملاصدرا فیلسوف بزرگ قرن دهم و یازدهم هجری، این بحث ابن سینا را ارتقا داد و وارد مرحله جدیدی کرد. فعلاً نیازی نیست درباره محتوای نظرات ملاصدرا چیزی بدانید و همین‌که بدانید او نظر ابن سینا را ارتقا بخشید کفایت می‌کند.

**دو اصل در یک بیت**

به این بیت توجه کنید:  
چو بد کردی مشو غافل ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات  
مصراع اول این بیت به اصل «سنخیت علت و معلول» و مصراع دوم به اصل «وجوب علی و معلولی» اشاره می‌کند.

**خلاصه و نتیجه پذیرش اصل علیت و فروع آن**

۱. نتیجه اصل علیت (هر حادثه علتی دارد) این اصل زمینه‌ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیا پیرامون است. با قبول کردن این اصل به ارتباط اجزای جهان و پیوستگی‌شان پی می‌بریم و هنگام مواجهه با هر پدیده‌ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن برمی‌آییم. مثلاً اگر دل درد بگیریم به این فکر می‌کنیم که چه چیزی خورده‌ایم یا چه کاری کرده‌ایم که سبب این درد شده است.

**نتیجه انکار جدی اصل علیت (نه صرفاً انکار بیانی):** هر حادثه‌ای رخ داد به دنبال علت آن نخواهیم بود؛ در نتیجه نه تنها همه علوم از بین خواهند رفت بلکه زندگی عادی هم مختل خواهد شد (مثلاً اگر شب به فونه برگشتیم و دیریم فونمون با فاک یکسان شده، همه اموال و دارایی‌ها مون هم تاپید شده و هیچ فبری از فونوادمون نیست، تاپاریم بی تفاوت به راه فودمون ادامه بریم چون همه این‌ها احتمالاً بدون علت اتفاق افتادن). پس هیچ ارتباط و پیوستگی‌ای بین امور، باقی نخواهد ماند و هر گونه پیگیری امور بی‌معنا خواهد شد.

**۲. نتیجه اصل «وجوب بخشی علت به معلول» (اگر علت با تمام حقیقت خود تفق یافت، تفق معلول هم ضروری و متعی می‌شود).**

جهان تابع رابطه‌ای ضروری و حتمی است. یعنی اگر علت یک حادثه به طور تام و کامل وجود پیدا کرد، آن‌گاه وجود معلول هم ضروری می‌شود (ضرورت بالغير). با قبول این اصل است که یقین داریم با نوشیدن آب، تشنگی‌مان رفع خواهد شد. همین‌طور وقتی یک آشپز تمام دقت خود را به کار می‌گیرد که دستور پخت غذا را دقیق و درست رعایت کند، براساس همین اصل است که اطمینان دارد طعم غذای او مثل همیشه خوب خواهد شد.

**نتیجه انکار جدي اصل وجوب علی (نه صرفاً انکار زبانی):** از هیچ علتی نمی‌توانیم توقع حتمی ایجاد معلول را داشته باشیم. بنابراین هر کاری هم انجام دهیم نباید انتظار نتیجه گرفتن صددرصد داشته باشیم. پس هرگونه قطعیتی در زندگی از بین خواهد رفت. مثلاً وقتی گرسنه هستیم نمی‌توانیم مطمئن باشیم که با خوردن نان گرسنگی ما رفع خواهد شد، چون شاید این بار نان گرسنگی را برطرف نکند. یا برای روشن کردن آتش، اسباب لازم مثل هیزم، نفت و کبریت را آماده نخواهیم کرد چون شاید این دفعه هیزم و نفت و کبریت نخواهند سبب روشن شدن آتش بشوند و تلاش ما هدر برود. پس هیچ حتمیت و قطعیتی باقی نخواهد ماند و هرگونه توقع یقینی و هدفمندی ضروری اعمال از بین خواهد رفت.

**۳. نتیجه اصل «سنخیت میان علت و معلول»** (علت‌های خاص معلول‌های خاص دارند و برعکس.)

این اصل که نظم خاصی در جهان برقرار می‌کند، دو طرف دارد. مثلاً از طرفی ما از نمک توقع شور بودن داریم (علت خاص ← معلول خاص) و از طرف دیگر، اگر بخواهیم شوری غذایمان بیشتر شود، به آن نمک می‌زنیم، نه شکر (معلول خاص ← علت خاص). همه مردم متوجه اصل سنخیت هستند ولی ممکن است نام آن را ندانند. مثلاً کشاورز، صنعتگر، پزشک و هر کسی که در یک کار خاص وارد شده و برای آن برنامه‌ریزی کرده، متوجه همین اصل بوده است (پس دقت کنید که لازمه برنامه‌ریزی توجه به اصل سنخیت است). پس محتوای اصل سنخیت در تمام تخصص‌ها بلکه در تمام زندگی انسان مورد توجه و قبول است و مبنای عمل قرار می‌گیرد و آلا نمی‌شد قدم از قدم برداشت. ولی عبارت «سنخیت میان علت و معلول» به گوش خیلی‌ها نرسیده است.

**نتیجه انکار جدي اصل سنخیت (نه صرفاً انکار زبانی):** از هر چیزی می‌توان توقع هر چیزی را داشت. مثلاً ممکن است در استکان چای خود شکر بریزیم و این کار سبب خشکسالی شدیدی در مازندران و جاری شدن سیل در کویر لوت شود! یا ممکن است برای قبول شدن در دانشگاه به جای خواندن این کتاب، بهتر باشد تلاش کنید شست پای راستتان را در گوش چپتان فرو کنید! خلاصه این‌که هیچ نظم و قانونی بین پدیده‌ها باقی نخواهد ماند و هرج و مرج و نابسامانی همه جهان را خواهد گرفت.

لازمه و نتیجه اصل	اصل
ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن	اصل علیت
تخلف‌ناپذیری و حتمیت در نظام هستی	اصل وجوب‌بخشی علت به معلول
نظم و قانونمندی‌های معین میان دسته‌های مختلف پدیده‌ها	اصل سنخیت میان علت و معلول

**نکته:** اصل وجوب و اصل سنخیت از فروع اصل علیت هستند یعنی نمی‌توان بدون پذیرش اصل علیت آن‌ها را پذیرفت. پس هر کس سنخیت یا ضرورت را قبول کرده است حتماً پیش از آن اصل علیت را هم قبول داشته است. این مطلب بدان معناست که انکار اصل علیت، انکار دو اصل دیگر و لوازم و نتایج آن‌ها را نیز در پی دارد. اما دقت داشته باشید که گاهی در تست‌ها وقتی لوازم و نتایج انکار اصل علیت را می‌پرسند، مقصودشان لوازم خاص انکار علیت است. یعنی آن لوازمی که فقط مربوط به انکار اصل علیت است (ارتباط و پیوستگی) و لازمه انکار دو اصل دیگر نیست.

**برخی دیگر از نتایج اصل «علیت» و اصل «سنخیت علت و معلول»** (برگرفته از تمرین کتاب درسی)

- ۱- وجود نظم در میان پدیده‌ها:** وقتی هیچ حادثه‌ای بی‌علت رخ نمی‌دهد و از هر علتی هم فقط یک معلول خاص ایجاد می‌شود، نظم و پیوستگی بین اجزای عالم برقرار می‌شود. ولی در غیر این صورت از هر چیزی می‌توان توقع هر چیزی را داشت. مثلاً ممکن است فنجان چای را هم بزنیم و ناگهان یک فیل از آن بیرون بیفتد!
- ۲- امکان پیش‌بینی رخدادها:** با توجه به سنخیت علت و معلول می‌توان با مشاهده علت، معلول خاص آن را پیش‌بینی کرد. مثلاً هواشناسی براساس وضعیت سامانه‌های ابری و جهت و سرعت وزش باد، وضعیت آب و هوای روزهای آینده را پیش‌بینی می‌کند. اما اگر این احتمال وجود داشت که از ابر به جای باران خاک‌آزه ببارد، تمام پیش‌بینی‌های هواشناسی بیهوده می‌شد.
- ۳- امکان پیشگیری از برخی حادثه‌ها:** اگر بدانیم خطرات در اثر چه عواملی اتفاق می‌افتند، می‌توانیم از آن‌ها جلوگیری کنیم. مثلاً در منطقه سیل‌خیز، سیل‌بند درست می‌کنیم.

**۴- امکان پژوهش و تحقیق:** اولاً قوانین علمی همگی بیان یک رابطه علیت هستند. مثلاً این‌که این قانون نیوتن که «نیرو سبب ایجاد شتاب در حرکت می‌شود» بیان می‌کند که علت شتاب گرفتن اجسام، وارد شدن نیرو به آن‌هاست. پس تا اصل علیت نباشد نمی‌توان هیچ قانون علمی را بیان کرد. ثانیاً تحقیقات علمی در پی کشف ماهیات و آثار اشیا هستند. وقتی چیزی را درک می‌کنیم، واقعیت آن چیز، علت ادراکی است که در ذهن ما شکل می‌گیرد. مثلاً «سرد بودن هوا» علت احساس سرما در ماست. اما اگر علیت نبود، ادراک ما می‌توانست معلول واقعیت خارجی نباشد بلکه بی‌علت و خیالی رخ داده باشد. پس به طور کلی امکان شناخت ماهیات از بین می‌رفت. از طرفی اگر سنخیت علت و معلول نبود آثار اشیا ربطی به خودشان نداشت. به همین خاطر به فرض که ماهیتی را می‌شناختیم، نمی‌توانستیم آثار آن را بشناسیم.

**۵- تنظیم امور زندگی:** همه امور زندگی را بر این اساس تنظیم می‌کنیم که از اشیای مختلف توقعات مختلف داریم. اگر قرار بود غذا خوردن گاهی سیر کند و گاهی گرسنه و گاهی خواب ما را تأمین کند و گاهی خارش کف پایمان را برطرف کند و ... دیگر نمی‌فهمیدیم برای چه کاری باید غذا بخوریم!

**۶- به وجود آمدن شاخه‌های مختلف دانش:** دانش‌های مختلف براساس اختلاف موضوع و روش پدید آمده‌اند. اگر اصل علیت و سنخیت نبود، نه هیچ موضوعی خواص و آثار واحد داشت که بشود علمی برای تبیین آن آثار ثابت تدوین کرد و نه هیچ روشی نتایج ثابت داشت که بشود از یک روش انتظار پاسخ مسائل خاصی را داشت. بنابراین هیچ علمی از علم دیگر متمایز نمی‌شد.

از نظر فیلسوفان، هر انسانی دو اصل «علیت» و «سنخیت علت و معلول» را در اعماق ذهن خود، پذیرفته است و به همین دلیل موارد زیر را هم به طور ضمنی قبول دارد. یعنی ممکن است به طور صریح و آگاهانه نداند که این‌ها نتایج آن دو اصل هستند ولی به هر حال این موارد در ضمن پذیرش آن دو اصل، پذیرفته خواهند شد:

- ۱ وجود نظم در میان پدیده‌ها
- ۲ امکان پیش‌بینی رخدادها
- ۳ امکان پیشگیری از برخی حادثه‌ها
- ۴ امکان پژوهش و تحقیق
- ۵ به وجود آمدن شاخه‌های مختلف دانش

**نکته:** توجه کنید که طبق متن کتاب درسی، این پنج مورد ذکرشده، در ضمن پذیرش اصل علیت و اصل سنخیت، پذیرفته می‌شوند، نه برعکس. در حالی که به طور طبیعی به نظر می‌رسد، عکس این مطلب هم درست و حتی درست‌تر است. زیرا بیشتر انسان‌ها به اصول فلسفی کم‌تر توجه می‌کنند و در عوض، این پنج مورد را که در زندگی روزمره بیشتر با آن‌ها سر و کار دارند، به طور صریح‌تر قبول دارند. البته آن دو اصل فلسفی هم چون پیش‌نیاز این موارد پنج‌گانه هستند، حتماً مورد قبول خواهند بود.

### مختصر و مفید

- ♦ علیت یک رابطه وجودی است یعنی در آن علت به معلول وجود می‌دهد. پس معلول قبل از برقراری رابطه هنوز وجود ندارد.
- ♦ درک رابطه علیت، عقلی است ولی مصادیق آن را در جهان طبیعت، با حس و تجربه نیز می‌توان شناخت.
- ♦ اصل علیت یعنی «هر ممکن‌الوجودی برای به وجود آمدن نیاز به علت دارد». ممکن‌الوجود یعنی ذاتی که نسبت به وجود و عدم در حالت تساوی است.
- ♦ اصل سنخیت علت و معلول یعنی هر علتی، معلول خاصی دارد و نیز هر معلولی هم دارای علت خاصی است (از هر علتی هر معلولی صادر نمی‌شود).
- ♦ اصل وجوب علی و معلولی یعنی علت به معلول خود وجوب وجود می‌دهد و تا این وجوب بالغیر نباشد، وجود معلول ممتنع خواهد بود.
- ♦ دکارت اصل علیت را واقعی و عینی و ضروری می‌داند و معتقد است عقل انسان این اصل را به صورت یک اصل اولیه و فطری و غیراکتسابی از بدو تولد درک می‌کند و تنها برای شناخت مصادیق آن به آموزش و تجربه نیاز دارد.
- ♦ فیلسوفان تجربه‌گرا غیر از هیوم و پیروانش معتقدند که علیت واقعی و عینی و ضروری است و با حس و تجربه درک می‌شود. آنان بر این باورند که انسان در اثر مشاهده توالی پدیده‌ها رابطه ضروری علیت را بین آن‌ها ادراک می‌کند.
- ♦ هیوم معتقد است که علیت غیرواقعی و غیرعینی و غیرضروری است و نه با حس و تجربه و نه با عقل درک نمی‌شود. او می‌گوید علیت صرفاً یک پندار ذهنی است که در اثر مشاهده همراهی یا توالی پدیده‌ها در ذهن منعکس می‌شود و نام این پندار ذهنی را تداعی می‌گذارد.
- ♦ ابن سینا و فیلسوفان مسلمان معتقدند علیت واقعی و عینی و ضروری است. از نظر آنان علیت نمی‌تواند تجربی باشد بلکه هر تجربه‌ای مبتنی بر علیت است. بنابراین علیت یک اصل عقلی است که نه به صورت فطری و مادرزادی بلکه به صورت اکتسابی، بعد از شکل‌گیری ذهن و درک برخی حقایق، درک و به روش عقلی و استدلالی پذیرفته می‌شود.

### از نگاه طراح

## توی تست‌های این درس، چی درسته چی نادرست؟

درست است که: (گزینه جواب)	ولی درست نیست که: (گزینه انحرافی)
علیت یکی از کهن‌ترین مسائل فلسفی است. شاید نخستین مسئله‌ای باشد که ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. کلمه «چرا» بازتابی از درک رابطه علیت است.	هیچ مسئله فلسفی به اندازه علیت قدمت ندارد. علیت قطعاً نخستین مسئله‌ای است که ذهن بشر را مشغول کرده است. کلمه «چرا» بازتابی از رابطه علیت است.
همه علوم نتیجه علت‌یابی انسان است. بدون اصل علیت و سنخیت هیچ علمی وجود نخواهد داشت.	علمی که نتیجه علت‌یابی انسان نباشند، بسیار نادرند. بدون اصل علیت و سنخیت فقط علوم غیرتجربی ممکن خواهند بود.
وجود معلول وابسته به رابطه علی با علت است. رابطه علیت یک رابطه وجودی است و بین دو موجود مستقل برقرار نیست. برقراردن رابطه علیت، فرع بر وجود دو طرف رابطه نیست.	رابطه علیت وابسته به دو طرف رابطه است. رابطه علیت بین دو موجود مستقل ایجاد می‌شود. برقراردن رابطه علیت، قائم به وجود دو طرف رابطه است.
اکثر تجربه‌گرایان رابطه علیت را عینی و ناشی از توالی پدیده‌ها می‌دانند. (همه به غیر از هیوم و پیروانش)	همه تجربه‌گرایان رابطه علیت را عینی و ناشی از توالی پدیده‌ها می‌دانند.
دکارت علیت را عقلی و فطری می‌دانست ولی ابن سینا گرچه عقلی‌بودن آن را می‌پذیرفت ولی با فطری‌بودن آن مخالف بود.	دکارت و ابن سینا نظر مشابهی درباره منشأ پذیرش درک رابطه علیت داشتند.
ابن سینا براساس اصل بدیهی عقلی «امتناع اجتماع نقیضین»، اصل علیت را ثابت کرد.	ابن سینا با اثبات اصل عقلی «امتناع اجتماع نقیضین»، توانست اصل علیت را نیز ثابت کند.
ابن سینا و هیوم هر دو علیت واقعی را از طریق تجربه غیر قابل شناخت می‌دانند. ابن سینا علیت واقعی را از طریق عقل محض قابل شناخت می‌داند، در حالی که هیوم معتقد است علیت واقعی را نمی‌توان شناخت. هیوم معتقد است علیت ذهنی مبتنی بر تجربه در ذهن تداعی می‌شود و انعکاس پیدا می‌کند.	ابن سینا برخلاف هیوم علیت واقعی را غیر قابل شناخت از طریق تجربه می‌داند. ابن سینا علیت واقعی را از طریق عقل محض قابل شناخت می‌داند، در حالی که هیوم معتقد است علیت واقعی را تنها از طریق تداعی و انعکاس ذهنی مبتنی بر تجربه می‌توان شناخت. هیوم معتقد است علیتی که مردم از آن سخن می‌گویند از طریق تجربه وارد ذهن نشده است.

ولی درست نیست که: (گزینه انحرافی)	درست است که: (گزینه جواب)
مبنای تحقیقات علمی و پشتوانه عقلی نظم جهان، اصل وجوب علی و معلولی است. طبق اصل سنخیت، هر معلولی از علت خاص پدید می‌آید و طبق اصل وجوب علی و معلولی، هر علتی معلول خاص دارد.	مبنای تحقیقات علمی و پشتوانه عقلی نظم جهان، اصل سنخیت است. طبق اصل سنخیت، هم هر علتی معلول خاص دارد و هم هر معلولی از علت خاص پدید می‌آید.
اصل وجوب علی و معلولی، یعنی هر معلولی ضرورتاً علتی دارد. طبق اصل وجوب علی و معلولی، به محض این‌که چیزی ایجاد شود، واجب‌الوجود بالغیر خواهد شد.	اصل وجوب علی و معلولی، یعنی هر علتی ضرورتاً معلول خود را ایجاد می‌کند. طبق اصل وجوب علی و معلولی، تا چیزی واجب‌الوجود بالغیر نشود، ایجاد نخواهد شد.
نتیجه اصل علیت ارتباط و پیوستگی میان همه اشیا عالم است. نتیجه اصل وجوب‌بخشی علت به معلول، قانونمندی در نظام هستی است. نتیجه اصل سنخیت، هم‌سنخ بودن همه اشیا است. نتیجه اصل سنخیت، حتمیت ایجاد معلولی خاص از علتی خاص است، به نحوی که محال است آن علت باشد و معلولش پدید نیاید.	نتیجه اصل علیت ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن است. نتیجه اصل وجوب‌بخشی علت به معلول، حتمیت در نظام هستی است. نتیجه اصل سنخیت، نظم و قانونمندی است.

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۲۲۰۹- علت چیست؟ چیزی که .....

- (۱) در صورت وجود معلول با آن رابطه برقرار می‌کند.  
 (۲) در صورت وجود معلول ضرورت می‌یابد.  
 (۳) وجودش وابسته به معلول است.  
 (۴) وجود معلول متوقف بر آن است.

۲۲۱۰- علیت یک رابطه ..... است که ..... دارد و .....

- (۱) وجودی - یک طرف - آن یک طرف، قبل از رابطه موجود نیست.  
 (۲) اتکایی - یک طرف - آن یک طرف، قبل از رابطه موجود است.  
 (۳) وجودی - دو طرف - یکی از دو طرف، قبل از رابطه موجود نیست.  
 (۴) اتکایی - دو طرف - هر دو طرف، قبل از رابطه موجود هستند.

۲۲۱۱- کدام رابطه مثالی از علیت است؟

- (۱) بدنهٔ میز و پایه‌های آن  
 (۲) ابر و باران  
 (۳) اجزای یک ماشین  
 (۴) پدر و مادر

۲۲۱۲- کدام فیلسوف درک علیت را فطری و عقلی می‌دانست؟

- (۱) ابن سینا  
 (۲) بیکن  
 (۳) دکارت  
 (۴) هیوم

۲۲۱۳- کدام گزینه دیدگاه غالب تجربه‌گرایان دربارهٔ علیت را بیان می‌کند؟

- (۱) انسان از طریق حس به توالی پدیده‌ها پی می‌برد و رابطهٔ علیت را بنا می‌نهد.  
 (۲) انسان از طریق عقل به رابطهٔ وجودی بین پدیده‌ها پی می‌برد و آن را علیت می‌نامد.  
 (۳) انسان از طریق تجربه توالی بین پدیده‌ها را مشاهده می‌کند و رابطهٔ علیت برای ذهن تداعی می‌شود.  
 (۴) انسان از طریق مفاهیم پایه‌ای ذهن پدیده‌ها را به صورت علت و معلول درک می‌کند و علیت را بنا می‌نهد.

۲۲۱۴- فیلسوفان مسلمان علیت را اصلی ..... می‌دانند که .....

- (۱) عقلی - در ابتدای شکل‌گرفتن ذهن از طریق اصل امتناع اجتماع نقیضین درک می‌شود.  
 (۲) تجربی - در تجربه‌های اوایل کودکی از طریق پرسش از چرایی درک می‌شود.  
 (۳) عقلی - به صورت فطری، مادرزادی و بدیهی برای ذهن انسان روشن است.  
 (۴) تجربی - در اثر مشاهده توالی مکرر پدیده‌های پیرامون درک می‌شود.

۲۲۱۵- کدام گزینه از نتایج اصل سنخیت علت و معلول است؟

- (۱) حتمی‌شدن وجود معلول بعد از آمدن علت  
 (۲) پیداشدن علل متناسب با احتیاجات انسان  
 (۳) تجربی‌بودن درک علیت  
 (۴) پیداشدن پشتوانهٔ عقلی برای نظم دقیق جهان

۲۲۱۶- در رفتارهای آدمیان، مثال‌های عدم پذیرش اصل سنخیت علت و معلول .....

- (۱) زیاد دیده می‌شود.  
 (۲) به ندرت یافت می‌شود.  
 (۳) قبل از شکل‌گرفتن ذهن پیدا می‌شود.  
 (۴) هرگز مشاهده نمی‌شود.

۲۲۱۷- این مثل که «جواب‌های، هوی است» کدام اصل را تأیید می‌کند؟

- (۱) وجوب علی و معلولی (۲) علیت  
 (۳) سنخیت علت و معلول (۴) امتناع اجتماع نقیضین

۲۲۱۸- کدام توضیح دربارهٔ «رابطهٔ علیت» درست است؟

- (۱) کلمهٔ «چیست» بازتابی از این رابطه است.  
 (۲) در آن یک طرف رابطه به طرف دیگر وجود می‌دهد.  
 (۳) رابطه‌ای است همچون رابطهٔ اتکا.  
 (۴) انسان‌ها از زمان فلاسفهٔ یونان جست‌وجوی علت و معلول را شروع کردند.

۲۲۱۹- کدام عبارت دربارهٔ سنخیت درست است؟

- (۱) پیوستگی میان موجودات از این اصل فهمیده می‌شود.  
 (۲) بیان دیگری از وجوب علی و معلولی است.  
 (۳) اگر رابطه‌ای وجودی باشد، این اصل نیز از آن منفک نمی‌شود.  
 (۴) در همهٔ روابط غیروجودی نیز حضور این اصل الزامی است.

۲۲۲۰- کدام گزینه بیانگر تفاوت اساسی میان رابطه علیت و سایر روابط نیست؟

- (۱) در علیت، وجود دادوستد می‌شود.  
 (۲) علیت رابطه‌ای است که در هنگام ایجاد برقرار می‌شود.  
 (۳) تاریخ انسان از همان ابتدا سرکارش با علت و معلول بوده است.  
 (۴) روابط غیر از علیت، بعد از وجود دو طرف رابطه ایجاد می‌شوند.

۲۲۲۱- رابطه «وجودی» به چه معناست و مثال آن کدام است؟

- (۱) روابطی که در آن‌ها رابطه، فرع بر وجود طرفین رابطه است - خداوند و مخلوقات  
 (۲) روابطی که در آن‌ها وجود دادوستد می‌شود - بدنه پل و ستون‌هایش  
 (۳) روابطی که در آن‌ها یک طرف برای وجودداشتن به طرف دیگر رابطه نیازمند است - علت و معلول  
 (۴) روابطی که تنها در صورت وجود دو طرف رابطه امکان وقوع دارد - استاد و شاگرد

۲۲۲۲- کدام رابطه با دیگر روابط تفاوت اساسی دارد؟

- (۱) رابطه کارفرما و کارگر (۲) رابطه اجزای یک ساعت (۳) رابطه انسان و تصورات ذهنی اش (۴) رابطه زمین و اشیای روی آن

۲۲۲۳- باور به این که طوفان در شکسته شدن شاخه‌های درخت تأثیر دارد، .....

- (۱) باوری همگانی و روشن است و مورد انکار هیچ شخصی نیست.  
 (۲) براساس نظرات همه فیلسوفان مبتنی بر تجربه به دست آمده است و عقل در تشکیل چنین باوری نقش ندارد.  
 (۳) براساس دیدگاه برخی فیلسوفان، این جمله صحیح نیست و از یک واقعیت خبر نمی‌دهد.  
 (۴) هرچند به رابطه‌ای وجودی میان «طوفان» و «شکستن شاخه‌ها» اشاره می‌کند اما اصل سنخیت در آن رعایت نشده است.

۲۲۲۴- کدام یک از موارد زیر به عنوان دلیل دیدگاه دکارت درباره رابطه علیت مطرح می‌گردد؟

- (۱) اصل امتناع اجتماع نقیضین بیانگر آن است که چیزی خودبه‌خود به وجود نمی‌آید.  
 (۲) هر انسانی با درکی از رابطه علیت متولد می‌گردد.  
 (۳) علیت مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است.  
 (۴) از طریق حس توالی یا هم‌زمانی پدیده‌ها را مشاهده می‌کنیم.

۲۲۲۵- دلیل این که مصادیق «علیت» موضوع تفکر و اندیشه انسان به حساب می‌آید، چیست؟ زیرا .....

- (۱) تمام سؤال‌های انسان براساس علیت پاسخ داده می‌شود.  
 (۲) بخش مهمی از تفکر ما پی‌بردن به چرایی وجود اشیا و حوادث است.  
 (۳) تفکر و اندیشه انسان جز پاسخ به «چرا» نیست.  
 (۴) مسئله علت و معلول از کودکی با اندیشه انسان گره خورده است.

۲۲۲۶- کدام گزینه درباره درک رابطه علیت به درستی توضیح می‌دهد؟

- (۱) همه فیلسوفان تجربه‌گرا معتقدند انسان این رابطه را از طریق حواس خود درک کرده است.  
 (۲) فیلسوفانی هستند که به کلی منکر امکان شناخت چنین رابطه‌ای هستند.  
 (۳) درک رابطه علیت در واقع درک این است که چه چیزی علت چه چیزی است.  
 (۴) دیدگاه هیوم، پس از او توسط ابن سینا مورد انتقاد قرار گرفت.

۲۲۲۷- اصل علیت به تنهایی چه چیزی را نشان می‌دهد؟

- (۱) تخلف‌ناپذیری و حتمیت در نظام هستی  
 (۲) ارتباط و پیوستگی  
 (۳) نظم و قانونمندی میان پدیده‌ها  
 (۴) وجود علل‌العلل

۲۲۲۸- در روابطی که یک طرف در هستی خود، نیازمند طرف دیگر است .....

- (۱) تا قبل از ایجاد رابطه نمی‌توان گفت طرفین رابطه وجود دارند.  
 (۲) رابطه شامل روابط مختلفی همچون اتکا، آموزش و ... می‌شود.  
 (۳) در مورد نحوه ادراکشان اختلاف نظری وجود ندارد.  
 (۴) رابطه به صورت عقلانی درک نمی‌شود.

۲۲۲۹- وجه شباهت نظر فلاسفه مسلمان و «هیوم» درباره علیت چیست؟

- (۱) قاعده علیت را انکار می‌کنند.  
 (۲) برای تجربه اعتباری قائل نیستند.  
 (۳) علیت را غیر قابل درک با تجربه می‌دانند.  
 (۴) عقل را از درک علیت عاجز می‌دانند.

۲۲۳۰- اکثر فیلسوفان تجربه‌گرا به کدام مورد قائل بوده‌اند؟

- (۱) دانش بشر فقط از راه حس و بدون عقل به دست می‌آید.  
 (۲) علیت قابل درک نیست.  
 (۳) تجربه به تنهایی نمی‌تواند علیت را درک کند.  
 (۴) علیت نیز از طریق حس درک می‌شود.

۲۲۳۱- هر یک از عبارات زیر به ترتیب بیشترین ارتباط را با کدام اصل دارد؟

«ارتباط و پیوستگی»، «وابستگی‌های خاص»، «نظام معین هستی»

- (۱) ضرورت - علیت - سنخیت  
 (۲) علیت - علیت - ضرورت  
 (۳) علیت - سنخیت - سنخیت  
 (۴) علیت - سنخیت - ضرورت

۲۲۳۲- این که همواره فقط از «صد درجه شدن آب»، انتظار «به جوش آمدن آن» را داریم، بیشتر مرتبط با کدام اصل است؟

- (۱) اصلی که انتظام جهان را در پی دارد.  
 (۲) اصلی که اگر نبود، تصادف و اتفاق همه‌جا را فرا می‌گرفت.  
 (۳) اصلی که پیوستگی میان موجودات را مدیون آن هستیم.  
 (۴) اصلی که به ما می‌گوید به جوش آمدن آب در صد درجه حتمی است.

۲۲۳۳- کدام عبارت ارتباطی با اصل سنخیت ندارد؟

- (۱) هر چه بکاری درو می‌کنی  
 (۲) گندم از گندم برآید  
 (۳) هر چه بگندد نمکش می‌زند / وای به روزی که بگندد نمک  
 (۴) از مکافات عمل غافل مشو



۲۲۳۴- در کدام گزینه، تفاوت نظر هیوم با دیگر تجربه‌گرایان و تفاوت نظر او با فلاسفه مسلمان، به ترتیب بیان شده است؟

- (۱) انکار اصل علیت - انکار اصل علیت
- (۲) انکار تجربه - انکار عقل
- (۳) انکار تجربی‌بودن اصل علیت - انکار درک علیت با حس
- (۴) انکار جایگاه عقل - انکار درک عقلانی علیت

۲۲۳۵- این که کودک «چرا» می‌گوید، نشانه آن است که .....

- (۱) علت پیدایش حوادث پیرامون خود را می‌داند.
- (۲) برای او روشن است چه چیزی علت چه چیزی است.
- (۳) رابطه علیت برای او قابل درک است.
- (۴) هر چند رابطه علیت را نمی‌فهمد اما مصادیق آن را می‌یابد.

۲۲۳۶- کدام تعبیر تفاوت اصلی دیدگاه هیوم با فلاسفه مسلمان محسوب می‌گردد؟

- (۱) علیت را نمی‌توان از طریق تجربه مشاهده و درک نمود.
- (۲) برای درک یک موضوعی همچون علیت حتماً باید از طریق تجربی استفاده نمود.
- (۳) تکرار توالی‌ها تنها عاملی است که ما را به درک رابطه علیت می‌رساند.
- (۴) حس فقط می‌تواند اجسام و رنگ‌ها و شکل‌ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد.

۲۲۳۷- در دیدگاه هیوم، علیت ..... نیست.

- (۱) تکرار حوادث
- (۲) یک خیال و گمان
- (۳) امری ذهنی
- (۴) امری برساخته عادت

۲۲۳۸- برای «درک علیت» و «درک علت حوادث طبیعی» از چه منابعی بهره می‌بریم؟

- (۱) عقل و تجربه - فقط حس و تجربه
- (۲) عقل - قلب و وحی
- (۳) عقل مستقل از تجربه - حس و تجربه
- (۴) تداعی ذهنی - تجربه

۲۲۳۹- کدام یک از نظرات فلاسفه مسلمان درباره علیت با نظرات هیچ یک از تجربه‌گرایان همخوان نیست؟

- (۱) علیت مفهومی قابل درک است.
- (۲) درک علیت از طریق تجربه و حواس ممکن نیست.
- (۳) تجربه جز به دنبال هم آمدن دو حادثه را درک نمی‌کند.
- (۴) منبع درک رابطه علیت با منبع کشف علل امور طبیعی متفاوت است.

۲۲۴۰- کدام تعبیر تفاوت دیدگاه هیوم درباره علیت را با سایر دیدگاه‌ها، دقیق‌تر بیان می‌کند؟

- (۱) علیت باید به صورت صرفاً تجربی درک شود.
- (۲) علیت قاعده‌ای نیست که ارزش واقع‌نمایی داشته باشد.
- (۳) هر جا علیت باشد، تعاقب و توالی میان دو پدیده نیز برقرار است.
- (۴) علیت ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد، سپس می‌توان آن را در خارج یافت.

۲۲۴۱- کشف علل امور ماوراءالطبیعی و درک علیت ..... و کشف علل امور طبیعی .....

- (۱) از طریق یک قوه صورت می‌گیرد - درک قاعده علیت است.
- (۲) از دو طریق مختلف صورت می‌گیرد - تنها با حس صورت می‌گیرد.
- (۳) در واقع یک چیز هستند - منبعی غیر از منبع درک اصل علیت دارد.
- (۴) توسط یک منبع صورت می‌گیرد - منبعی یکسان با منبع درک علیت از نظر اکثر تجربه‌گرایان دارد.

۲۲۴۲- این که «رابطه علیت، رابطه‌ای وجودی است»، به کدام معنا نیست؟

- (۱) وجود یک طرف وابسته به طرف دیگر رابطه است.
- (۲) معلول در اصل بودن خود متوقف بر علت است.
- (۳) مانند رابطه دوستی نیست.
- (۴) پس از وجود طرفین رابطه، رابطه برقرار می‌گردد.

۲۲۴۳- اگر وجوب علی و معلولی را قبول نداشته باشیم؟

- (۱) هر چیزی می‌تواند علت هر چیز دیگر باشد.
- (۲) هیچ چیز نمی‌تواند شرط کافی برای به وجود آمدن شیء دیگر باشد.
- (۳) منشأ درک علیت را تجربی دانسته‌ایم نه عقلی.
- (۴) دیگر واجب‌الوجود بالذات معنایی نخواهد داشت.

۲۲۴۴- «انتظام و قانونمندی عالم»، «تخلّف‌ناپذیری» و «ارتباط میان اشیا» را به ترتیب می‌توان مربوط به کدام اصول دانست؟

- (۱) سنخیت - علیت - ضرورت
- (۲) سنخیت - ضرورت - علیت
- (۳) وجود علّة‌العلل - ضرورت - علیت
- (۴) امتناع اجتماع نقیضین - علیت - سنخیت

۲۲۴۵- این که «باغبانی با اطمینان بذری می‌کارد و آن را آبیاری می‌کند» و این که «برای روییدن درخت سیب، بذری سیب می‌کارد»، به ترتیب بر چه اساسی صورت می‌گیرند؟

- (۱) انگیزه‌های شخصی - اصل سنخیت
- (۲) اصل علیت - علت خاص معلول خاص دارد.
- (۳) وجوب‌بخشی علت به معلول - اصل علیت
- (۴) رابطه ضروری که میان علت و معلول برقرار است - سنخیت علت و معلول

۲۲۴۶- دیدگاه فلاسفه مسلمان درباره علیت، از نظر ..... با ..... اشتراک دارد.

- (۱) نحوه درک آن - هیوم
- (۲) منبع درک آن - تجربه‌گرایان
- (۳) غیرتجربی‌بودن درک آن - دکارت
- (۴) قابل درک بودن آن - هیوم

۲۲۴۷- کدام دیدگاه را نمی‌توان به دکارت نسبت داد؟

- (۱) در غیر قابل درک بودن علیت توسط تجربه، با هیوم هم‌نظر است.
- (۲) یکی از مفاهیم اولیه برای ذهن انسان علیت است.
- (۳) دربارۀ علیت، نظری همچون فلاسفه مسلمان دارد.
- (۴) اصل علیت امری غیر قابل اثبات از طریق حس و استدلال عقلی است.

۲۲۴۸- سنخیت میان علت و معلول، .....

- (۱) اصلی است که اکثر انسان‌ها، مگر عدۀ معدودی، طبق آن عمل می‌کنند.
- (۲) از سوی همه فیلسوفان اصلی عقلی دانسته شده است.
- (۳) باعث می‌شود که بگوییم هر معلولی از هر علتی پدید نمی‌آید.
- (۴) به نحوی است که درک آن با درک اصل علیت در تعارض است.

۲۲۴۹- طبق نظر فلاسفه مسلمان، کدام گزینه به درستی باعث درک اصل علیت توسط انسان می‌شود؟

- ۱) هرگاه که با آتش مواجه می‌شویم درمی‌یابیم که اشیای پیرامون خود را گرم می‌کند؛ بنابراین حتماً این گرما با آتش رابطه‌ای دارد.
- ۲) همیشه مشاهده کرده‌ایم که با طلوع خورشید روز شروع می‌شود و این قاعده هیچ‌گاه نقض نشده است؛ بنابراین طلوع خورشید باید علت شروع روز باشد.
- ۳) گیاهی که از خاک می‌روید قبلاً وجود نداشته است و الان وجود دارد. این که گیاه خودش به خودش وجود بدهد، محال است؛ بنابراین باید علتی داشته باشد.
- ۴) از همراهی همیشگی باران و خیس شدن زمین درمی‌یابیم که زمین نمی‌تواند به صورت خودبه‌خود خیس شود؛ بنابراین این پدیده علت دارد.

۲۲۵۰- این که «برای استحکام یک ساختمان ورزش نمی‌کنیم»، نشانگر کدام مطلب نیست؟

- ۱) همه انسان‌ها طبق اصل سنخیت عمل می‌کنند.
- ۲) اصل سنخیت اصلی عقلی است.
- ۳) باور داریم هر معلولی از هر علتی پدید نمی‌آید.
- ۴) از هر چیز انتظار آثار متناسب با خودش را داریم.

۲۲۵۱- معلول، قطع نظر از علت .....

- ۱) ذاتی است که می‌تواند واجب‌الوجود شود.
- ۲) ذاتی است که از نظر وجود نه موجود است و نه معدوم.
- ۳) می‌تواند ممکن‌الوجود یا واجب‌الوجود باشد.
- ۴) ماهیتش نسبتی برابر با وجود و عدم ندارد.

۲۲۵۲- «کلیت» و «اطمینان ما» نسبت به قوانین علمی به ترتیب از چه چیزی ناشی می‌شود؟

- ۱) اصول عقلی - تکرار متعدد یک تجربه ثابت
- ۲) اصول تجربی - وجوب علی
- ۳) سنخیت - تجربه‌های مکرر
- ۴) اصول عقلی - رابطه ضروری میان علت و معلول

۲۲۵۳- اگر اصل علیت نبود، کدام گزینه اتفاق نمی‌افتاد؟

- ۱) تمام تحقیقات علمی بی‌معنا بود.
- ۲) اصل ضرورت و سنخیت نیز مطرح نمی‌شد.
- ۳) ارتباطی میان اجزای جهان نبود.
- ۴) اشیای تنها براساس ضرورت علی و معلولی پدید می‌آمدند.

۲۲۵۴- به چه دلیل، برای بهبود درصد فلسفه خود این کتابی را که در دست دارید، خریده‌اید؟

- ۱) زیرا فقط اصل علیت را قبول داریم و براساس آن عمل می‌کنیم.
- ۲) براساس وجوب علی و معلولی باید این کار را انجام می‌دادیم.
- ۳) چون به نحو ضمنی اصل علیت و سنخیت را پذیرفته‌ایم.
- ۴) پاسخ این سؤال ارتباطی با موضوعات فلسفی ندارد.

۲۲۵۵- پاسخ سؤال از «چرایی»، در عالم ذهن، بیان ..... و در عالم خارج، بیان ..... است.

- ۱) ماهیت - وجود
- ۲) دلیل - علت
- ۳) استدلال عقلی - استدلال تجربی
- ۴) علت ذهنی - علت واقعی

۲۲۵۶- در کدام گزینه علت و معلول دیده می‌شود؟

- ۱) مرغ - تخم مرغ
- ۲) بتا - مصالح ساختمان
- ۳) آب - اکسیژن و هیدروژن
- ۴) دریا - موج دریا

۲۲۵۷- در ارتباط با فردی که برای بالابردن درصد فلسفه و منطق در کنکور روزی یک ساعت به گوشه‌ای خیره می‌شود، کدام تعبیر راسختر است؟

- ۱) دیدگاهی همچون هیوم دارد و علیت را تداعی ذهنی می‌داند.
- ۲) هر نوع تأثیر و تأثر میان پدیده‌ها را انکار می‌کند.
- ۳) منشأ درک علیت را تجربی می‌داند، به همین دلیل با دیدگاه فلاسفه مسلمان در زمینه علیت مخالف است.
- ۴) هر چند اصل علیت را به نحوی پذیرفته اما عمل او با اصل سنخیت در تعارض است.

۲۲۵۸- علت .....

- ۱) یکی از اجزای تشکیل‌دهنده معلول است.
- ۲) متوقف‌کننده وجود معلول است.
- ۳) تا معلول نباشد وجود ندارد.
- ۴) تحقق‌بخش به طرف دیگر رابطه علیت است.

۲۲۵۹- کدام گزینه درباره موجودی که علت باشد، درست است؟

- ۱) ابتدا معلول خود را ایجاد می‌کند، سپس وجودش را ضروری می‌کند.
- ۲) ابتدا معلول خود را با وجودش ضروری می‌کند، سپس آن را به وجود می‌آورد.
- ۳) گاهی که وجودش ضروری نیست، بدون معلول باقی می‌ماند.
- ۴) تا معلولش وجود پیدا نکند، خودش به وجود نمی‌آید.

۲۲۶۰- کدام مورد بازتاب انکار ویژگی‌ها و آثار خاص سنگ و آب، یعنی سختی و سیال بودن است؟

- ۱) ارتباط و پیوستگی میان اجزای جهان وجود نخواهد داشت.
- ۲) نظم و قاعده‌مندی میان دسته‌های مختلف، نابود نخواهد شد.
- ۳) قطعیت جهان زیر سؤال خواهد رفت.
- ۴) سنگ دیگر شیشه‌ای را نخواهد شکست و آب هم، بخار نخواهد شد.

۲۲۶۱- کدام گزینه می‌تواند مثال بهتری برای رابطه علیت باشد؟

- ۱) رابطه نجار با میز چوبی
- ۲) رابطه چرخش کلید با چرخش دست
- ۳) رابطه راننده با ماشین
- ۴) رابطه خورشید با رویش گیاه

۲۲۶۲- کدام گزینه نشان‌دهنده وجوب علی و معلولی است؟

- ۱) طبق احکام الهی هر شخص مکلف باید ۱۷ رکعت نماز در طول روز به جا آورد.
- ۲) برای انجام بهتر کارها باید صداقت داشته باشیم.
- ۳) وقتی شعله گاز روشن است و مواد غذایی هم داخل قابلمه روی شعله است، پس باید غذا پخته شود.
- ۴) باید احترام والدین خود را حفظ کنیم.

۲۲۶۳- با پذیرفتن اصل وجوب علی، کدام مورد، از نتایج حاصل از آن نیست؟

- ۱) قبول تقدم وجوب بر وجود برای پیدایش یک امر
- ۲) قبول این که تا چیزی واجب‌الوجود بالغیر نشود، ایجاد نخواهد شد.
- ۳) قبول وجود قوانین علمی و همیشگی مختص به هر چیز
- ۴) قبول نظامی حتمی و غیر قابل تغییر در مورد یک موضوع

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)





(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۲۲۶۴- کدام عبارت در مورد منشأ ادراک علیت نادرست است؟

- ۱) فلاسفه مسلمان و دکارت، در مورد ابزار شناخت علیت، هم عقیده‌اند.
- ۲) هدف هیوم از بیان دیدگاه تداعی ذهنی، تبیین روند شناخت علیت نبود.
- ۳) فلاسفه مسلمان و هیوم در مورد نقش تجربه در پی‌بردن به اصل علیت، اختلافی ندارند.
- ۴) دیدگاه تجربه‌گرایان غیر از هیوم و فلاسفه مسلمان، در مورد شناخت مصادیق علت و معلول، تفاوتی ندارد.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۲۲۶۵- وقتی سنگی به شیشه برخورد می‌کند و شیشه می‌شکند.....

- ۱) عقل حکم می‌کند که برخورد سنگ، دلیل و شکسته‌شدن شیشه نتیجه است.
- ۲) بدون پشتوانه حکم عقلی، نمی‌توان برخورد سنگ را علت شکستن شیشه دانست.
- ۳) تکرار مشاهده چنین اتفاقی، باعث انعکاس ذهنی رابطه علی و معلولی بین این دو می‌شود.
- ۴) شکستن شیشه توسط حس و علیت برخورد سنگ برای آن، توسط تجربه فهمیده می‌شود.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۲۲۶۶- در سال ۲۰۱۳ انیمیشنی ساخته شد با نام «ابری با احتمال بارش کوفته‌قلقلی»؛ نام این اثر، یادآور چیست؟

- ۱) نقض مواردی از جمله «هر قضایی سببی دارد».
- ۲) تأیید فروعی از علیت که در عباراتی مانند «هر که بامش بیش، برفش بیشتر» به آن اشاره شده است.
- ۳) تأیید فرضی کردن چیزی میان وجود و عدم.
- ۴) تقابل با محتوای عباراتی مثل «هر که باد بکارد، طوفان درو می‌کند».

۲۲۶۷- تفاوت رابطه علیت با دیگر روابط این است که .....

- ۱) یک طرف رابطه، وجود مستقل از دیگری ندارد.
- ۲) علیت یک رابطه ضروری است.
- ۳) هیچ‌کدام از دو طرف رابطه از قبل موجود نیستند.
- ۴) علیت رابطه‌ای است که فقط یک طرف دارد.

۲۲۶۸- رابطه بین کدام دو مورد یک رابطه وجودی است؟

- ۱) میز - پایه‌های میز
- ۲) آتش - نور
- ۳) شیر فواره - آب فواره
- ۴) کتاب - وزن کتاب

۲۲۶۹- کدام گزینه درباره رابطه وجودی درست است؟

- ۱) یکی از مصادیق متعدد آن رابطه علیت است.
- ۲) از جهتی شبیه رابطه علیت است، ولی مثالی از آن نیست.
- ۳) فقط یک مصداق دارد و آن هم علیت است.
- ۴) برخلاف رابطه علیت، فقط یک طرف در این رابطه حضور دارد.

۲۲۷۰- رابطه وجودی رابطه‌ای است که .....

- ۱) در آن وجود از یک موجود به موجود دیگر منتقل می‌شود؛ یعنی دو موجود غیروابسته داریم که یکی دیگری را ایجاد می‌کند.
- ۲) یک طرف بیشتر ندارد، چون اگر طرف دیگری هم داشت، دو موجود داشتیم که هیچ‌کدام نیازی به وجود نداشتند.
- ۳) دو طرف دارد، ولی وجود یک طرف مستقل از رابطه است و وجود طرف دیگر وابسته به رابطه است.
- ۴) دارای دو طرف شرکت‌کننده در رابطه است، ولی این دو طرف قبل از رابطه موجود نیستند.

۲۲۷۱- از نظر دکارت .....

- ۱) رابطه علیت ناشی از مشاهده توالی پدیده‌هاست.
- ۲) عقل رابطه علیت را به کمک حس استنباط می‌کند.
- ۳) اصل علیت یک رابطه ذهنی و فطری است.
- ۴) فهم اصل علیت نیازی به استدلال عقلی ندارد.

۲۲۷۲- بر مبنای نظر دکارت، کدام رفتار پیرامون اصل علیت درست است؟

- ۱) با استدلال عقلی اثباتش کنیم، سپس از نتایج آن بهره ببریم.
- ۲) آن را بدون اثبات کردن بپذیریم و از آن در علوم استفاده کنیم.
- ۳) از طریق تجربه با آن آشنا شویم و با عقل صدقش را نشان دهیم.
- ۴) به عنوان یک مفهوم پایه‌ای ذهن بپذیریم، ولی آن را عینی ندانیم.

۲۲۷۳- کدام گزینه درباره دیدگاه اولیه تجربه‌گرایان در باب علیت درست است؟

- ۱) با حس درک می‌شود.
- ۲) با عقل اثبات می‌شود.
- ۳) به طور بدیهی فهمیده می‌شود.
- ۴) نه با عقل و نه با حس شناخته نمی‌شود.

۲۲۷۴- اختلاف اصلی پیروان دکارت با گروه دیگر فیلسوفان اروپایی هم‌عصر او در چه مطلبی بود؟

- ۱) پذیرش یا عدم پذیرش اعتبار عقل
- ۲) قبول یا رد ادراک عقلی مستقل از تجربه
- ۳) معتبر دانستن یا ندانستن ابزار حس
- ۴) استفاده یا عدم استفاده از استدلال تجربی

۲۲۷۵- اختلاف تجربه‌گرایان درباره رابطه علی و معلولی، این بود که .....

- ۱) برخی آن را واقعی و برخی ذهنی می‌دانستند.
- ۲) برخی آن را حسی و برخی تجربی به حساب می‌آوردند.
- ۳) بعضی علوم طبیعی را مبتنی بر آن می‌دانستند و بعضی نه.
- ۴) بعضی آن را ناشی از مشاهده مکرر توالی یا تقارن پدیده‌ها می‌دانستند و بعضی نه.

۲۲۷۶- طبق دیدگاه دیوید هیوم، علیت .....

- ۱) اصلی عقلی است و لذا اعتبار ندارد.
- ۲) حسی و تجربی و ناشی از مشاهدات مکرر است.
- ۳) واقعی است که تداعی ذهن را در پی دارد.
- ۴) نه از ادراکات حسی است و نه از ادراکات عقلی.

۲۲۷۷- این‌که هیوم علیت را ..... نمی‌دانست، او را از سایر تجربه‌گرایان متمایز می‌کرد.

- ۱) فطری
- ۲) قابل ادراک عقلی
- ۳) مشاهده‌پذیر
- ۴) امری ذهنی

۲۲۷۸- دیدگاه خاص هیوم نسبت به سایر هم‌مسلمانان فکری خود در باب رابطه علت و معلول چه بود؟

- ۱) اگر علیت را نتوان تجربه کرد، نمی‌توان آن را پذیرفت.
- ۲) علیت را هرگز ندیده‌ایم، لذا نمی‌توانیم آن را بپذیریم.
- ۳) علیت را بدون تحلیل عقلی نمی‌توان اثبات کرد.
- ۴) اصل علیت ناشی از توالی مکرر اتفاقات است.

۲۲۷۹- شباهت نظر فلاسفه مسلمان و هیوم درباره علیت این است که علیت را ..... می دانند و تفاوت نظر آن‌ها این است که .....

- (۱) واقعیتی فراحسی - فلاسفه مسلمان علیت و مصادیق آن را صرفاً قابل ادراک با عقل می‌دانند.
  - (۲) غیرحسی و غیرتجربی - هیوم گاهی مصادیق آن را از طریق مشاهده توالی پدیده‌ها قابل تشخیص می‌داند.
  - (۳) غیر قابل مشاهده با حس - فلاسفه مسلمان آن را قبول دارند و مصادیق آن را گاهی با حس و تجربه شناسایی می‌کنند.
  - (۴) عقلی و ذهنی - هیوم هر حقیقتی را صرفاً قابل ادراک با حس می‌داند.
- ۲۲۸۰- معلمی هنگام مواجهه با پس‌رفت درسی دانش‌آموزان به دنبال عامل آن می‌گردد. او البته برخی عوامل همچون قد دانش‌آموزان را مد نظر قرار نمی‌دهد. این رفتار او در کدام گزینه تبیین دقیق‌تری شده است؟

- (۱) این رفتار ابتدا نشانگر این حقیقت است که هر حادثه‌ای علتی دارد و در ادامه نشانگر باور جدی به ضرورت علی است.
- (۲) رفتار او مبتنی بر ضرورت علی و سنخیت میان علت و معلول تبیین می‌شود.
- (۳) او اصل جست‌وجوی خود را مبتنی بر علیت شروع می‌کند و در ادامه با باور به سنخیت قدم برمی‌دارد.
- (۴) بدون باور به اصل علیت هم می‌توان رفتار او را تبیین نمود.

۲۲۸۱- کدام بیت کم‌ترین ارتباط را با اصلی که نظم و قانونمندی میان پدیده‌ها را تأمین می‌کند، دارد؟

- (۱) آن‌چه دی کاشته‌ای، می‌کنی امروز درو طمع خوشه گندم مکن از دانۀ جو
- (۲) سخن هر چه گویی همان بشنوی نگر تا چه کاری همان بدروی
- (۳) زان‌که می‌بافی، همه‌ساله بپوش زان‌که می‌کاری همه‌ساله بنوش
- (۴) چو دشنام گویی، دعا نشنوی به‌جز کشته خویشتن بدروی

۲۲۸۲- تشویق در قبال اعمال خوب و تنبیه در قبال رفتار نادرست، بیشتر از هر چیز با کدام اصل در ارتباط است؟

- (۱) علیت (۲) ضرورت علی (۳) سنخیت (۴) مغایرت وجود و ماهیت

۲۲۸۳- فردی که مفهوم «واجب‌الوجود بالغیر» را پذیرفته است، مستقیماً قائل به کدام مفاهیم است؟

- (۱) سنخیت علت و معلول - وجوب علی و معلولی - اصل علیت (۲) رابطه وجودی بودن علیت - رابطه قطعی بودن علیت
- (۳) عقلی بودن درک علیت - همگانی بودن فهم علیت (۴) غیرتجربی بودن درک علیت - توالی میان علت و معلول

۲۲۸۴- فیلسوفان مسلمان اصل علیت را ..... می‌دانند و آن را .....

- (۱) عقلی و تجربی - با استفاده از ابزار عقل و حس استنباط می‌کنند.
- (۲) مبتنی بر تجربه - در امور حسی به کار می‌گیرند تا مصادیقش را بیابند.
- (۳) مبنای تجربه - چه در اثبات، چه در تعیین مصادیق، مستقل از حس محسوب می‌کنند.
- (۴) صرفاً عقلی - با استفاده از یک یا چند قاعده بدیهی عقلی اثبات می‌کنند.

۲۲۸۵- کدام گزینه مثال نقضی برای دیدگاه تجربه‌گرایان درباره چگونگی درک رابطه علیت است؟

- (۱) روشن شدن همیشگی هوا با طلوع خورشید (۲) خنک‌تر شدن همیشگی هوا با غروب خورشید
- (۳) شروع شدن همیشگی روز با پایان شب (۴) شکسته شدن شیشه بر اثر برخورد سنگ

۲۲۸۶- اگر بخواهیم همه روش‌های درمان قطعی بیماری «وبا» را بیابیم، از کدام اصول باید استفاده کنیم؟

- (۱) فقط اصل علیت (۲) فقط اصل وجوب علی (۳) فقط اصل سنخیت (۴) اصول سه‌گانه بحث علیت

۲۲۸۷- این‌که «هر حادثه‌ای ضرورتاً در پی عاملی ایجاد می‌شود»، بیانی از کدام اصل است؟

- (۱) اصل سنخیت میان علت و معلول (۲) اصل علیت (۳) اصل وجوب علی - معلولی (۴) واقعیت مستقل از ذهن

## ۱۰۰ اشو

۲۲۸۸- درباره رابطه علت و معلول نمی‌توان گفت: .....

- (۱) از نخستین مسائلی است که فکر بشر را به خود مشغول ساخته است.
- (۲) معلول در وجود خود به علت نیازمند است.
- (۳) مهم‌ترین اصلی است که می‌تواند مبدأ تحقیق فلسفی قرار گیرد.
- (۴) اندیشه کودکان نیز با این مسئله گره خورده است.

۲۲۸۹- درباره روابطی که در آن‌ها رابطه فرع بر وجود دو طرف است، کدام عبارت را نمی‌توان بیان کرد؟

- (۱) این روابط، همه رابطه‌ها به‌جز علیت را در بر می‌گیرد.
- (۲) قطعاً در این روابط هیچ طرف به طرف دیگر وجود نمی‌دهد.
- (۳) کلمه «چرا» بازتاب یکی از همین روابط است.
- (۴) این روابط زمانی شکل می‌گیرند که پیش از آن، دو طرف رابطه موجود باشند.

۲۲۹۰- کدام مثال دلیل خوبی بر رد نظر هیوم است؟

- (۱) شکسته شدن شیشه در پی برخورد سنگ با آن
- (۲) در پی هم آمدن نور و صدای رعد و برق
- (۳) روشن شدن زمین با آمدن خورشید
- (۴) ترسیدن انسان از دیدن حیوانی درنده

۲۲۹۱- «بر اثر تکرار توالی‌ها در ذهن ما این‌گونه منعکس می‌شود که میان دو امر متوالی رابطه ضروری برقرار است. این انعکاس ذهنی، تداعی نامیده می‌شود»

هیوم با بیان این مطلب به دنبال چیست؟

- (۱) توضیح چرایی باور انسان‌ها به اصل علیت
- (۲) بیان غیرتجربی بودن اصل علیت
- (۳) اثبات این‌که تنها راه شناخت واقعیت حس و تجربه است.
- (۴) چگونگی پی‌بردن به اصل علیت و اثبات آن

۲۲۹۲- کدام گزینه نشانگر خودشکن (خودمتناقض) بودن نظریه هیوم است؟

- (۱) رابطه علیت از طریق عقل قابل دستیابی نیست.
- (۲) تکرار حوادث سبب ایجاد تداعی «علیت» است.
- (۳) تجربه تنها در پی هم آمدن حوادث را نشان می‌دهد.
- (۴) رابطه علیت نه‌تنها از طریق عقل، بلکه از طریق حس نیز درک نمی‌شود.



۲۲۹۳- فردی پس از مشاهده انفجار یک بمب و در پی آن تخریب خانه‌ای، حکم می‌کند که انفجار بمب عامل تخریب خانه بوده است؛ کدام عبارت درباره نظر او نادرست است؟

- (۱) این همان چیزی نیست که با مشاهده درک کرده است.
- (۲) از دیدگاه عموم تجربه‌گرایان، نظر این فرد تنها براساس حس و تجربه بیان شده است.
- (۳) آن چه بیان کرده تعارضی با دیدگاه هیچ‌یک از تجربه‌گرایان ندارد.
- (۴) از نظر فلاسفه مسلمان، بیان چنین جمله‌ای تنها با حواس ممکن نیست.

۲۲۹۴- در حالی که مشغول تست‌زدن هستیید، ناگهان صدای مهیبی می‌آید و شما به دنبال منشأ صدا می‌گردید. این امر، نشانه چیست؟

- (۱) ما براساس حواس خود، همچون شنوایی، علیت را می‌فهمیم.
  - (۲) انسان‌ها علیت را درک کرده و براساس آن عمل می‌کنند.
  - (۳) ما با مشاهده، تنها در پی هم آمدن دو حادثه را درک می‌کنیم.
  - (۴) علیت را نمی‌توان با تجربه درک کرد.
- ۲۲۹۵- ذهن انسان از طریق ..... به دنبال کشف ..... است و ..... بازتاب این تمایل ذهن است.
- (۱) استدلال - روابط علی و معلولی - کلمه «چرا»
  - (۲) رابطه علیت - واقعیت‌ها - کلمه «چرا»
  - (۳) استدلال - ماهیات امور - سؤال از هستی
  - (۴) رابطه علیت - آثار اشیا - سؤال از چیستی

۲۲۹۶- با دیدن شکسته شدن شیشه پس از اصابت سنگ نمی‌توان گفت: .....

- (۱) هیچ تأثیر و تأثری میان آن‌ها قابل مشاهده نیست.
- (۲) این عقل است که نشان می‌دهد سنگ علت شکسته شدن شیشه است.
- (۳) در دیدگاه هیوم اصلاً اصابت سنگ علت شکسته شدن شیشه نیست.
- (۴) پس از درک رابطه علیت است که می‌توان به تأثیر و تأثر میان آن‌ها حکم نمود.

۲۲۹۷- گزاره «علیت حاصل توالی پدیده‌هاست» .....

- (۱) نمی‌تواند نظر هیوم باشد.
- (۲) با توجه به مبانی تجربه‌گرایان نمی‌تواند صحیح باشد.
- (۳) ردی است بر این که حس را منبع درک علیت بدانیم.
- (۴) تناقضی با دیدگاه دکارت ندارد.

۲۲۹۸- کدام توضیح فلسفی مطابقت بیشتری با بیت زیر دارد؟

«جهان چون خط و خال و چشم و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست»

- (۱) نظام جهان، نظامی لایتخلف و قطعی است.
- (۲) نظام جهان دارای پیوستگی مبتنی بر علیت است.
- (۳) نظم و قانونمندی میان پدیده‌ها نشانگر حضور اصل سنخیت است.
- (۴) انتظام و ارتباط خاص میان پدیده‌های عالم، تأییدی بر اصل علیت و ضرورت علی است.

۲۲۹۹- دکارت، هیوم و اکثر تجربه‌گرایان به ترتیب علیت را چگونه می‌دانستند؟ (ابژکتیو = عینی، سوپژکتیو = ذهنی)

- (۱) سوپژکتیو - ابژکتیو - ابژکتیو
  - (۲) ابژکتیو - سوپژکتیو - سوپژکتیو
  - (۳) سوپژکتیو - سوپژکتیو - ابژکتیو
  - (۴) ابژکتیو - سوپژکتیو - سوپژکتیو
- ۲۳۰۰- اگر کسی بگوید: «بنا بر آن چه تاکنون تجربه کرده‌ایم، علت‌های خاص معلول‌های خاص دارند و درباره آینده نمی‌توان نظری اعلام کرد»، درباره این اظهار نظر کدام عبارت دقیق‌تر است؟

- (۱) پس برای دانستن این‌که هر علتی چه معلولی دارد باید از تجربه کمک بگیریم.
- (۲) اصل علیت را بدون سنخیت و ضرورت پذیرفته است.
- (۳) اصل علیت را یک اصل تجربی و غیرعقلی می‌داند.
- (۴) هر چند علیت را اصلی عقلی می‌داند، اما آن را بی‌نیاز از تجربه نمی‌داند.

۲۳۰۱- کدام گزینه دلیلی بر تلاش انسان برای دستیابی به ویژگی‌های اشیا و تفاوت آن‌ها با سایر اشیا نیست؟

- (۱) تا بتواند آثار ویژه هر شیء را شناسایی کند.
- (۲) تا بتواند اشیا را از همدیگر تمیز دهد.
- (۳) انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد.
- (۴) اصل سنخیت را قبول دارد.

۲۳۰۲- زمانی که فردی پرسد: «علت سردرد من چیست؟»، کدام عبارت درباره این سؤال و پاسخی که می‌توانیم به او بدهیم، درست نیست؟

- (۱) سؤالی پرسیده است که بدون پذیرفتن سنخیت قابل پاسخگویی نیست.
- (۲) پاسخی که به این سؤال داده می‌شود به پشتوانه اصلی عقلی است.
- (۳) پاسخ این سؤال به کمک تجربه و از طرق تجربی بیان می‌شود.
- (۴) پاسخ این سؤال را با اصول عقلی و فلسفی می‌توان بیان کرد.

۲۳۰۳- این‌که «اگر پس از فشار دادن دستگیره در، در باز نشود، ما به دنبال مانع باز شدن در می‌رویم»، نشانه چیست؟

- (۱) قبول اصل علیت بدون فروغ آن
- (۲) حالت تساوی ماهیت با وجود و عدم، قبل از وجود علت
- (۳) پذیرفتن ضرورت بخشی علت به معلول
- (۴) پذیرفتن این مطلب که هر معلولی از هر علتی پدید می‌آید.

۲۳۰۴- کدام گزینه درباره یک ذات ممکن، درست است؟

- (۱) یا خودش واجب است یا معلولش واجب است و نه هر دو.
- (۲) یا خودش ممتنع است یا علتش ممتنع است و نه هیچ‌کدام.
- (۳) یا معلولش ممتنع است یا خودش واجب است، نه هر دو و نه هیچ‌کدام.
- (۴) یا علتش واجب است یا خودش ممتنع است، شاید هر دو و شاید هیچ‌کدام.

۲۳۰۵- هر کدام از ابیات زیر، با کدام اصل ارتباط بیشتری دارند؟

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

- |                                 |                                       |
|---------------------------------|---------------------------------------|
| مردمی جو مردمی جو مردمی         | الف) که بکاری برنیاید گندمی           |
| ناید از وی صفت آبدهی            | ب) خشک ابری که بود ز آب تهی           |
| اجلم می‌کشد و درد فراقش سبب است | پ) هر قضایی سببی دارد و من در غم دوست |
| (۲) علیت - ضرورت علی - سنخیت    | (۱) علیت - سنخیت - سنخیت              |
| (۴) سنخیت - سنخیت - علیت        | (۳) سنخیت - علیت - ضرورت علی          |

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

۲۳۰۶- کدام مورد از نظر فروع اصل علیت با عبارت «دیدنی که اسبی کره خر بزاید؟» یکسان است؟

- (۱) نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود.
- (۲) کبوتر با کبوتر، باز با باز
- (۳) کوه به کوه نمی‌رسد، اما آدم به آدم می‌رسد.
- (۴) زمانه چون نگری سربه‌سر همه پند است.

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

۲۳۰۷- کدام گزینه با درک علیت از نظر فلاسفه مسلمان، تطابق دارد؟

- (۱) شناخت رابطه علیت توسط عقل و با استفاده از مقدمات حسی صورت می‌گیرد.
- (۲) روش تشخیص مصادیق علیت در جهان طبیعت، بر ادراک اصل علیت استوار است.
- (۳) اصل علیت، تجربی نیست، بلکه یک حکم عقلی است که هم‌زمان با شکل گرفتن ذهن انسان ادراک می‌شود.
- (۴) مشاهده و تجربه، ابتدا فقط توالی و تعاقب را می‌بیند و به مرور و با تکرار مشاهده، رابطه علیت را ادراک می‌کند.

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

۲۳۰۸- براساس نظر دیوید هیوم درباره منشأ درک علیت، کدام مورد بیانگر مطلب درستی است؟

- (۱) هیوم معتقد است که اعتقاد به اصل علیت به خاطر تصورات ذهنی ما از واقعیات خارجی است.
- (۲) او دلیل اعتقاد به اصل علیت را فقط تجربه می‌داند و دخالت عقل در آن را نمی‌پذیرد.
- (۳) اگر دیدگاه او را بپذیریم باید همه حوادث متوالی مانند رعد و برق را یک رابطه علی و معلولی بدانیم.
- (۴) او برخلاف سایر تجربه‌گرایان معتقد است از طریق تجربه نمی‌توان علیت را درک کرد، بلکه برای درک آن به عقل نیازمندیم.

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

۲۳۰۹- اگر بخواهیم وجه اشتراک هیوم و دکارت را درباره منشأ درک رابطه علیت نشان دهیم، کدام گزینه یاریگر ما خواهد بود؟

- (۱) وجه اشتراک دکارت با اکثر تجربه‌گرایان
- (۲) وجه افتراق ابن سینا با اکثر تجربه‌گرایان
- (۳) شباهت هیوم با دیگر تجربه‌گرایان
- (۴) تفاوت دکارت و فلاسفه مسلمان

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

۲۳۱۰- کدام عبارت در مورد رابطه علت و معلول، دقیق‌تر است؟

- (۱) معلول با ضرورت یافتن از ناحیه علت، امکان ذاتی خود را از دست می‌دهد.
- (۲) علت، با وجودبخشی به معلول، آن را واجب‌الوجود بالغیر می‌کند.
- (۳) علت ناقصه، تنها می‌تواند معلول را وجوب ببخشد، اما نمی‌تواند آن را ایجاد کند.
- (۴) وجوببخشی علت به معلول، به معنای تغییر حالت ذاتی آن نسبت به وجود و عدم نیست.

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

۲۳۱۱- کدام گزینه بیانگر لایتخلف‌بودن عالم (قطعی و حتمی بودن) است؟

- (۱) هر فرزندی باید به پدر و مادر خویش احترام بگذارد.
- (۲) شما باید در آزمون بعدی درصد بالایی کسب کنید.
- (۳) اگر کلید برای قفل باشد و مشکلی نباشد، در باید باز شود.
- (۴) در پادگان باید ۵ صبح، آماده‌باش باشید.
- (۱) لزوماً صادق نیست.
- (۲) بیان دیگری از وجود علل‌العلل است.
- (۳) همان اصل وجوببخشی است.
- (۴) همان اصل سنخیت است.

۲۳۱۲- کدام عبارات درباره رابطه علیت و علوم بشری درست هستند؟

- (الف) علوم مختلف سبب شدند بشر به اندیشه درباره علت و معلول بپردازد.
- (ب) تا توجه انسان‌ها به علل امور مختلف نبود، هیچ علمی وجود نداشت.
- (پ) هر علمی یک نوع علت‌یابی است که گرایش به آن همیشه در انسان بوده است.
- (ت) اولین علمی که ایجاد شد از اصل علیت و مباحث پیرامون آن گفت‌وگو می‌کرد.

- (۱) الف - پ (۲) الف - ت (۳) ب - پ (۴) ب - ت

۲۳۱۳- مشکل اساسی دیدگاه تجربه‌گرایی درباره رابطه علت و معلول چیست؟

- (۱) مصادیق علت و معلول را با تجربه و آزمایش پیدا می‌کنند.
- (۲) اصل علیت را ناشی از پشت سر هم آمدن حوادث می‌دانند.
- (۳) اعتبار تجربه را با اعتبار اثبات می‌کنند و اعتبار علیت را با تجربه.
- (۴) می‌خواهند امری را که مشاهده‌پذیر نیست، با حس اثبات کنند.

۲۳۱۴- کدام مطلب از دیدگاه هیوم، برای همه انسان‌ها قابل ادراک با حس و تجربه است؟

- (۱) افتادن سیب در اثر نیروی جاذبه زمین
- (۲) پرشدن لیوان با آبی که از شیر آب می‌آید.
- (۳) فداکاری مادر به سبب عشق به فرزند
- (۴) گرم شدن زمین در تابستان به سبب تابش خورشید

۲۳۱۵- کدام گزینه از نتایج پذیرفتن اصل وجوب علی نیست؟

- (۱) حرکات جهان، چه در سطح میکروسکوپی و چه در سطح ماکروسکوپی، نظامی لایتخلف و حتمی دارد.
- (۲) اراده انسان نیز به عنوان یک پدیده، تابع همین اصل است و تا واجب نشود، پدید نمی‌آید.
- (۳) می‌توانیم قوانین علمی همیشگی و مخصوص به هر شیء داشته باشیم.
- (۴) در جهان هر چه وجود دارد واجب‌الوجود است.

۲۳۱۶- آن «تداعی ذهنی» که مورد نظر هیوم است؛ یعنی ذهن .....

- (۱) از تکرار مشاهده پدیده‌های متوالی یا هم‌زمان، هرگاه یکی را دید به یاد دیگری بیفتد.
- (۲) روابطی را که قبلاً مشاهده کرده است، به مواردی که هنوز شکل نگرفته‌اند، تسری دهد.
- (۳) از زیاددیدن دو چیز با هم، ارتباطی را بین آن‌ها استنباط کند که تا به حال ندیده است.
- (۴) با دیدن یک شیء روابطی را که معمولاً آن شیء را به وجود می‌آورد، تصور و توهم کند.

۲۳۱۷- کدام گزینه به اصلی متفاوت پیرامون روابط علت و معلول اشاره می‌کند؟

- (۱) لاجرم یک جو ندارد هر که گندم کار نیست.
- (۲) دیده‌ای اسبی که کره خر دهد؟
- (۳) کسی که باد بکارد، طوفان درو می‌کند.
- (۴) هیچ گندم کاری و جو بر دهد؟



۲۳۱۹- اصل سنخیت علی و معلولی، یعنی.....

- (۱) یا چیزی معلول نیست یا علت خاصی دارد، ولی نه هیچ کدام.
- (۲) یک معلول خاص داریم که از هر علتی صادر می شود.
- (۳) علت خاص می تواند هر معلولی را ایجاد کند.
- (۴) علت و معلول از هر نظر هم سنخ هستند.

۲۳۲۰- هر معلولی.....

- (۱) اگر ذاتاً ممتنع نباشد، پدید می آید.
- (۲) اگر ضروری باشد، نیاز به علت ندارد.
- (۳) اگر چه موجود باشد، می تواند نباشد.
- (۴) اگر معدوم باشد؛ یعنی نمی تواند باشد.

۲۳۲۱- کدام توضیح اثبات اصل علیت محسوب نمی شود؟

- (۱) اگر یک شیء خودش نسبت تساوی با وجود و عدم داشته باشد، به یک عامل خارجی نیاز دارد که او را به سمت وجود داشتن سوق دهد.
- (۲) اگر یک شیء ذاتاً موجود نباشد، باید وجودش را از غیر خود بگیرد، و آلا لازم است در حالی که هنوز موجود نشده است، موجود شده باشد.
- (۳) وقتی چیزی خودش وجود ندارد موجود شدنش متوقف بر وجود موجود دیگری است که تا نباشد، هستی بخشی وجود ندارد که ایجادش کند.
- (۴) ممکن الوجود برای ایجاد شدن به ضرورت نیاز دارد؛ اگر خودش خود را ضروری کند، چون نیستی اثری ندارد باید باشد، پس هم هست و هم نیست.

کنکور سراسری

۲۳۲۲- قوانین علمی بیان کننده رابطه..... بین دو پدیده اند که موارد..... را در بر می گیرد و کلیت آنها را می توان در..... جست و جو کرد.

- (۱) ضروری - تجربه نشده - اصول عقلانی
- (۲) احتمالی - تجربه شده - آزمون های تجربی (سراسری ۹۱)
- (۳) ضروری - تجربه شده و تجربه نشده - اصول عقلانی
- (۴) ضروری - تجربه شده - اصول عقلانی و آزمون های تجربی

۲۳۲۳- وقتی به یک نهال از هر جهت رسیدگی می کنیم و شرایط لازم برای رشد و سلامت آن را فراهم می کنیم، لزوماً انتظار شادابی و رشد این نهال را داریم. این انتظار نشان دهنده چیست؟

- (۱) اصل سنخیت میان علت و معلول و نیز اصل ضرورت علی که باعث پیوستگی قطعی موجودات است.
- (۲) اصل ضرورت علی که از فروع اصل علیت و بیانگر نظام قطعی و لایتخلف جهان است.
- (۳) باور قطعی انسان از اصل سنخیت میان علت و معلول و پیوستگی میان موجودات
- (۴) باور همگانی و ناخودآگاه انسان نسبت به اصل ضرورت علی که از فروع اصل علیت است.

۲۳۲۴- کدام یک از ابیات، صریح تر بر مضمون سنخیت میان علت و معلول دلالت می کند؟

- (۱) اگر یک ذره را برگیری از جای
  - (۲) حمد بی حد را سزد ذاتی که بی همتاستی
  - (۳) این همه عکس می و نقش نگارین که نمود
  - (۴) حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد
- خلل یابد همه عالم سرایای  
واحد یکتاستی هم خالق اشیاستی  
یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد  
این همه نقش در آینه اوهام افتاد

۲۳۲۵- یکسانی آثار و خواص پدیده های طبیعی به اصل..... و کلیت قوانین علمی به اصل..... و ارتباط بین پدیده ها به اصل..... مربوط می شود.

- (۱) سنخیت - سنخیت - علیت
- (۲) سنخیت - علیت - وجود علی
- (۳) سنخیت - وجود علی - علیت
- (۴) وجود - وجود علی - علیت

۲۳۲۶- انکار اصل علیت در دیدگاه هیوم، در اصل از کدام دیدگاه ناشی می شود؟

- (۱) علیت را در تجربه نمی توان یافت.
- (۲) علیت تکرار متوالی دو حادثه است.
- (۳) تجربه مبنای هر نوع شناختی است.
- (۴) علیت با تبیین عقلانی درک می شود.

۲۳۲۷- کدام مورد درباره علیت درست است؟

- (۱) هر تأثیر و تأثیری به آن بازمی گردد.
- (۲) تعاقب دو حادثه است که عقل آن را درک می کند.
- (۳) با اتکا به قوانین علمی درک می شود.
- (۴) رابطه ای است که با بررسی های علمی قابل اثبات است.

۲۳۲۸- کدام مورد درباره «علیت» درست است؟

- (۱) حکم ذهن از توالی میان دو حادثه است.
- (۲) برای ایجاد و پیشرفت علم وضع شده است.
- (۳) توالی میان بعضی از حوادث از آن ناشی می شود.
- (۴) رابطه ای است که میان همه حوادث متوالی برقرار است.

۲۳۲۹- درباره مفاد کدام عبارت، میان معتقدان به اصل علیت از میان فیلسوفان مسلمان و منکران آن، اختلاف نظر وجود دارد؟

- (۱) به دنبال هم آمدن دو حادثه، نشان دهنده تأثیرپذیری یکی از دیگری نیست.
- (۲) به جز حس و تجربه راهی برای اثبات یا رد اثر آتش بر سوختن اشیا نداریم.
- (۳) حواس ما گواهی می دهد که برخی از حوادث، همواره پی در پی اتفاق می افتد.
- (۴) زیر سؤال رفتن اصل علیت، شناخت ما را نسبت به قوانین هستی مخدوش می کند.

۲۳۳۰- کدام عبارت، نظر هیوم را در مورد «اصل علیت» بیان می کند؟

- (۱) شرط تجربه است.
- (۲) قرارداد ذهن است.
- (۳) مشاهده مکرر است.
- (۴) توالی حوادث است.

۲۳۳۱- منکرین اصل علیت کدام مورد را انکار می کنند؟

- (۱) وجود رابطه میان حوادث
- (۲) عادت ذهنی بودن علیت
- (۳) تأثیر مشاهدات بر باورهای انسان
- (۴) تعاقب برخی از حوادث نسبت به هم

۲۳۳۲- کدام مورد، مبنای انکار اصل علیت شمرده می شود؟

- (۱) توجه به توالی مکرر برخی از حوادث
- (۲) یکی دانستن شناخت با تجربه حسی و عدم درک علیت به وسیله تجربه
- (۳) محدود کردن حوزه شناخت به عادات ذهنی
- (۴) توجه به تأثیر مشاهدات در ایجاد عادات ذهنی

(سراسری ۹۹)

۲۳۳۳- کدام مورد، عبارت را مطابق نظر فیلسوفان مسلمان کامل می‌کند؟

«هنگامی که حرارت فلزی را منبسط می‌کند،.....»

- (۱) تجربه کشف می‌کند که حرارت، علت انبساط فلز است.
- (۲) حس، انبساط فلز را و تجربه علت منبسط شدن فلز را درک می‌کند.
- (۳) بداهت عقلی حکم می‌کند که فلز به خاطر حرارت منبسط شده است.
- (۴) تجربه حرارت را علت انبساط فلز یافته و اصل علیت را نتیجه می‌گیرد.

(فارج از کشور ۹۹)

۲۳۳۴- نظریه هیوم در مورد علیت، تبیین کدام مسئله است؟

- (۱) بررسی نقش روان در باور رابطه علیت
- (۲) چرایی باور عمومی آدمیان به اصل علیت
- (۳) بررسی نقش عقل در باور رابطه علیت
- (۴) چگونگی کشف علت‌های طبیعی توسط تجربه

۲۳۳۵- کدام عبارت درباره علیت، مورد اختلاف دکارت و فیلسوفان مسلمان است؟

- (۱) اصلی فطری و بدیهی است.
- (۲) دانش بشری متکی بر آن است.
- (۳) درک آن از طریق تجربه امکان‌پذیر نیست.
- (۴) مصادیق آن بدون تجربه قابل شناخت نیستند.

(فارج از کشور ۱۴۰۰)

۲۳۳۶- در کدام عبارت، لفظ «باید» نشان‌دهنده وجوب علی و معلولی است؟

- (۱) برای نماز خواندن باید وضو گرفت.
- (۲) انسان باید راستگو و درستکار باشد.
- (۳) وقتی از مدرسه آمدی باید تکالیف را انجام دهی.
- (۴) وقتی در قفل نیست و اشکالی وجود ندارد، باید در باز شود.

(سراسری ۱۴۰۱)

۲۳۳۷- کدام عبارت درست است؟

- (۱) درک علت برخی از حوادث، به استفاده از حس و تجربه نیازی ندارد.
- (۲) از نظر هیوم، ضرورت میان علت و معلول نوعی تداعی در ذهن ایجاد می‌کند.
- (۳) دکارت معتقد است انسان علت هر معلولی را با درکی فطری، متوجه می‌شود.
- (۴) همه فیلسوفان توافق دارند که بدون تلاش‌های تجربی، پذیرش علیت ممکن نیست.

(فارج از کشور ۱۴۰۱)

۲۳۳۸- نظریه فیلسوفان مسلمان درباره عقلی بودن اصل علیت، به کدام سؤال پاسخ می‌دهد؟

- (۱) ذهن چگونه از تجربه، به رابطه علیت پی می‌برد؟
- (۲) انسان چگونه رابطه علیت را درک کرده است؟
- (۳) چرا پدیده‌ها خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند؟
- (۴) ذهن چگونه رابطه علیت را می‌سازد؟

(سراسری نوبت اول ۱۴۰۲)

۲۳۳۹- کدام مورد، عبارت را هماهنگ با نظر تجربه‌گرایان و به درستی کامل می‌کند؟

- «انسان بارها مواردی مانند سوختن چوب پس از آتش گرفتن یا روشنی زمین پس از طلوع خورشید را مشاهده کرده و.....»
- (۱) تصور کرده است که میان این‌گونه پدیده‌های متوالی، رابطه‌ای تخلف‌ناپذیر وجود دارد.
  - (۲) متوجه شده است که میان برخی پدیده‌ها، نوعی رابطه ضروری برقرار است که آن را علیت می‌نامیم.
  - (۳) نتیجه گرفته است که کشف پدیده‌های متوالی، فقط از طریق تجربه و آزمایش امکان‌پذیر است.
  - (۴) کشف کرده که اصل علیت، مصادیقی دارد مانند سوختن چوب در آتش یا روشنی زمین در اثر طلوع خورشید.

(سراسری ۱۴۰۲)

۲۳۴۰- کدام تعریف برای «معلول» مناسب‌تر است؟

- (۱) چیزی که علت به او وجود می‌دهد.
- (۲) چیزی که در حالت تساوی میان وجود و عدم است.
- (۳) آن‌چه که به دیگری وابسته است.
- (۴) آن‌چه که از دیگری هستی می‌گیرد.

(فارج از کشور ۱۴۰۲)

۲۳۴۱- با توجه به اصل علیت و فروع آن، کدام نتیجه قابل قبول است؟

- (۱) امکان ندارد دو پدیده مشابه، از دو علت متفاوت ناشی شده باشند.
- (۲) هرگاه دو پدیده، همواره همراه یکدیگر وجود پیدا کنند، حتماً یکی از آن‌ها علت و دیگری معلول است.
- (۳) هرگاه یک پدیده دارای آثار متفاوتی باشد، می‌توان از وجود یکی از آن آثار، وجود دیگری را احتمال داد.
- (۴) اگر از همکاری چند پدیده با یکدیگر، اثر خاصی پدید آید، آن اثر را می‌توان به تک‌تک پدیده‌ها نسبت داد.

(سراسری نوبت اول ۱۴۰۳)

۲۳۴۲- این عبارت مورد تأیید کدام گروه قرار خواهد گرفت؟

- «کودک با مشاهده حوادث جهان، به مرور پی می‌برد که میان برخی از پدیده‌ها نوعی توالی وجود دارد که تکرار می‌شود.»
- (۱) فقط فیلسوفان تجربه‌گرا
  - (۲) فقط فیلسوفان عقل‌گرا
  - (۳) همه فیلسوفان عقل‌گرا و تجربه‌گرا
  - (۴) همه فیلسوفان تجربه‌گرا به‌جز هیوم

(سراسری نوبت اول ۱۴۰۳)

۲۳۴۳- کدام مورد را می‌توان به نحو خاص، لازمه اصل وجوب علی دانست؟

- (۱) وجود همه موجودات، پس از وجود علت آن‌هاست.
- (۲) هر جزئی از اجزای جهان به جزء دیگر نیازمند است.
- (۳) ماهیت ممکنات نسبت به وجود و عدم، مساوی است.
- (۴) بود و نبود علت نشانه بود و نبود معلول است و برعکس.

## درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟

**دورنما:** در درس گذشته با علیت و فروع آن آشنا شدیم. در این درس، درباره معانی «اتفاق» و «تصادف» صحبت خواهیم کرد و خواهیم گفت که باور به علیت و فروع آن، سبب انکار برخی معانی اتفاق خواهد شد و جهان را در ذهن ما به صورت مجموعه‌ای پیوسته، دارای نظام حتمی، قانونمند و هدفمند تصویر خواهد کرد.

**۷۹۶- گزینه ۱** برای سالبه جزئیه، عکس مستوی قرار داده است در حالی

که عکس لازم‌الصدق ندارد، پس ایهام انعکاس است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** عکس مستوی سالبه کلیه، سالبه کلیه است که متداخل آن (سالبه جزئیه) هم طبق احکام تداخل، صادق خواهد بود. عکس مستوی موجبه جزئیه به صورت موجبه جزئیه به دست آمده که درست است. عکس استدلال از کلی به جزئی است که نوعی استدلال قیاسی محسوب می‌شود و عکسی رخ نداده است. به عبارت دیگر، از احکام قطعی تداخل استفاده شده است که استدلالی قیاسی محسوب می‌شود.

**۷۹۷- گزینه ۱** در بین قضایای محصوره صادق، قضایای کلیه بیشترین

اطلاعات را درباره روابط متقابل و عکس مستوی خود در اختیار می‌گذارند؛ یعنی وقتی یک قضیه کلیه صادق است، تمام روابط تقابل (تضاد، تداخل، تناقض) و عکس مستوی آن هم حکم مشخصی از نظر صدق و کذب دارد. موجبه کلیه است و طبق احکام قضایا صدق و کذب ۳ قضیه متقابلش (تضاد، تداخل، تناقض) و ۱ قضیه عکس مستوی‌اش معین است. و ۲ و ۴ موجبه جزئیه است و طبق احکام قضایا فقط ۱ قضیه متقابل (تناقض) و ۱ قضیه عکس مستوی‌اش معین است. ۳ قضیه شخصی است و فقط متناقض دارد.

**۷۹۸- گزینه ۳** در قیاس اقترازی لازم است موضوع یا محمول یک مقدمه

قرین موضوع یا محمول مقدمه دیگر باشد. (یعنی وجود حد وسط یا همان عامل مشترک در دو مقدمه). به همین دلیل به این نوع از قیاس، «قیاس اقترازی» می‌گویند. (رد ۲ و ۴)

در قیاس اقترازی اجزای نتیجه در میان مقدمات پخش شده است. (رد ۱ و ۲).

**۷۹۹- گزینه ۴** جزء مشترک دو مقدمه که در نتیجه حذف می‌گردد را «حد

وسط» می‌گویند.

**۸۰۰- گزینه ۳** براساس جایگاه حد وسط (موضوع یا محمول بودن حد

وسط در دو مقدمه) چهار شکل قیاس اقترازی تشکیل می‌شود.

**۸۰۱- گزینه ۴**

حد وسط در شکل اول ← مقدمه اول ← محمول  
مقدمه دوم ← موضوع

حد وسط در شکل سوم در هر دو مقدمه موضوع قرار می‌گیرد.

**۸۰۲- گزینه ۱** حد وسط در شکل دوم در هر دو مقدمه محمول و در شکل

سوم در هر دو مقدمه موضوع است.

**۸۰۳- گزینه ۳** الف) محمول مقدمه اول «دارای استعداد» و محمول

مقدمه دوم «یک استعداد» است بنابراین تکرار حد وسط صورت نگرفته است. ب) محمول مقدمه اول «از شیر» و موضوع مقدمه دوم «شیر» است، بنابراین تکرار حد وسط صورت نگرفته است. پ) منظور از «حیوان» در مقدمه دوم لفظ حیوان است بنابراین حیوان در دو مقدمه اشتراک معنایی ندارد و مغالطه عدم تکرار حد وسط رخ داده است. ت) «نوشت‌افزار» در این دو مقدمه حد وسط است و مغالطه عدم اشتراک حد وسط رخ نداده است.

**۸۰۴- گزینه ۴** شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط

(به صورت لفظی و معنایی) است تا دو مقدمه با یکدیگر ارتباط پیدا کنند.

**۸۰۵- گزینه ۴** شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس ← تکرار لفظی و

معنایی حد وسط

عدم رعایت قانون نتیجه‌گیری قیاس ← نامعتبر بودن قیاس

**۸۰۶- گزینه ۳** در صورتی که از قیاسی که حد وسط در آن تکرار نشده

(لفظی یا معنایی)، نتیجه‌گیری شود دچار مغالطه «عدم تکرار حد وسط» می‌شویم. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ این عبارت صحیح اما کامل‌ترین تعریف برای این مغالطه نیست؛ زیرا تنها به عدم تکرار حد وسط به صورت لفظی توجه شده است. ۲ هیچ ارتباطی با این مغالطه ندارد. ۴ این عبارت نیز صحیح است؛ اما تنها به عدم تکرار لفظی حد وسط توجه شده و عدم تکرار معنایی حد وسط مورد توجه قرار نگرفته است.

**۸۰۷- گزینه ۲** استدلال ذکرشده دارای حد وسط یکسان در دو مقدمه نیست؛

زیرا محمول در مقدمه اول «در کشتی» است و در مقدمه دوم «کشتی» است؛ بنابراین شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس که همان تکرار حد وسط است را دارا نیست.

**۸۰۸- گزینه ۲** در ۲ لفظ حد وسط در دو مقدمه عیناً تکرار نشده است؛

اما در گزینه‌های دیگر لفظ حد وسط عیناً تکرار شده است، ولی معنای حد وسط در دو مقدمه یکی نیست.

**۸۰۹- گزینه ۱** **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ حد وسط در هر دو مقدمه

علامت منفی دارد و نامعتبر است. ۳ حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است؛ بنابراین شکل سوم است. ۴ حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد و نامعتبر است.

**۸۱۰- گزینه ۲** سور قضایای محصوره نشان‌دهنده دامنه مصادیق موضوع

است. (سور = کمیت) و «رابطه» (موجبه یا سالبه بودن) نشانگر دایره مصادیق محمول است. (رابطه = نسبت = کیفیت)

**۸۱۱- گزینه ۲** الف) حد وسط در مقدمه اول محمول و در مقدمه دوم

موضوع است. شکل اول ب) حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است. شکل سوم پ) حد وسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول است. شکل چهارم

**۸۱۲- گزینه ۳** در قضایای سالبه همه مصادیق محمول و در قضایای موجبه

برخی از مصادیق محمول مورد نظر گوینده است.

**۸۱۳- گزینه ۱** زمانی که قضیه سالبه است، یعنی محمول دارای علامت

مثبت است و همه مصادیق محمول مورد نظر است (کلیه یا جزئیه بودن ارتباطی به علامت محمول ندارد).

زمانی که قضیه کلیه است، یعنی موضوع دارای علامت مثبت است و همه مصادیق

موضوع مورد نظر است. در قضایای شخصی نیز موضوع علامت مثبت دارد.

در قضایای سالبه کلیه (هیچ الف ب نیست) و قضایای شخصی سالبه، مانند: «سعدی شاعر قرن ۵ نیست»، موضوع و محمول دارای علامت مثبت هستند.

**۸۱۴- گزینه ۱** نحوه تشخیص دادن دامنه مصادیق موضوع و محمول اساس

تعیین اعتبار یک قیاس‌اند.

**۸۱۵- گزینه ۳** رد سایر گزینه‌ها: ۱ هر الف ب است. باید تبدیل شود

به ب / ۲ بعضی ت د است. باید تبدیل شود به د / ۴ بعضی غیر ب غیر الف نیست. باید تبدیل شود به غیر الف

**۸۱۶- گزینه ۱** در قضایای شخصی همانند قضایای کلی همه مصادیق

موضوع مورد نظر هستند؛ و محمول قضایای شخصی از نظر دامنه مصادیق از قانون محمول قضایای محصوره تبعیت می‌کند.

**۸۱۷- گزینه ۳** علامت‌های صحیح هر یک از گزینه‌ها به صورت زیر است:

۱ بسیاری الف ج نیست. - برخی غیر ج ب است.

(در این گزینه علامت غیر «ج» درست ذکر شده است.)

۲ اکثر ج ب است. - هیچ الف ب نیست.

(در این گزینه علامت «ب» در هر دو قضیه به درستی ذکر شده است.)

۳ هر ب د است. - تعدادی ج د است.

(در این گزینه همه علامت‌ها اشتباه تعیین شده و پاسخ تست همین گزینه خواهد بود.)

۴ هیچ الف ب نیست. - برخی ج د نیست.

(در این گزینه علامت «د» درست ذکر شده است.)

**۸۱۸- گزینه ۳** سور قضایای کلی مشخص می‌کند که همه مصادیق موضوع

مورد نظر گوینده است. سور قضایای جزئی مشخص می‌کند که برخی از مصادیق موضوع مورد نظر گوینده است.

سالبه‌بودن نشان می‌دهد همه مصادیق محمول مورد نظر گوینده است و موجبه‌بودن نشان می‌دهد برخی از مصادیق محمول مورد نظر گوینده است.

۸۱۹- گزینه ۴) سه شرط برای قیاس معتبر وجود دارد.

۱- هر دو مقدمه سالبه نباشد (حداقل یک مقدمه موجیه باشد). ۲- حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد (حداقل حد وسط در یک مقدمه علامت مثبت داشته باشد). ۳- هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشته باشند، باید در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند.

۸۲۰- گزینه ۲) بررسی گزینه‌ها: ۱) بعضی الف ب است. / هیچ ج

الف نیست. / ۲) هیچ الف ب نیست. / برخی د الف نیست. / ۳) برخی غیر ج الف است. / هیچ الف ج نیست. / ۴) هر الف ب است. / هر ب الف است.

۸۲۱- گزینه ۳) زمانی که موضوع و محمول قضیه‌ای دارای علامت مثبت هستند؛ یعنی قضیه سالبه کلیه است و عکس مستوی سالبه کلیه به همان صورت سالبه کلیه است؛ بنابراین موضوع و محمول باز هم علامت مثبت دارند.

۸۲۲- گزینه ۱) در قضایای شخصی همه مصادیق موضوع (که یکی بیشتر نیست) در بر گرفته می‌شود؛ یعنی علامت (+) و دامنه مصادیق محمول نیز اگر موجیه باشد، برخی را در بر می‌گیرد و علامت منفی (-) دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) اکثر مردم تلاشگر نیستند. / ۳) ایران کشور

پهنآوری است. / ۴) فلز در اثر حرارت منبسط می‌شود.

۸۲۳- گزینه ۳) در قضایای شخصی همه مصادیق موضوع (که یک فرد مشخص است) مورد نظر هستند؛ لذا همواره برای موضوع قضایای شخصی از علامت مثبت (+) استفاده می‌کنیم.

۸۲۴- گزینه ۳) یکی از شرایط اعتبار قیاس آن است که حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد؛ یعنی حداقل در یکی از مقدمات علامت مثبت داشته باشد نه این که حد وسط در هر دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد.

۸۲۵- گزینه ۱) تنها گزینه‌ای که تمام علامت‌های موضوع و محمول آن مثبت (+) خواهد بود؛ یعنی همه مصادیق را در بر می‌گیرد ۱) است.

سالبه بودن و سور کلی داشتن نشانه در بر گرفتن همه مصادیق محمول و موضوع است. سقراط معلم اول نیست. / هیچ انسانی غیرمتفکر نیست.

۸۲۶- گزینه ۴) قضیه شخصی اگر سالبه باشد تمام مصادیق موضوع و محمول مورد نظر گوینده است. مانند: سعدی فوتبالیست نیست و هم‌چنین در قضیه سالبه کلی نیز تمام مصادیق موضوع و محمول مورد نظر گوینده است مانند: هیچ انسانی غیرمتفکر نیست و قضایای موجیه جزئی برخی مصادیق موضوع و برخی مصادیق محمول را در بر می‌گیرد مانند: «بعضی الف ب است.»

۸۲۷- گزینه ۱) براساس قانون نتیجه قیاس، قیاسی که یک مقدمه آن موجیه و یکی سالبه باشد، نتیجه‌اش نیز سالبه خواهد بود (رد ۲) و (۳). مقدمه اول مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه در آن است (هیچ غیر ب الف نیست). و مقدمه دوم، مقدمه‌ای است که محمول نتیجه در آن است (هر ج غیر ب است). بنابراین حد وسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول است و شکل چهارم محسوب می‌شود (رد سایر گزینه‌ها).

۸۲۸- گزینه ۳) طبق قانون نتیجه‌گیری قیاس اگر یک مقدمه سالبه باشد، نتیجه نیز سالبه است، اما اگر هر دو مقدمه موجیه باشد، نتیجه نیز موجیه است. وقتی نتیجه موجیه جزئی است؛ یعنی موضوع و محمول نتیجه علامت منفی دارد و نیاز به بررسی علامت آن‌ها در مقدمات نیست و قطعاً عدم رعایت شرط سوم اعتبار صورت نگرفته است. موارد مذکور در ۳) و ۴) ممکن است، اما قطعی نیست؛ ولی مطلب ذکر شده در ۱) قطعی است، زیرا تنها زمانی که دو مقدمه موجیه باشد، نتیجه نیز موجیه خواهد بود.

۸۲۹- گزینه ۲) بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) هر دو مقدمه سالبه است. ← معتبر نیست. / ۲) هر دو مقدمه سالبه است. ← معتبر نیست. / ۳) معتبر نیست. / ۴) حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد. ← معتبر نیست.

۸۳۰- گزینه ۳) بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) هر دو مقدمه سالبه است. ← معتبر نیست. / ۲) هر دو مقدمه سالبه است. ← معتبر نیست. / ۳) معتبر نیست. / ۴) حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد. ← معتبر نیست.

۸۳۱- گزینه ۳) در ۳) علت عدم اعتبار قیاس این است که محمول نتیجه (ج) در نتیجه دارای علامت مثبت است؛ اما در مقدمات دارای علامت منفی است، اما در سه گزینه دیگر علت عدم اعتبار قیاس این است که حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است.

۸۳۲- گزینه ۴) اگر هر دو مقدمه قیاس سالبه باشد آن قیاس معتبر نیست؛ زیرا شرط اول معتربودن قیاس این است که حداقل یکی از دو مقدمه موجیه باشد. در سه گزینه اول تمامی سه شرط معتربودن برقرار است؛ اما در ۴) شرط دوم اعتبار قیاس یعنی مثبت‌بودن حد وسط در حداقل یک مقدمه رعایت نشده و حد وسط در هر دو مقدمه منفی است.

۸۳۳- گزینه ۴) شرط دوم اعتبار قیاس این است که حداقل یکی از دو مقدمه موجیه باشد. در سه گزینه اول تمامی سه شرط معتربودن برقرار است؛ اما در ۴) شرط دوم اعتبار قیاس یعنی مثبت‌بودن حد وسط در حداقل یک مقدمه رعایت نشده و حد وسط در هر دو مقدمه منفی است.

۸۳۴- گزینه ۴) شرط دوم اعتبار قیاس این است که حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد؛ بنابراین در شکل سوم حد وسط، که در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم نیز موضوع است نباید در هر دو مقدمه دارای علامت منفی باشد.

۸۳۵- گزینه ۲) شرط دوم اعتبار قیاس، این است که حد وسط در هر دو مقدمه برخی از مصادیق را در بر نگیرد. (حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد) حد وسط در شکل دوم قیاس اقترانی، محمول مقدمه اول و محمول مقدمه دوم است.

۸۳۶- گزینه ۳) شرط سوم اعتبار یک قیاس این است که هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشته باشند، در مقدمات نیز باید علامت مثبت داشته باشند. حال اگر «هیچ الف ج نیست» نتیجه یک قیاس باشد باید (الف) و (ج) در هر دو مقدمه‌ای که آمده‌اند دارای علامت مثبت باشد، که این شرایط تنها در ۳) رعایت شده است. ← هیچ الف ب نیست. / هر ج ب است.

۸۳۷- گزینه ۳) الف) حد وسط در این قیاس «دارای چهار پا» می‌باشد که در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است و در نتیجه قیاس نامعتبر است. ب) به دلیل سالبه بودن هر دو مقدمه، قیاس معتبر نیست.

۸۳۸- گزینه ۴) یکی از مقدمات سالبه است بنابراین نتیجه سالبه خواهد بود (رد ۲). حد وسط در هر دو مقدمه محمول است بنابراین شکل دوم قیاس اقترانی است (رد ۱) از طرف دیگر موضوع مقدمه دوم (حیوان)، علامت منفی دارد بنابراین نباید در نتیجه علامت مثبت داشته باشد (رد ۲).

برخی حیوان‌ها ناطق نیستند - هر انسانی ناطق است. ← برخی حیوان‌ها انسان نیستند. تنها زمانی که علامت موضوع و محمول در نتیجه مثبت باشد، باید علامت آن‌ها در مقدمات نیز مثبت باشد نه این که در همه حالات علامت موضوع و محمول نتیجه با مقدمات یکسان باشد.

۸۳۹- گزینه ۴) «هیچ نشخوارکننده‌ای گوشت‌خوار نیست.» بعضی فیلسوفان دیوانه هستند. / مثبت، مثبت، منفی، منفی

۸۴۰- گزینه ۱) بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) حد وسط در شکل چهارم، در مقدمه اول موضوع است. / ۳) قیاس شکل اول تنها با تغییر جای مقدمات، تبدیل به شکل چهارم نمی‌شود، بلکه نتیجه نیز دستخوش تغییر می‌گردد. / ۴) شرط اول معتربودن قیاس این است که حداقل یکی از دو مقدمه موجیه باشد. قیاس ذکر شده معتبر نیست؛ زیرا شرط سوم اعتبار را ندارد؛ یعنی در حالی که (ج) در نتیجه علامت مثبت دارد؛ در مقدمه علامت منفی دارد و دو شرط دیگر اعتبار قیاس در این جا رعایت شده است.

۸۴۱- گزینه ۴) شکل دوم است؛ زیرا حد وسط در هر دو مقدمه محمول است و معتبر است؛ زیرا سه شرط اعتبار قیاس وجود دارد. اگر یکی از مقدمات قیاس اقترانی سالبه باشد، نتیجه نیز از آن تبعیت می‌کند و نتیجه نیز سالبه است.

۸۴۲- گزینه ۲) اگر یکی از مقدمات قیاس اقترانی سالبه باشد، نتیجه نیز از آن تبعیت می‌کند و نتیجه نیز سالبه است.

۸۴۳- گزینه ۲) اگر یکی از مقدمات قیاس اقترانی سالبه باشد، نتیجه نیز از آن تبعیت می‌کند و نتیجه نیز سالبه است.

۸۴۴- گزینه ۲) اگر یکی از مقدمات قیاس اقترانی سالبه باشد، نتیجه نیز از آن تبعیت می‌کند و نتیجه نیز سالبه است.



که با توجه به تکرار حد وسط، موضوع یا محمول مقدمه دوم باید در مقدمه اول هم باشد که هیچ‌کدام در ۲ نیامده است، اما «فروشی» در ۳ محمول است.

**۸۵۶- گزینه ۴** **بررسی عبارات‌های نادرست:** قانون نتیجه قیاس برای اعتبار یک قیاس لازم است، اما کافی نیست. کیفیت نتیجه در قیاس اقتزانی از این قانون کلی پیروی می‌کند که اگر یکی از مقدمات استدلال سالبه باشد، نتیجه نیز سالبه است. در قیاس شکل دوم، یکی از مقدمه‌ها باید موجه باشد و یکی سالبه باشد؛ چراکه اگر هر دو مقدمه موجه باشند، علامت حد وسط در هر دو مقدمه، منفی خواهد بود.

**۸۵۷- گزینه ۱** در قضیه «انسان حرف جیم ندارد»، موضوع، «واژه انسان» است که یک مفهوم جزئی محسوب می‌شود؛ پس این قضیه، یک قضیه شخصی است. در قضایای شخصی، علامت موضوع (+) است. علامت محمول هم اگر سالبه باشد که در این‌جا هست (+) است.

در ۱ هم موضوع «مجموعه اعداد طبیعی» است که یک مجموعه معین و مشخص است؛ پس مفهوم جزئی است و قضیه شخصی است؛ پس علامت موضوع (+) است و از آن‌جا که قضیه ۱ سالبه است، پس علامت محمول هم (+) است.

بررسی علائم موضوع و محمول در سایر گزینه‌ها: ۲ موضوع: قضیه محصوره است و یک قانون علمی را بیان می‌کند؛ پس سور کلی دارد که اهمال شده است.  $\leftarrow$  (+) محمول: قضیه موجه است  $\leftarrow (-)$  / موضوع: واژه آدمیزاد است، پس قضیه شخصی است.  $\leftarrow (+)$  / محمول: قضیه موجه است.  $\leftarrow (-)$  / موضوع: قضیه محصوره با سور جزئی است.  $\leftarrow (-)$  / محمول: قضیه سالبه است.  $\leftarrow (+)$

**۸۵۸- گزینه ۲** با توجه به گزینه‌ها می‌توان فهمید حد وسط «ب» است، چون هم در صورت سؤال تکرار شده هم در گزینه‌ها و در قضیه بیان شده در صورت سؤال علامت حد وسط یا همان «ب» منفی است و با توجه به شرط دوم اعتبار قیاس، حد وسط در هر دو مقدمه نباید منفی باشد. به همین دلیل تنها گزینه‌ای که حد وسط در آن مثبت است ۲ می‌باشد.

**۸۵۹- گزینه ۳** حد وسط در دو مقدمه تکرار نشده است؛ زیرا محمول مقدمه اول «دارای چوب» است و موضوع مقدمه دوم «چوب» است.

**۸۶۰- گزینه ۲** اگر موضوع و محمول نتیجه دارای علامت منفی باشد نیازی به بررسی علامت آن‌ها در مقدمات نیست و این زمانی اتفاق می‌افتد که نتیجه موجه جزئی باشد.

**۸۶۱- گزینه ۴** شکل چهارم است؛ زیرا براساس موضوع و محمول نتیجه می‌توان گفت: «هیچ راست‌قامتی اسب نیست». مقدمه اول است و «بعضی حیوان‌ها راست‌قامت هستند» مقدمه دوم است و به دلیل این‌که «حیوان» در نتیجه دارای علامت مثبت است و در مقدمات دارای علامت منفی است و شرط سوم اعتبار را ندارد.

**۸۶۲- گزینه ۱** اگر موضوع و محمول یکسان باشد؛ یعنی قضیه یا موجه جزئی است و یا سالبه کلیه از آن‌جا که موجه جزئی متضاد ندارد، سالبه کلیه باقی می‌ماند که متضاد آن موجه کلیه خواهد بود.

**۸۶۳- گزینه ۲** موضوع و محمول نتیجه اگر در مقدمات دارای علامت منفی باشند، قطعاً در نتیجه نیز علامت منفی دارند؛ زیرا اگر موضوع یا محمول نتیجه علامت مثبت داشته باشد باید در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت در صورتی که موضوع و محمول نتیجه در مقدمات علامت منفی داشته باشند در نتیجه نیز قطعاً همه مصادیقشان مورد نظر نیست. یعنی نتیجه این قیاس موجه جزئی است.

**۸۶۴- گزینه ۲** زمانی که حد وسط در یکی از مقدمات دارای علامت منفی است (برخی مصادیق را در بر می‌گیرد) می‌تواند قیاس معتبر باشد؛ زیرا شرط معتبر بودن یک قیاس این است که حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.

**۸۶۵- گزینه ۲** اگر سور قضیه جزئی باشد و کیف موجه باشد موضوع و محمول هر دو دارای علامت منفی خواهند بود، مانند «بعضی الف ب است».

**۸۴۵- گزینه ۳** الف همه شرایط اعتبار را دارد و معتبر است. ب «د» در نتیجه علامت مثبت دارد، اما در مقدمات علامت منفی دارد بنابراین شرط سوم اعتبار را ندارد و نامعتبر است. پ حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد و قیاس نامعتبر است. ت یکی از مقدمات سالبه است، اما نتیجه موجه آمده است، بنابراین از قانون نتیجه قیاس پیروی نکرده و نامعتبر است.

**۸۴۶- گزینه ۲** علامت مثبت داشتن محمول در یکی از مقدمات بدین معناست که یکی از مقدمات سالبه است و طبق قانون نتیجه قیاس اگر یک مقدمه سالبه باشد، نتیجه نیز سالبه است و محمولش دارای علامت مثبت است.

**۸۴۷- گزینه ۳** **بررسی گزینه‌ها:** ۱ هر دو مقدمه قیاس نمی‌توانند سالبه باشند؛ یعنی محمول هر دو مقدمه نمی‌تواند علامت مثبت داشته باشد. ۲ اگر یکی از مقدمات سالبه باشد (محمول دارای علامت مثبت)، نتیجه نیز سالبه است (محمول نتیجه نیز دارای علامت مثبت است). ۳ این‌که حد وسط در یک مقدمه علامت مثبت داشته باشد و در یک مقدمه علامت منفی، ایرادی در اعتبار قیاس ایجاد نمی‌کند. ۴ در شکل اول، موجه بودن مقدمه اول و جزئی بودن مقدمه دوم، بدین معناست که حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است، بنابراین قیاس معتبر نمی‌باشد.

**۸۴۸- گزینه ۲** **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ این مقدمه با مقدمه صورت سؤال هر دو سالبه‌اند. ۲ این مقدمه نیز با مقدمه صورت سؤال هر دو سالبه‌اند. ۳ در نتیجه علامت مثبت دارد، اما در این مقدمه علامت منفی دارد.

**۸۴۹- گزینه ۳** «سلمان فارسی» موضوع این قضیه است که جزئی است، بنابراین قضیه شخصی محسوب می‌شود و موضوع قضایای شخصی دارای علامت مثبت است و از آن‌جایی که قضیه موجه است محمول دارای علامت منفی است.

**۸۵۰- گزینه ۳** «هیچ الف ب نیست». متضاد  $\leftarrow$  هر الف ب است.

**۸۵۱- گزینه ۳** تکرار حد وسط که شرط اول برای نتیجه‌گیری یک قیاس است بدین معناست که حد وسط باید در دو مقدمه به صورت لفظی و معنایی مشترک باشد، اما وقتی حد وسط مشترک لفظی است، یعنی تکرار معنایی حد وسط صورت نگرفته است.

**۸۵۲- گزینه ۴** متداخل قضیه موجه کلی، موجه جزئی است که موضوعش دارای علامت منفی و محمولش نیز دارای علامت منفی است. هر الف ب است.  $\leftarrow$  بعضی الف ب است.

**۸۵۳- گزینه ۲** موجه کلی  $\leftarrow$  عکس مستوی  $\leftarrow$  موجه جزئی سالبه کلی  $\leftarrow$  عکس مستوی  $\leftarrow$  سالبه کلی

در موجه جزئی، علامت موضوع منفی است، و در سالبه کلی علامت موضوع مثبت است (علامت منفی یعنی برخی مصادیق را در بر گیرد و مثبت یعنی همه مصادیق را در بر گیرد).

**۸۵۴- گزینه ۳** حد وسط باید از نظر لفظی و معنایی در هر دو مقدمه تکرار شود. اگر از قیاسی که حد وسط در آن تکرار نشده است (از نظر لفظ و معنا)، نتیجه‌گیری کنیم، دچار مغالطه عدم تکرار حد وسط شده‌ایم.

«بادیه» در مقدمه اول ۳ معنای ظرف می‌دهد و در مقدمه دوم معنای «بیابان و دشت»، پس حد وسط در ۳، از نظر معنایی تکرار نشده است. (علاوه بر این، محمول در مقدمه اول «موجود در بادیه» است و موضوع در مقدمه دوم «بادیه» است.) **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ حد وسط در این گزینه «سیر» به معنای گرسنه‌نبودن است. ۲ حد وسط در این گزینه «سفید» به معنای رنگ سفید است. ۴ حد وسط در این گزینه «شیرین» به معنای اسم خاص دختر است.

**۸۵۵- گزینه ۳** با توجه به قانون نتیجه قیاس، وقتی نتیجه سالبه است، پس حداقل یکی از مقدمه‌ها هم سالبه بوده است. از آن‌جا که مقدمه دوم موجه است، پس حتماً مقدمه اول باید سالبه باشد. به همین دلیل ۱ و ۴ که موجه هستند، نمی‌توانند پاسخ باشند.

از طرفی موضوع مقدمه دوم «جوهرات این مغازه» و محمول آن «فروشی» است

**۸۷۷- گزینه ۲** اگر مقدمه اول را متداخل نماییم، به صورت موجبه جزئیه درخواهد آمد و دو مقدمه قیاس بدین صورت خواهد بود: مقدمه ۱: بعضی الف ب است، مقدمه ۲: هیچ ج ب نیست.

شرط اول اعتبار رعایت شده ← زیرا یک مقدمه موجبه است.  
شرط دوم اعتبار رعایت شده ← زیرا «ب» (حد وسط) در مقدمه دوم علامت مثبت دارد (رد ۱).

شرط سوم در صورتی رعایت می‌شود که ← نتیجه سالبه جزئیه باشد، زیرا یک مقدمه سالبه است، پس نتیجه نیز باید سالبه باشد و از طرف دیگر موضوع نتیجه (الف) باید علامت منفی داشته باشد، زیرا «الف» در مقدمه اول علامت منفی دارد، بنابراین نتیجه قیاس باید جزئیه باشد (رد ۴).

در متداخل نمودن مقدمه اول، جای موضوع و محمول تغییر نمی‌کند، بنابراین در قیاس جدید نیز حد وسط در هر دو مقدمه محمول است و باز هم با قیاس اقرانی شکل دوم مواجه هستیم (رد ۳).

**۸۷۸- گزینه ۴** به دلیل آن که «ب» در مقدمه وجود دارد، اما در نتیجه حذف شده، «ب» حد وسط خواهد بود؛ بنابراین باید در مقدمه دوم نیز حضور داشته باشد (رد ۳) و از آن جایی که مقدمه اول سالبه است، مقدمه دوم نمی‌تواند سالبه باشد (رد ۲) اما دلیل کلی بودن مقدمه دوم آن است که براساس جایگاه حد وسط یعنی «ب» قیاس شکل دوم است و موضوع مقدمه دوم محمول نتیجه خواهد و از طرفی چون نتیجه سالبه است و محمول نتیجه دارای علامت مثبت است موضوع مقدمه دوم نیز باید علامت مثبت داشته باشد؛ بنابراین سورش کلی است (رد ۱).

**۸۷۹- گزینه ۳** حد وسط در دو مقدمه به درستی تکرار شده است و شرط اول و دوم اعتبار قیاس نیز وجود دارد اما به دلیل آن که یکی از مقدمات سالبه است نتیجه نیز سالبه خواهد بود؛ یعنی محمول نتیجه دارای علامت مثبت است و باید در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشد ولی «حیوان» که محمول نتیجه است در مقدمه دوم دارای علامت منفی است و شرط سوم اعتبار وجود ندارد.

**۸۸۰- گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها: ۱ این قیاس شرط اول و دوم اعتبار را دارد، اما اگر نتیجه نقیض شود (بعضی ج الف است. تناقض ← هیچ ج الف نیست.) دیگر شرط سوم اعتبار وجود نخواهد داشت؛ زیرا «ج» در نتیجه علامت مثبت دارد، اما در مقدمات علامت منفی دارد. / ۲ هر دو مقدمه سالبه است و شرط اول اعتبار را ندارد. با تغییر در نتیجه تفاوتی در شرط اول حاصل نمی‌شود. / ۳ دو شرط اول و دوم اعتبار قیاس را دارد و اگر نتیجه نقیض شود (هر ب ج است. تناقض ← بعضی ب ج نیست)، شرط سوم اعتبار را نیز خواهد داشت و قانون نتیجه قیاس نیز رعایت شده و قیاس معتبر خواهد بود. / ۴ حد وسط «ب» در هر دو مقدمه علامت منفی دارد و شرط دوم اعتبار قیاس رعایت نشده است. با تغییر نتیجه تفاوتی در شرط دوم اعتبار قیاس حاصل نمی‌شود.

**۸۸۱- گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها: ۱ «د» در نتیجه علامت مثبت دارد، اما در مقدمات علامت منفی دارد (عدم رعایت شرط سوم اعتبار). / ۲ اگر «د» موضوع نتیجه و «ب» محمول نتیجه باشد، شکل چهارم خواهد بود علاوه بر این که قانون نتیجه‌گیری نیز رعایت نشده است. / ۳ قانون نتیجه قیاس رعایت نشده است و با وجود، سالبه بودن یکی از مقدمات نتیجه موجبه آمده است. / ۴ اگر «د» موضوع نتیجه و «ب» محمول نتیجه باشد، شکل چهارم است و شرایط اعتبار نیز رعایت شده است.

**۸۸۲- گزینه ۲** حد وسط در هر دو مقدمه شکل دوم، محمول است و از آن جایی که حد وسط در هر دو مقدمه نمی‌تواند علامت منفی داشته باشد قطعاً یکی از مقدمات سالبه خواهد بود و طبق قانون نتیجه‌گیری قیاس، در صورت وجود یک مقدمه سالبه نتیجه نیز سالبه خواهد بود.

**۸۸۳- گزینه ۳** محمول نتیجه اگر علامت منفی داشته باشد نیازی به بررسی آن در مقدمات نیست؛ بنابراین نتیجه باید موجبه باشد و موجبه بودن نتیجه زمانی اتفاق می‌افتد که هر دو مقدمه موجبه باشند؛ یعنی محمول هر دو مقدمه علامت منفی دارد و هیچ‌یک دارای علامت مثبت نیستند.

**۸۶۶- گزینه ۱** شرط سوم اعتبار یک قیاس آن است که اگر موضوع یا محمول در نتیجه علامت مثبت داشتند در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند. در صورت سؤال محمول نتیجه یعنی (ج) دارای علامت مثبت است؛ پس اگر در مقدمات علامت منفی داشته باشد قیاس معتبر نخواهد بود و در قضیه ۱ «بعضی ج د است»، (ج) دارای علامت منفی است؛ زیرا سورش قضیه جزئی می‌باشد.

**۸۶۷- گزینه ۳** در قضایای شخصی همیشه همه مصادیق موضوع (که یک فرد یا جمع مشخص است.) مورد نظر هستند و در قضایای موجبه همیشه برخی مصادیق محمول مد نظر هستند.

**۸۶۸- گزینه ۲** از آن جایی که شرط اول و دوم قیاس و قانون نتیجه در هر چهار گزینه رعایت شده است باید به سراغ شرط سوم اعتبار برویم با توجه به این که در نتیجه «الف» دارای علامت منفی و «ج» دارای علامت مثبت است. تنها باید «ج» را در گزینه‌ها بررسی نماییم و مقدمه‌ای که «ج» در آن علامت منفی داشته باشد نمی‌تواند مقدمه این قیاس باشد و پاسخ تست خواهد بود. در ۲ از آن جایی که «ج» موضوع مقدمه‌ای است که سورش جزئی است دارای علامت منفی می‌باشد.

**۸۶۹- گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها: ۱ قیاس شکل سوم است؛ زیرا حد وسط در دو قضیه موضوع است. / ۲ قیاس شکل دوم است؛ اما معتبر می‌باشد. / ۳ قیاس شکل سوم است. / ۴ قیاس شکل دوم است و معتبر نیست؛ زیرا حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است.

**۸۷۰- گزینه ۲** قیاس شکل سوم است؛ زیرا حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است و معتبر نیست؛ زیرا هر دو مقدمه سالبه هستند و شرط اول معتبر بودن قیاس را ندارد.

**۸۷۱- گزینه ۳** بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ در شکل سوم، حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است، بنابراین در صورت جزئی بودن هر دو مقدمه، موضوع در هر دو مقدمه دارای علامت منفی خواهد بود و شرط دوم اعتبار قیاس برقرار نیست. / ۲ طبق شرایط بیان شده، حد وسط در هر دو مقدمه منفی خواهد بود و شرط دوم اعتبار برقرار نیست. / ۴ در این صورت هر دو مقدمه سالبه است و شرط اول اعتبار برقرار نیست.

**۸۷۲- گزینه ۴** سالبه کلیه متضاد ← موجبه کلیه نقیض ← سالبه جزئیه در سالبه جزئیه، موضوع دارای علامت منفی و محمول دارای علامت مثبت است.

**۸۷۳- گزینه ۳** از آن جایی که حد وسط در مقدمات شکل دوم، محمول است؛ بنابراین هر دو مقدمه نمی‌تواند موجبه باشد، زیرا در این صورت هر دو حد وسط دارای علامت منفی خواهند بود، اما در اشکال دیگر قیاس اقرانی ممکن است هر دو مقدمه موجبه باشد.

**۸۷۴- گزینه ۲** از آن جایی که «د» محمول نتیجه است؛ بنابراین قضیه «هر د الف است» مقدمه دوم خواهد بود و مقدمه‌ای که مورد خواست صورت سؤال است مقدمه اول خواهد بود و در شکل چهارم حد وسط در مقدمه اول، موضوع است (رد ۴) و از آن جایی که نتیجه موجبه است نشان می‌دهد، هر دو مقدمه نیز موجبه خواهند بود (رد ۳) و از طرف دیگر چون «الف» که حد وسط است در مقدمه دوم دارای علامت منفی است باید در مقدمه اول علامت مثبت داشته باشد یعنی سورش مقدمه اول باید کلی باشد (رد ۱).

**۸۷۵- گزینه ۳** در تمامی استدلال‌های ذکر شده شرط اول و دوم اعتبار رعایت شده است، اما شرط سوم اعتبار در ۳ رعایت نشده است، زیرا به دلیل سالبه بودن یکی از مقدمات نتیجه نیز سالبه خواهد بود؛ یعنی محمول نتیجه دارای علامت مثبت است، اما «ب» در مقدمه دوم (که همان محمول نتیجه است) دارای علامت منفی است؛ بنابراین شرط سوم اعتبار رعایت نشده است.

**۸۷۶- گزینه ۳** در هیچ قیاس معتبری هر دو مقدمه سالبه نیست (رد ۱) و ۲) و به دلیل آن که یکی از مقدمات سالبه است نتیجه نیز سالبه خواهد بود، یعنی محمول نتیجه دارای علامت مثبت است و باید در مقدمات نیز مثبت باشد و از آن جایی که قیاس شکل دوم است محمول نتیجه، موضوع مقدمه دوم است؛ بنابراین موضوع مقدمه دوم باید علامت مثبت داشته و قضیه سورش کلی داشته باشد (رد ۴).

**۸۸۴- گزینه ۴** عبارت «همهٔ مصادیق محمول یکی از مقدمات آن مورد نظر است.» به این معنا است که «یکی از مقدمات این قیاس دارای نسبت سالبه است و محمولش علامت مثبت دارد».

**بررسی گزینه‌ها:** ۱ وقتی یک مقدمه سالبه است، مقدمهٔ دیگر نمی‌تواند سالبه باشد. ۲ سالبه بودن یک مقدمه، علامت محمول آن مقدمه را معین می‌کند نه علامت موضوع را. ۳ براساس سالبه بودن یک مقدمه نمی‌توان شکل آن قیاس را تشخیص داد. ۴ از آن جایی که یک مقدمه سالبه است، براساس قانون نتیجهٔ قیاس مشخص می‌گردد نتیجهٔ نیز سالبه است و محمول نتیجه دارای علامت مثبت خواهد بود.

**۸۸۵- گزینه ۳** به دلیل منفی نبودن هر دو حد وسط، یکی از مقدمات شکل دو حتماً سالبه است؛ بنابراین نتیجهٔ شکل دو نیز حتماً سالبه است و در این صورت محمول نتیجه علامت مثبت دارد و باید موضوع مقدمهٔ دوم که همان محمول نتیجه است علامت مثبت داشته و این مقدمه کلی باشد.

**نکته:** یکی از مقدمات شکل دو حتماً سالبه است و نتیجهٔ آن نیز حتماً سالبه است.

**۸۸۶- گزینه ۳** در شکل اول قیاس، موضوع مقدمهٔ اول همان موضوع نتیجه است و محمول مقدمهٔ دوم همان محمول نتیجه است. به دلیل آن که نتیجه سالبه کلیه است و موضوع و محمول نتیجه علامت مثبت دارد باید موضوع مقدمهٔ اول و محمول مقدمهٔ دوم نیز علامت مثبت داشته باشند تا شرط سوم اعتبار قیاس رعایت شده باشد.

**۸۸۷- گزینه ۱** موجه کلیه بودن نتیجه، بدین معناست که هر دو مقدمه موجه هستند و موضوع نتیجه نیز دارای علامت مثبت و باید در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشد.

در شکل دوم، برای این که یکی از حد وسطها علامت مثبت داشته باشد باید یکی از مقدمات سالبه باشد؛ بنابراین نتیجه نیز سالبه است.

در شکل سوم، اگر هر دو مقدمه موجه باشد بدین معناست که محمول هر دو مقدمه دارای علامت منفی است؛ بنابراین محمول مقدمهٔ اول که همان، موضوع نتیجه است دارای علامت منفی خواهد بود و شرط سوم اعتبار رعایت نمی‌شود.

در شکل چهارم نیز از آن جا که هر دو مقدمه موجه است محمول مقدمهٔ اول که همان موضوع نتیجه است، دارای علامت منفی است و شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نشده است.

**نکته:** نتیجهٔ موجه کلیه فقط در شکل اول قیاس اقتزانی ممکن است اتفاق بیفتد.

**۸۸۸- گزینه ۴** مقدمه‌ای که محمول نتیجه در آن است مقدمهٔ اول است و مقدمه‌ای که محمول نتیجه در آن است مقدمهٔ دوم است.

**الف)** مقدمهٔ اول: هر الف ب است. / مقدمهٔ دوم: هر ب ج است. ← شکل اول

محمول موضوع

**ب)** مقدمهٔ اول: هیچ غیر ب غیر د نیست.

محمول

مقدمهٔ دوم: هر غیر الف غیر د است. ← شکل دوم

محمول

**پ)** مقدمهٔ اول: بعضی ب ج است.

موضوع

مقدمهٔ دوم: هیچ الف ب نیست. ← شکل چهارم

محمول

تعیین شکل قیاس تنها براساس جایگاه حد وسط است.

**۸۸۹- گزینه ۱** از آن جایی که «ب» محمول نتیجه است مقدمهٔ ذکر شده در صورت استدلال مقدمهٔ دوم است و مقدمهٔ خواسته شده، مقدمهٔ اول است (رد ۳) و از آن جایی که مقدمهٔ دوم سالبه است مقدمهٔ اول نمی‌تواند سالبه باشد و محمول آن علامت مثبت ندارد (رد ۴) و از طرفی حد وسط در این قیاس «ج» است، زیرا در مقدمه آمده، اما در نتیجه نیامده است، بنابراین «ج» باید در هر دو مقدمه تکرار شود (رد ۲).

**۸۹۰- گزینه ۲** **بررسی گزینه‌ها:** ۱ شرط اول و سوم اعتبار قیاس را ندارد. ۲ فقط شرط دوم اعتبار قیاس را ندارد. ۳ شرط اول و دوم اعتبار قیاس را ندارد. ۴ همهٔ شرایط اعتبار قیاس را دارد و معتبر است.

**۸۹۱- گزینه ۴** برای این که بتوانیم با دو قضیهٔ ذکر شده یک قیاس تشکیل دهیم، باید هر دو قضیه صادق باشند. بنابراین با متناقض نمودن قضیهٔ «هیچ ج ب نیست» آن را صادق می‌نماییم؛ هیچ ج ب نیست (کاذب) متناقض ← بعضی ج ب است (صادق). مقدمات قیاس بدین صورت خواهد بود: ۱- بعضی ج ب است. ۲- هیچ ج د نیست.

از آن جایی که یک مقدمه سالبه است نتیجه سالبه خواهد بود و موضوع نتیجه (ب) نیز باید علامت منفی داشته باشد، زیرا «ب» در مقدمات علامت منفی دارد. بنابراین نتیجه سالبه جزئی خواهد بود و قیاس معتبر بدین صورت شکل می‌گیرد:

۱- بعضی ج ب است (صادق).

۲- هیچ ج د نیست (صادق).

∴ بعضی ب د نیست (صادق).

برای به دست آوردن قضیه‌ای قطعاً کاذب، نتیجه را نقیض می‌نماییم. بعضی ب د نیست (صادق) متناقض ← هر ب د است (کاذب).

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ متضاد «هیچ ج ب نیست» می‌باشد و چون قضیهٔ اصلی کاذب است، صدق و کذب قضیهٔ ذکر شده مشخص نیست. ۲ نتیجهٔ قیاس است و صادق خواهد بود. ۳ بعضی ب د نیست (صادق) متداخل ← هیچ ب د نیست (غیر قابل تشخیص).

**۸۹۲- گزینه ۱** موضوع منفی و محمول مثبت، یعنی مقدمهٔ دوم سالبه جزئی است. از آن جایی که دو مقدمه در قیاس معتبر نمی‌تواند سالبه باشد، پس مقدمهٔ اول موجه است و از آن جایی که حد وسط در شکل سوم در هر دو مقدمه موضوع است حداقل یکی از مقدمات باید کلیه باشد تا شرط دوم اعتبار رعایت شده باشد؛ در نتیجه مقدمهٔ اول موجه کلیه است و موضوع آن دارای علامت مثبت و محمول دارای علامت منفی است.

**۸۹۳- گزینه ۱** قیاس اولیه را به صورت زیر می‌نویسیم:

بعضی الف ب نیست

هر ج ب است.

∴ بعضی الف ج نیست.

◇ با عکس مستوی نمودن مقدمهٔ دوم، قیاس جدید را می‌نویسیم.

«هر ج ب است.» ← عکس مستوی «بعضی ب ج است.»

قیاس جدید:

بعضی الف ب نیست.

بعضی ب ج است.

∴ بعضی الف ج نیست.

از آن جایی که حد وسط در مقدمهٔ اول، محمول و در مقدمهٔ دوم، موضوع است، این قیاس شکل اول است؛ به دلیل آن که شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نشده است («ج» در نتیجه علامت مثبت دارد و در مقدمه علامت منفی)، قیاس نامعتبر است.

**۸۹۴- گزینه ۴** براساس عبارت مطرح شده در ۴، قیاس زیر تشکیل می‌شود:

بعضی الف ب است.

قانون نتیجهٔ قیاس و سه شرط اعتبار قیاس رعایت شده است؛ بنابراین قیاس معتبر است.

∴ بعضی ب د نیست.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

بعضی الف ب است.

شرط دوم اعتبار قیاس را ندارد (حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.) و نامعتبر است.

بعضی ب ج است.

∴ بعضی الف ج است.

**۸۹۸- گزینه ۲)** در این قیاس حد وسط به درستی تکرار نشده است؛ زیرا «از هیچ چیز بهتر» محمول مقدمه اول است و «چیز» موضوع مقدمه دوم است که هیچ سور آن می‌باشد؛ در نتیجه حد وسط در دو مقدمه تکرار نشده است و مغالطه عدم تکرار حد وسط رخ داده است.

**۸۹۹- گزینه الف)** هر دو مقدمه موجه است؛ بنابراین نتیجه نیز موجه است و از آنجایی که «الف» در مقدمه اول علامت منفی دارد، برای اعتبار قیاس باید در نتیجه نیز علامت منفی داشته باشد؛ یعنی سور جزئی باشد ← بعضی الف ج است. (ب) یکی از مقدمات سالبه است؛ بنابراین نتیجه نیز سالبه است و از آنجایی که «ج» در مقدمه اول دارای علامت منفی است، در نتیجه نیز باید علامت منفی داشته باشد و سور نتیجه جزئی باشد ← بعضی ج ب نیست.

**۹۰۰- گزینه ۴)** قاعده ذکر شده در صورت سؤال صحیح نمی‌باشد؛ زیرا بیان می‌دارد که موضوع و محمول نتیجه اگر در مقدمات علامت مثبت داشته باشند در نتیجه نیز حتماً علامت مثبت دارند و این با شرط سوم اعتبار متفاوت است. با این توجه برای مثال نقض قاعده ذکر شده باید به دنبال قیاس معتبری باشیم که موضوع یا محمول نتیجه در مقدمات علامت مثبت دارند، اما در نتیجه علامت منفی دارند.

**بررسی گزینه‌ها: ۱)** «الف» در نتیجه و مقدمات علامت منفی دارد. «ج» در نتیجه و مقدمات علامت مثبت دارد. «د» و «ب» در نتیجه و مقدمات علامت منفی دارند. «الف» در نتیجه و مقدمات علامت منفی دارد. «ب» در نتیجه و مقدمات علامت مثبت دارد. «ج» در مقدمات علامت مثبت دارد، اما در نتیجه علامت منفی دارد و همین مورد مثال نقض قاعده ذکر شده است.

**۹۰۱- گزینه ۲)** اگر محمول در مقدمه اول علامت مثبت داشته باشد، بدین معناست که مقدمه اول سالبه است؛ بنابراین نتیجه نیز سالبه است و محمول نتیجه علامت مثبت خواهد داشت و باید در مقدمه دوم نیز علامت مثبت داشته باشد. یعنی محمول مقدمه دوم باید علامت مثبت داشته باشد که در این صورت مقدمه دوم نیز سالبه خواهد بود و به دلیل سالبه بودن هر دو مقدمه قیاس نامعتبر است. مثال این قیاس نامعتبر به این صورت است:

۱- الف ب نیست.	۲- الف ج نیست.
ب ج نیست.	ب ج است.
∴ الف ج نیست.	∴ الف ج نیست.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در صورت سالبه بودن مقدمه اول، اگر مقدمه دوم سالبه باشد هر دو مقدمه سالبه خواهند بود و اگر مقدمه دوم موجه باشد شرط سوم اعتبار در مورد «ج» رعایت نشده است.

**نکته:** برای معتبر بودن قیاس اقترانی شکل اول، مقدمه اول حتماً باید موجه باشد.

**۹۰۲- گزینه ۴)** در این قیاس اشتراک حد وسط رخ نداده است؛ زیرا موضوع مقدمه اول «من» و محمول آن «به تو بدبین» است و موضوع مقدمه دوم «تو» و محمول آن «به برادر من بدبین» است، بنابراین هیچ عامل مشترکی میان دو مقدمه وجود ندارد و عدم تکرار حد وسط که یکی از انواع مغالطات است رخ داده است.

**۹۰۳- گزینه الف)** عدم تکرار حد وسط، زیرا محمول مقدمه اول «از اکسیژن و هیدروژن» است، اما موضوع مقدمه دوم «اکسیژن و هیدروژن» است. (ب) عدم تکرار حد وسط، زیرا «هیچ» در مقدمه اول محمول است، اما «چیز» در مقدمه دوم موضوع است و هیچ سور می‌باشد نه موضوع. (پ) عدم تکرار حد وسط، زیرا «از فقر به فساد کشیده شدن» محمول مقدمه اول است و «فقر» موضوع مقدمه دوم است. (ت) عدم تکرار حد وسط، زیرا «ترسان از مرگ» محمول مقدمه اول است و «مرگ» موضوع مقدمه دوم است.

**۹۰۴- گزینه ۱)** در شکل اول و چهارم براساس این که نتیجه چه باشد مقدمه اول و دوم عوض می‌گردد؛ زیرا مقدمه اول، مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه در آن باشد و مقدمه دوم، مقدمه‌ای است که محمول نتیجه در آن باشد، اما در شکل

هیچ ب د نیست.  
 $\ominus$   
**۲) بعضی الف ب است.**  
 $\oplus$   
 ∴ بعضی د الف نیست  
 بعضی الف ب است.  
**۳) هر ب ج است.**  
 ∴ بعضی الف ج نیست.

شرط سوم اعتبار قیاس را ندارد («الف» در نتیجه علامت مثبت دارد اما در مقدمات علامت منفی دارد)؛ بنابراین قیاس نامعتبر است.  
 قانون نتیجه قیاس در این استدلال رعایت نشده است؛ بنابراین نامعتبر است.

**۸۹۵- گزینه ۲)** با توجه به اطلاعات صورت سؤال حد وسط «پرنده» است و چیزی که از مقدمه اول در نتیجه آمده «بی‌مه‌ره» می‌باشد.  
**بررسی گزینه‌ها: ۱)** اگر این گزینه مقدمه اول باشد، شرط سوم رعایت می‌شود، چون «پروازکننده» در مقدمه دوم و «بی‌مه‌ره» در مقدمه اول مثبت می‌شوند، اما شرط دوم رعایت نمی‌شود، چرا که حد وسط یا همان «پرنده» در هر دو مقدمه منفی می‌شود. / **۲)** اگر این گزینه به عنوان مقدمه اول باشد، تمام شروط رعایت می‌شود، به جز شرط سوم، چرا که «بی‌مه‌ره» در نتیجه مثبت است، اما در این مقدمه منفی است. / **۳)** اگر این گزینه به عنوان مقدمه اول باشد، علاوه بر شرط سوم قانون نتیجه قیاس هم رعایت نشده، چرا که هر دو مقدمه موجه می‌شوند، اما نتیجه سالبه شده است. / **۴)** اگر این گزینه مقدمه اول باشد، قیاس معتبر می‌شود.

**۸۹۶- گزینه ۲)** ابتدا باید بدانیم که هر دو مقدمه باید صادق باشد، پس در قدم اول «بعضی غیر الف غیر ج است» را نقیض می‌کنیم تا به قضیه صادق آن برسیم که می‌شود «هیچ غیر الف غیر ج نیست»، اما این قضیه حد وسطی با قضیه صورت سؤال ندارد و باید «غیر» را از آن حذف کنیم. تنها رابطه‌ای که در آن، قضیه «هیچ غیر الف غیر ج نیست» صادق است رابطه تباین است.

وقتی در تباین یک طرف را نقیض کنیم، مثلاً «غیر الف» را به «الف» تبدیل کنیم، رابطه «الف» با «غیر ج» یا تساوی می‌شود یا عموم و خصوص مطلق.

اگر رابطه «الف» با «غیر ج» تساوی باشد، قضایای صادق آن عبارت‌اند از: **۱- هر الف غیر ج است. ۲- هر غیر ج الف است. ۳- بعضی الف غیر ج است. ۴- بعضی غیر الف است.**

اگر رابطه «الف» با «غیر ج» مطلق باشد، به شرطی که «الف» < «غیر ج» باشد، قضایای صادق آن عبارت‌اند از: **۱- هر غیر ج الف است. ۲- بعضی غیر ج الف است. ۳- بعضی الف غیر ج است. ۴- بعضی الف غیر ج نیست.**

اگر رابطه «الف» با «غیر ج» مطلق باشد، به شرطی که «الف» > «غیر ج» باشد، قضایای صادق آن عبارت‌اند از: **۱- هر الف غیر ج است. ۲- بعضی الف غیر ج است. ۳- بعضی غیر ج الف است. ۴- بعضی غیر ج الف نیست.**

میان این روابط، قضایای «بعضی الف غیر ج است» و «بعضی غیر ج الف است» مشترک است.

حال با توجه به این مقدمات، این قیاس‌ها تشکیل می‌شود:

۱- هر الف ب است.	۲- بعضی الف غیر ج است.
بعضی الف غیر ج است.	هر الف ب است.
∴ بعضی ب غیر ج است.	∴ بعضی غیر ج ب است.
۳- هر الف ب است.	۴- بعضی غیر ج الف است.
بعضی غیر ج الف است.	هر الف ب است.
∴ بعضی ب غیر ج است.	∴ بعضی غیر ج ب است.

**۸۹۷- گزینه ۲)** همه قیاس‌های ذکر شده شرط اول و دوم اعتبار قیاس را دارند، اما در **۲)** از آنجایی که به دلیل سالبه بودن یکی از مقدمات نتیجه نیز سالبه خواهد بود، محمول نتیجه که «ب» خواهد بود دارای علامت مثبت است و باید در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشد، اما دارای علامت منفی است و به همین دلیل قیاس مذکور در **۲)** نامعتبر است.

دوم به دلیل این که حد وسط در هر دو مقدمه محمول است و در شکل سوم حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است، نتیجه هر چه باشد شکل تغییر نمی‌کند. ۲ و ۴، شکل دوم است و ۳، شکل سوم است. اما ۱ براساس نتیجه، شکل اول یا چهارم بودنش معلوم می‌گردد.

**۹۰۵- گزینه ۲»** به دلیل آن که مقدمه دوم، سالبه است؛ بنابراین مقدمه اول باید موجهه باشد و از آن جایی که حد وسط یعنی «ب» در مقدمه دوم علامت منفی دارد باید در مقدمه اول علامت مثبت داشته باشد؛ یعنی مقدمه اول باید کلیه باشد تا حد وسط در حداقل یک مقدمه علامت مثبت داشته باشد. در نتیجه مقدمه اول موجهه کلیه است بدین صورت: «هر ب ج است.»

هر ب ج است ← عکس ← بعضی ج ب است. متناقض ← هیچ ج ب نیست.

**۹۰۶- گزینه ۳»** به دلیل آن که قیاس شکل چهارم است، حد وسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول است بنابراین موضوع نتیجه «ب» و محمول نتیجه «ج» است. از آن جایی که «ب» در مقدمه اول دارای علامت منفی است برای رعایت شرط سوم اعتبار نباید در نتیجه دارای علامت مثبت باشد و از طرف دیگر به دلیل سالبه بودن یکی از مقدمات، نتیجه نیز سالبه است و نتیجه به این صورت خواهد بود، «بعضی ب ج نیست.» که موضوع دارای علامت منفی و محمول دارای علامت مثبت است.

**۹۰۷- گزینه ۲»** بررسی گزینه‌ها: ۱ حد وسط در این مقدمات «الف»

است و از آن جایی که در همه مقدمات حد وسط علامت منفی دارد هیچ قیاس معتبری میان آن‌ها برقرار نخواهد بود. ۲ هر کدام از قضایای این گزینه دو به دو می‌توانند قیاس اقترانی معتبر بسازند. ۳ همه قضایا در این گزینه سالبه است و هیچ‌کدام با یکدیگر نمی‌توانند قیاس اقترانی معتبر بسازند. ۴ قضیه دوم و سوم به دلیل سالبه بودن نمی‌توانند با یکدیگر قیاس معتبر بسازند. قضیه اول و سوم به دلیل آن که حد وسط یعنی «ب» در هر دو مقدمه علامت منفی دارد نمی‌توانند قیاس معتبر بسازند و فقط میان قضیه اول و دوم می‌توان قیاس معتبر ساخت که در این صورت تعداد قیاس‌های معتبر در این گزینه، کم‌تر از ۲ می‌باشد.

**۹۰۸- گزینه ۱»** بررسی گزینه‌ها: ۱ همه شرایط اعتبار در این قیاس

وجود دارد به جز این که به دلیل سالبه بودن یکی از مقدمات، نتیجه نیز باید سالبه باشد که با متضاد نمودن نتیجه این اتفاق می‌افتد و قیاسی معتبر می‌گردد. ۲ به دلیل سالبه بودن یکی از مقدمات، نتیجه نیز باید سالبه باشد، پس نباید نتیجه را متضاد نماییم. ۳ هر دو مقدمه قیاس سالبه است؛ بنابراین بدون توجه به نتیجه می‌توان گفت این قیاس معتبر نیست. ۴ حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد؛ بنابراین بدون توجه به نتیجه می‌توان گفت این قیاس معتبر نیست.

**۹۰۹- گزینه ۳»** نتیجه دارای موضوع و محمول با علامت منفی است؛ یعنی

نتیجه موجهه جزئی است؛ بنابراین هر دو مقدمه باید موجهه باشند (رد ۲ و ۴) اما در ۱ نتیجه می‌تواند موجهه کلی باشد در حالی که در ۳ نتیجه نمی‌تواند موجهه کلیه باشد، بلکه باید موجهه جزئی باشد؛ زیرا اگر موجهه کلیه باشد، موضوع نتیجه که «ب» است در این صورت علامت مثبت خواهد داشت در حالی که در مقدمه اول دارای علامت منفی است. پس برای رعایت شرط سوم اعتبار نتیجه قیاس ۳ باید موجهه جزئی باشد.

**۹۱۰- گزینه ۱»** متضادداشتن دو مقدمه به این معناست که هر دو مقدمه

جزئی است و در یکی از ذره‌بین‌های درس‌نامه بیان شد که اگر هر دو مقدمه جزئی باشد قیاس نامعتبر است و دلیل این نامعتبر بودن آن است که اگر هر دو مقدمه جزئی باشد در هر یک از شکل‌ها حداقل یکی از شرایط اعتبار رعایت نمی‌شود.

**۹۱۱- گزینه ۴»** با نقیض نمودن این دو قضیه کاذب به دو قضیه صادق

خواهیم رسید که می‌توانیم با آن‌ها قیاسی معتبر تشکیل دهیم و چون دو مقدمه صادق است و قیاس معتبر است، نتیجه نیز صادق خواهد بود.

بعضی الف ج است (کاذب). تناقض ← هیچ الف ج نیست (صادق).

بعضی ب ج نیست (کاذب). تناقض ← هر ب ج است (صادق).

هر ب ج است.

هیچ الف ج نیست.

∴ هیچ ب الف نیست.

**بررسی سایر گزینه‌ها: ۱** در قیاس تشکیل شده یکی از مقدمات سالبه

است، بنابراین نتیجه نیز سالبه خواهد بود. علاوه بر این چون «هیچ ب الف نیست.» صادق است نقیض آن یعنی «بعضی ب الف است» کاذب خواهد بود. ۲ بعضی

ب ج نیست (کاذب). تداخل ← هیچ ب ج نیست (کاذب). ۳ بعضی الف ج است (کاذب). تداخل ← هر الف ج است (کاذب).

**۹۱۲- گزینه ۴»** دلیل نامعتبر بودن این قیاس این است که «ج» در نتیجه

دارای علامت مثبت است، اما در مقدمات دارای علامت منفی است.

از طرفی نمی‌توان «ج» را در مقدمات دارای علامت مثبت نمود؛ زیرا در این صورت مقدمه اول سالبه می‌گردد و هر دو مقدمه سالبه خواهد بود.

بنابراین برای معتبرگرداندن قیاس باید موضوع نتیجه را دارای علامت منفی نمود و برای این کار باید نتیجه را متداخل نماییم.

هیچ ج ب نیست متداخل ← بعضی ج ب نیست.

**۹۱۳- گزینه ۳»** قضیه هیچ ج الف نیست (کاذب) را متناقض می‌نماییم تا

قضیه‌ای صادق به دست آوریم.

هیچ ج الف نیست (کاذب). تناقض ← بعضی ج الف است (صادق).

حال با دو قضیه صادق یک قیاس اقترانی بدین صورت ساخته می‌شود:

بعضی ج الف است.

هر الف ب است.

∴ بعضی ج ب است.

از آن جایی که دو مقدمه موجهه است، نتیجه نیز باید موجهه باشد و به دلیل علامت منفی «ج» در مقدمات، در نتیجه نیز باید علامت منفی داشته باشد تا قیاس معتبر باشد.

**۹۱۴- گزینه ۲»** با این دو قضیه یک قیاس اقترانی بدین صورت ساخته

می‌شود:

هر ج ب است.

هیچ غیر الف ب نیست.

∴ هیچ ج غیر الف نیست.

البته «بعضی ج غیر الف نیست» نیز صادق می‌باشد، اما در گزینه‌ها وجود ندارد.

**بررسی سایر گزینه‌ها: موضوع نتیجه «الف» آمده در حالی که آن‌چه در یکی**

از مقدمات آمده است «غیر الف» است (رد ۱).

چون یکی از مقدمات سالبه است، نتیجه نیز باید سالبه باشد (رد ۳ و ۴).

**۹۱۵- گزینه ۱»** بررسی گزینه‌ها: ۱ همه شرایط اعتبار صورت قیاس

در این قیاس وجود دارد هر چند محتوای مقدمه دوم غلط است، اما شرایط اعتبار صورت قیاس وجود دارد. ۲ در این قیاس حد وسط به درستی تکرار نشده است. ۳ «سفید» که حد وسط است در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.

۴ «حیوان» که حد وسط است در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.

**۹۱۶- گزینه ۱»** بررسی گزینه‌ها: ۱ همه شرایط اعتبار را دارد.

۲ شرط ۳ برقرار نیست، چون ب در نتیجه مثبت و در مقدمه منفی است.

۳ قانون کیفیت نتیجه رعایت نشده است. ۴ شرط ۳ برقرار نیست، چون ج در نتیجه مثبت و در مقدمه منفی است.

**۹۱۷- گزینه ۳»** قیاس ۳ همه شرایط اعتبار را دارد.

**بررسی سایر گزینه‌ها: ۱** حد وسط در هر دو مقدمه منفی است، بنابراین

شرط دوم اعتبار رعایت نشده است. ۲ و ۴ «الف» در نتیجه مثبت است و در مقدمه منفی است، بنابراین شرط سوم اعتبار نقض شده است.

**۹۱۸- گزینه ۱»** طبق قانون کیفیت نتیجه، وقتی نتیجه موجهه است، هر دو

مقدمه باید موجهه باشند تا قیاس معتبر باشد. تنها ۱ موجهه است.



**۹۲۵- گزینه ۴** نقیض یکی از مقدمات قیاس «هر الف م است» می‌باشد؛ بنابراین یکی از مقدمات قیاس «بعضی الف م نیست» می‌باشد. «هر الف م است» نقیض «بعضی الف م نیست»؛ بنابراین «الف» در مقدمه علامت منفی دارد و با توجه به شرط سوم اعتبار قیاس اقترانی نباید در نتیجه علامت مثبت داشته باشد. (باید «الف» در نتیجه علامت منفی داشته باشد).

«الف» تنها در **۴** علامت منفی دارد و در سایر گزینه‌ها دارای علامت مثبت است.

**۹۲۶- گزینه ۲** به قضایایی که در آن به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم شود، قضیه شرطی می‌گویند. قضیه شرطی به دو دسته متصل و منفصل تقسیم می‌شود.

**۹۲۷- گزینه ۴** قضیه شرطی که ساختار آن به صورت «یا ... یا ...» است قضیه شرطی منفصل می‌گویند و به قضایای شرطی با ساختار «اگر ... آن گاه ...» قضایای شرطی متصل می‌گویند.

**۹۲۸- گزینه ۲** قضایای شرطی متصل دارای دو جزء با نام‌های مقدم و تالی هستند.

**۹۲۹- گزینه ۲** از آن‌جا که در این‌گونه قضایا به پیوستگی و اتصال و ملازمه دو نسبت حکم می‌شود، این قضایا را «شرطی متصل» می‌نامند.

**۹۳۰- گزینه ۳** بررسی سایر گزینه‌ها: **۱** و **۲** جمله انشایی است و قضیه نمی‌باشد. **۴** قضیه حملی است.

**۹۳۱- گزینه ۲** بررسی سایر گزینه‌ها: **۱** در قضایای شرطی متصل ممکن است جای اجزای جمله عوض شود. **۳** به بخش شرط قضیه، «مقدم» و به جواب شرط، «تالی» گفته می‌شود. **۴** همه قضایای شرطی متصل مقدم و تالی دارند.

**۹۳۲- گزینه ۴** الف) مقدم - تالی ب) تالی - مقدم پ) مقدم - تالی

**۹۳۳- گزینه ۲** «توانا بود هر که دانا بود» ← مقدم: هر که دانا بود، تالی: توانا بود در گزینه‌های دیگر مقدم و تالی به درستی ذکر شده است.

**نکته:** دقت کنید مقدم آن جزء از قضیه نیست که لزوماً در ابتدای شرطی متصل می‌آید بلکه مقدم آن جزئی است که در معنای شرط است و تالی نیز جزئی است که در معنای جواب شرط است.

**۹۳۴- گزینه ۳** بررسی گزینه‌ها: **۱** جمله پرسشی است و قضیه محسوب نمی‌شود. **۲** قضیه حملی است. **۳** قضیه شرطی متصل است. **۴** جمله آرزویی است و قضیه محسوب نمی‌شود.

**۹۳۵- گزینه ۴** تعیین مقدم و تالی براساس معنا صورت می‌گیرد؛ یعنی مقدم آن جزئی است که در معنای شرط است و تالی جزئی است که در معنای جواب شرط و دنباله مقدم است؛ بنابراین مقدم در گفتار لزوماً در ابتدا نمی‌آید.

**۹۳۶- گزینه ۱** الف) قضیه حملی ب) جمله انشایی است و قضیه نیست پ) قضیه شرطی متصل ت) قضیه شرطی متصل

**۹۳۷- گزینه ۳** قضیه بدین صورت است «اگر تو بیایی غم از دل برود» اما مقدم و تالی جابه‌جا شده و بدین صورت آمده است «غم از دل برود چون تو بیایی». در سایر گزینه‌ها، ابتدا مقدم و سپس تالی آمده است.

**۹۳۸- گزینه ۲** در شرطی متصل به پیوستگی و اتصال و ملازمه دو نسبت حکم می‌شود.

در شرطی منفصل به گسستگی، انفصال و عناد (یعنی ناسازگاری) دو یا چند نسبت حکم می‌شود.

**۹۳۹- گزینه ۳** در قضایای شرطی منفصل به گسستگی و عناد دو یا چند نسبت حکم می‌شود. قضایای شرطی منفصل دارای سه نوع است (حقیقی، مانع‌الجمع، مانع‌الرفع) اما هیچ‌گاه در قضایای شرطی منفصل به ملازمه میان دو نسبت حکم نمی‌شود.

**۹۴۰- گزینه ۴** مانع‌الرفع (مانع‌الخلو) یعنی خالی از صدق نمی‌باشد این

**۹۱۹- گزینه ۴** در قضایای شخصی، موضوع علامت مثبت دارد. در قضایای سالبه هم معمول علامت مثبت دارد. پس قضیه شخصی سالبه مثل این قضیه، دارای موضوع و محمول هم علامت است. **۱** موضوع، منفی و محمول، مثبت است. **۲** قضیه، شخصی موجب است، پس موضوع، مثبت و محمول، منفی است. **۳** موضوع، مثبت و محمول، منفی است.

**۹۲۰- گزینه ۱** از آن‌جایی که نتیجه قیاس موجب است، متوجه می‌شویم که هر دو مقدمه قیاس موجب هستند و از آن‌جایی که حد وسط (ب) در مقدمه اول دارای علامت منفی است، متوجه می‌شویم که حد وسط در مقدمه دوم دارای علامت مثبت خواهد بود و چون مقدمه دوم موجب است و علامت محمول آن منفی است، پی می‌بریم که حد وسط در مقدمه دوم نیز موضوع است و با توجه به این‌که حد وسط که موضوع است علامت مثبت دارد، سور در مقدمه دوم کلیه خواهد بود و در نتیجه مقدمه دوم **موجبه کلیه** خواهد بود و قیاس به صورت زیر تشکیل می‌شود:

مقدمه اول: بعضی ب الف است.

مقدمه دوم: هر (+) (-) است.

. بعضی الف ج است.

با این توجه در مقدمه دوم موضوع علامت مثبت دارد (رد **۳**) و محمول علامت منفی دارد (رد **۲** و **۴**) و موضوع و محمول دارای علامت یکسان نیستند.

**۹۲۱- گزینه ۱** و **گزینه ۳**

با توجه به اطلاعات صورت سؤال چند ویژگی درباره مقدمه دیگر می‌دانیم:

**۱- سالبه است:** زیرا نتیجه قیاس سالبه است و مقدمه ذکر شده در صورت سؤال **موجبه**. **۲- «ب» حد وسط است** و در این مقدمه نیز باید ذکر شود (الف حد وسط نیست)؛ زیرا «ب» در مقدمه بیان شده در صورت سؤال آمده است اما در نتیجه نیامده است. (رد **۲**) **۳- «ب» در این مقدمه علامت مثبت دارد، زیرا «ب» که حد وسط است در مقدمه مذکور در صورت سؤال علامت منفی دارد و در قیاس معتبر حد وسط حداقل در یک مقدمه علامت مثبت دارد.** (رد **۴**)

بنابراین با مقدمات مذکور در **۱** و **۳** قیاس‌های اقترانی زیر تشکیل می‌شود که هر دو معتبر هستند.

**بعضی د ب نیست.**

**هیچ ب د نیست.**

هر الف ب است.

هر الف ب است.

. بعضی د الف نیست.

. بعضی د الف نیست.

(کلید اولیه سازمان سنجش پاسخ این سؤال را **۳** دانسته است که این پاسخ براساس کتاب منطق سال‌های گذشته است؛ اما براساس کتاب درسی منطق جدید **۱** و **۳** برای این تست پاسخ صحیح به حساب می‌آید.)

**۹۲۲- گزینه ۲** چون در قضیه «هر الف ب است»، مفهوم «ب» (حد وسط) منفی است، لذا طبق شرط دوم نمی‌تواند در مقدمه دیگر هم منفی باشد. بنابراین قضیه «بعضی ب ج نیست» به سبب منفی کردن «ب» نمی‌تواند مقدمه دیگر این استدلال باشد.

**۹۲۳- گزینه ۳** ابتدا نقیض «بعضی م ج نیست» را به صورت «هر م ج است.» به دست می‌آوریم، سپس توجه می‌کنیم که اجزای غیر حد وسط مقدمات اگر منفی باشند، نباید در نتیجه مثبت باشند و آلا شرط سوم اعتبار نقض می‌شود. در این مقدمه «ج» منفی است پس در نتیجه نیز باید منفی باشد. تنها گزینه‌ای که «ج» در آن مثبت است، **۳** است.

**۹۲۴- گزینه ۲** ابتدا نقیض «بعضی الف ب نیست» را به صورت «هر الف ب است» به دست می‌آوریم. سپس توجه می‌کنیم که اجزای غیرحدوسط مقدمات اگر منفی باشند، نباید در نتیجه مثبت باشند و آلا شرط سوم اعتبار نقض می‌شود. در این مقدمه «ب» منفی است؛ پس در نتیجه نیز باید منفی باشد. تنها گزینه‌ای که «ب» در آن مثبت است، **۲** است.

**۲۲۰۲- گزینه ۴»** بررسی گزینه‌ها: ۱ در حالت امکانی باقی مانده است؛ زیرا هنوز در ذهن است و به وجود نیامده است. ۲ در حالت امکانی باقی مانده است؛ زیرا بذر هنوز کاشته نشده و نهال ایجاد نشده است. ۳ در حالت امکانی باقی مانده است؛ زیرا چوب هنوز در آتش انداخته نشده و خاکستر ایجاد نشده است. ۴ به حالت وجود بالغیر رسیده است؛ زیرا وقتی پلک حرکت کند ضرورتاً مژگان هم با آن حرکت می‌کند پس این حرکت، از سوی علت خود که همان حرکت پلک است، واجب شده است.

**۲۲۰۳- گزینه ۴»** مربع ضرورتاً دارای دو قطر مساوی است. مستطیل هم ضرورتاً دارای زاویه است. ولی نه شکل ضرورتاً دوزنقه است و نه مثلث ضرورتاً متساوی‌الاضلاع است و نه دارای اضلاع ضرورتاً مثلث است.

**۲۲۰۴- گزینه ۲»** براساس پاسخ سازمان سنجش رابطه میان دانشجو بودن و «دیپلمه‌نبودن» امکانی است و احتمالاً منظور از دانشجو بودن را کسی دانسته است که به دنبال دانش است. اما به نظر پاسخ صحیح‌تر این است که رابطه «دانشجو بودن» و «دیپلمه‌نبودن» را امتناعی بدانیم، زیرا در اصطلاح دانشجو کسی است که دیپلم گرفته و پس از کسب دیپلم وارد دانشگاه شده است و در آن تحصیل می‌کند. رابطه «استوانه» و «بدون وزن بودن» ضروری است، زیرا استوانه از مقوله حجم و مقدار است، بنابراین جسم نیست و وزن ندارد.

**۲۲۰۵- گزینه ۴»** بررسی گزینه‌ها: ۱ ضروری (بی‌رنگی جزء تعریف آب است) - امکانی (فعل می‌تواند داشتن حالتی را برساند، نه انجام کاری را) / ۲ امکانی (از ویژگی‌های تجربی چوب است و ضرورت عقلی ندارد). - ضروری (یک ویروس خاص نمی‌تواند یکی از انواع ویروس‌ها نباشد). / ۳ امکانی (یک امر حسی و تجربی است و ضرورت عقلی ندارد). - ضروری (از ویژگی‌های ذاتی جسم است) / ۴ ضروری (گازبودن ذاتی اکسیژن است). - ضروری (ماده‌بودن ذاتی فلز است).  
**۲۲۰۶- گزینه ۴»** واجب‌الوجود بالغیر، از سوی علت واجب شده است و دیگر بودن و نبودنش مساوی نیست، بلکه بودن آن واجب و نبودنش ممتنع است. البته چنین موجودی از جهت ذاتش یک ماهیت امکانی است که نسبت به وجود و عدم مساوی است (فرقی نمی‌کند) (رد ۲) ولی با توجه به وجود علت، بودنش واجب شده و نمی‌تواند نباشد (رد ۳) و حتی اگر علتش همیشگی باشد، این موجود هم همیشه خواهد بود (رد ۱).

**۲۲۰۷- گزینه ۲»** «لفظ، اسم است»، در این قضیه «حمل اسم بر لفظ» رخ داده است. از آنجایی که لفظ می‌تواند اسم یا فعل یا حرف باشد، پس این حمل امکانی خواهد بود.

«دایره، گرد است»، در این قضیه «حمل گرد بر دایره» رخ داده است. از آنجایی که دایره حتماً گرد است و نمی‌تواند گرد نباشد، پس این حمل ضروری خواهد بود.  
**بررسی گزینه‌ها:** ۱ امکانی - امکانی / ۲ امکانی - ضروری / ۳ ضروری - ضروری / ۴ امکانی - امکانی

**۲۲۰۸- گزینه ۱»** «موضوعی که هرگز مصداق خارجی نداشته و نخواهد داشت»، دو فرض می‌تواند داشته باشد: ۱- ممکن‌الوجودی که علتش نباشد و در آینده هم علتش به وجود نیاید. ۲- ممتنع‌الوجود بالذات  
۲، ۳ و ۴ فقط درباره ممتنع‌الوجود بالذات صادق است، نه درباره ممکن‌الوجودی که علتش وجود ندارد و وجود هم نخواهد داشت. اما ۱ را با اطمینان می‌توان گفت، زیرا چه ممکن‌الوجودی باشد که علتش نیامده و چه ممتنع‌الذات باشد، قطعاً تاکنون موجودی که علت تامه‌اش باشد، تحقق نیافته است.

**۲۲۰۹- گزینه ۴»** علت چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است.

**۲۲۱۰- گزینه ۳»** هر رابطه‌ای دو طرف دارد، و رابطه علیت رابطه وجودی است که یکی از دو طرف آن، قبل از رابطه موجود نیست.

**۲۲۱۱- گزینه ۲»** ابر باران را ایجاد می‌کند، لذا علت آن است؛ ولی موارد دیگر یکدیگر را ایجاد نمی‌کند.

**۲۱۹۵- گزینه ۳»** «کوری عصاکش کور دیگر شده است» یعنی کسی که احتیاج خودش را نمی‌تواند به تنهایی رفع کند، می‌خواهد همان احتیاج را از دیگری برطرف کند؛ این دقیقاً وصف ممکناتی است که هر یک وجوب خود را از دیگری بگیرد؛ زیرا هر کدام به تنهایی نمی‌توانند خودشان را واجب کنند و لذا اگر بخواهند به یکدیگر وجوب دهند هم موفق نخواهند بود؛ مگر این که یک واجب ذاتی لاقلاً به یکی از آن‌ها ضرورت ببخشد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ این تمثیل برای نشان دادن بازتاب اعمال هر کس به خودش است. / ۲ این تمثیل می‌گوید کسی که نمی‌تواند کاری را انجام دهد آن کار را برای خود سخت‌تر هم می‌کند. درست است که ممکنات نمی‌توانند به خود وجوب دهند، ولی این که بخواهند به یکدیگر وجوب دهند به معنای سخت‌تر شدن کار نیست. / ۴ این تمثیل می‌خواهد سختی بین علت و معلول را نشان دهد، نه تناقض این مطلب را که هر ممکنی وجوب خود را از یک ممکن دیگر بگیرد.

**۲۱۹۶- گزینه ۳»** از آنجا که وجوب، امکان و امتناع، حصر عقلی دارند، یعنی غیر از این سه حالت فرض دیگری وجود ندارد، بنابراین حالت چهارمی برایشان نمی‌توان فرض کرد. این مطلب ضروری است و لذا به استقرا یا تجربه ثابت نشده است (رد ۲ و ۴).

۱ تقسیم فضایی حمله براساس مفاهیم سه‌گانه، مبتنی بر رابطه میان موضوع و محمول صورت می‌گیرد.

**۲۱۹۷- گزینه ۳»** واجب‌الوجود تنها یک مصداق دارد که خداوند است، اما ممتنع‌الوجود مصادیق متعددی دارد؛ همچون شریک خداوند، مثلث دایره‌ای، جمع نقیضین و ...

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ ماهیات مشاهده‌شده اشیای واقعی محسوس هستند که همگی ذاتاً ممکن‌اند. / ۲ معنای ممتنع‌الوجود این است که نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ بنابراین چون واقعیت‌داشتن یعنی وجودداشتن، پس هیچ واقعیتی ممتنع‌الوجود نیست. / ۴ ذات موجودات (واقعیات) از سه حال خارج نیست. ممتنع، ممکن و واجب. در توضیح ۲ گفتیم هیچ واقعیتی ممتنع نیست؛ پس ذاتاً یا ممکن است (مثل انسان) یا واجب (خداوند).

**۲۱۹۸- گزینه ۲»** آن‌چه حمل وجود و هستی بر آن محال باشد، ممتنع‌الوجود است.  
**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ علت ممتنع‌الوجود بودن، عدم تصورپذیری آن نیست؛ مثلاً شریک خداوند را می‌شود تصور کرد، مثل تصویری که مشرکان از بت دارند. / ۳ ممکن است چیزی هرگز وجود نداشته و حتی وجود پیدا نکند، اما لزوماً ممتنع‌الوجود نباشد؛ مانند «دیو پنج‌سر» که شاید هیچ‌گاه وجود پیدا نکند اما ممکن‌الوجود است. / ۴ آن‌چه فقط وجود خیالی دارد ممکن‌الوجود هم می‌تواند باشد؛ مثل اسب تک‌شاخ.

**۲۱۹۹- گزینه ۳»** دایره ذاتاً اضلاعی ندارد که منتظم باشند؛ پس ممتنع است. سه گزینه دیگر ممکن‌الوجود هستند. دقت کنید عجیب‌بودن یک چیز یا عدم وجود آن تا الان، باعث نمی‌شود که آن را ممتنع‌الوجود بدانیم.

**۲۲۰۰- گزینه ۳»** واجب‌الوجود بالغیر یعنی موجودی که واجب است ولی این وجوب از ناحیه ذات خودش نیست، بلکه از سوی علتش ضروری شده است. پس می‌توان گفت ضرورت وجود او از ناحیه دیگری است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ درست است که هر واجب‌الوجود بالغیری بر حسب ذات خود، ممکن‌الوجود است ولی این مطلب، تعریف واجب‌الوجود بالغیر نیست. / ۲ هیچ ماهیتی چیستی خود را از علت دریافت نمی‌کند، بلکه «ماهیت» یعنی خود «چیستی». / ۴ وجوب از سوی وجود علت دریافت می‌شود، نه از سوی ماهیت علت. ضمن این که اگر «علت» خدا باشد، اصلاً «ماهیت» ندارد.

**۲۲۰۱- گزینه ۱»** غنی بالذات همان خداوند است که صفت یگانه برای او ضروری است، زیرا فیلسوفان با دلایل عقلی توحید و یگانگی خداوند را ثابت کرده‌اند.

**بررسی گزینه‌ها:** ۱ هر دوزنقه ضرورتاً شکل است. پس نسبت ضروری است. / ۲ هر دارای حیاتی لزوماً گیاه نیست. پس نسبت امکانی است. / ۳ مولود کعبه می‌تواند منحصره‌بفرد باشد یا نباشد. پس نسبت امکانی است. / ۴ هر دارای چهارضلعی لزوماً دوزنقه نیست. پس نسبت امکانی است.

۲۲۱۲- گزینه ۳» دکارت رابطه علیت را فطری و عقلی می‌دانست. این سینا

آن را عقلی و اکتسابی می‌دانست. عمده تجربه‌گرایان (مانند بیکن) علیت را یک امر تجربی می‌دانند. هیوم علیت را غیر قابل درک می‌دانست.

۲۲۱۳- گزینه ۱» اکثر تجربه‌گرایان معتقدند انسان از طریق حس به توالی پدیده‌ها پی می‌برد و رابطه علیت را بنا می‌نهد.

۳» این نظریه هیوم و پیروان اوست که اقلیت تجربه‌گرایان هستند.

۲۲۱۴- گزینه ۱» فیلسوفان مسلمان علیت را اصلی عقلی می‌دانند که در ابتدای شکل گرفتن ذهن و درک اصل امتناع اجتماع نقیضین، از طریق همین اصل درک می‌شود.

۲۲۱۵- گزینه ۴» با قبول اصل سنخیت است که می‌توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱» این اصل وجوب علی و معلولی است. ۲» این اصل می‌گوید معلول‌ها علت‌های متناسب با خود دارند، نه آن‌که علت‌های متناسب خود به خود پیدا شوند. ۳» نحوه درک اصل علیت ارتباطی با سنخیت علت و معلولی ندارد.

۲۲۱۶- گزینه ۴» هیچ‌یک از رفتارهای انسان‌ها مثالی از عدم پذیرش اصل سنخیت نیست.

۲۲۱۷- گزینه ۳» یعنی جواب هر عملی، عکس‌العملی متناسب با آن است. این مصداقی از اصل سنخیت بین علت و معلول است.

۲۲۱۸- گزینه ۲» رابطه علیت، رابطه‌ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱» کلمه «چرا» بازتابی از رابطه علیت است. ۲» رابطه اتکا رابطه‌ای است که پس از وجود طرفین برقرار می‌شود، اما رابطه علیت این‌گونه نیست. ۴» انسان از همان ابتدای ظهور خود به دنبال علت‌یابی بوده است.

۲۲۱۹- گزینه ۳» اگر رابطه وجودی (علیت) برقرار باشد قطعاً سنخیت و ضرورت نیز همراهش خواهد بود.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱» پیوستگی موجودات از اصل علیت فهمیده می‌شود. ۲» وجوب و سنخیت هر دو از لازمه‌های اصل علیت هستند اما معنایشان با یکدیگر متفاوت است. ۴» اصل سنخیت مربوط به علیت که رابطه وجودی است می‌باشد نه روابط غیروجودی.

۲۲۲۰- گزینه ۳» سایر گزینه‌ها به ویژگی اصلی علیت که همان وجوددهی علت به معلول است، اشاره دارد.

۲۲۲۱- گزینه ۳» در رابطه وجودی، وجود یک طرف رابطه فرع بر وجود طرف دیگر است نه این‌که وجود رابطه فرع بر وجود دو طرف رابطه باشد. به عبارت دیگر، در رابطه وجودی، اول رابطه ایجاد می‌شود بعد طرف دوم رابطه به وجود می‌آید؛ اما در دیگر روابط، اول دو طرف رابطه وجود دارند بعد رابطه برقرار می‌شود (رد ۴).

۲» مثال نادرست است، زیرا بدنه پل از ستون‌ها وجود نمی‌گیرد، بلکه بر آن‌ها تکیه دارد.

۲۲۲۲- گزینه ۳» «علیت» تفاوت اساسی با سایر روابط دارد، زیرا روابط دیگر پس از وجود طرفین رابطه برقرار می‌شوند، اما در علیت، علت به معلول وجود می‌دهد. رابطه «انسان» و «تصورات ذهنی» نیز مثالی از رابطه علیت است.

۲۲۲۳- گزینه ۳» از نظر هیوم (برخی فیلسوفان)، علیت صرفاً یک امر ذهنی است و واقعی نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱» تأثیر و تأثر میان پدیده‌ها، همان علیت است و مورد انکار افرادی همچون هیوم است. ۲» اصل رابطه علیت نزد بسیاری از فلاسفه توسط عقل فهمیده می‌شود؛ بنابراین عقل در فهم جمله‌ای که تأثیر و تأثر در آن بیان شده است نقش دارد. ۴» در این مثال سنخیت رعایت شده است؛ زیرا میان علت و معلول تناسب است.

۲۲۲۴- گزینه ۳» هر انسانی با درکی از رابطه علیت متولد می‌شود و قبول این رابطه، نیاز به تجربه و آموزش ندارد؛ زیرا پذیرش و قبول این رابطه، مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱» دلیل دیدگاه فلاسفه مسلمان است. ۲» خود دیدگاه دکارت است نه دلیل آن / ۴» ارتباطی با دیدگاه دکارت ندارد.

۲۲۲۵- گزینه ۲» «چرایی» بازتاب سؤال از علت است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱» این‌که اساس تفکر ما علیت است، موجب نمی‌شود به مصادیق آن فکر کنیم. ۳» بخشی از تفکر انسان تعریف است که پاسخ به چیستی است. ۴» مطلب درستی است، اما پاسخ به این سؤال نیست، بلکه به نوعی تکرار مطلبی است که از دلیل آن، سؤال پرسیده شده است.

۲۲۲۶- گزینه ۲» هیوم از فیلسوفانی است که درک علیت را ناممکن می‌داند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱» اکثر فیلسوفان تجربه‌گرا چنین باوری دارند نه همه آن‌ها. ۳» «درک رابطه علیت» غیر از آن است که بگوییم چه چیزی علت چه چیزی است. (از نظر فلاسفه مسلمان، اولی توسط عقل فهمیده می‌شود و دومی غالباً توسط حس و تجربه فهمیده می‌شود). ۴» ابن سینا قرن‌ها قبل از هیوم می‌زیسته است.

۲۲۲۷- گزینه ۲» اصل علیت ← ارتباط و پیوستگی / اصل وجوب ← تخلف‌ناپذیری و حتمیت در نظام هستی / اصل سنخیت ← نظم و قانونمندی میان پدیده‌ها

۲۲۲۸- گزینه ۱» رابطه‌ای که یک طرف در هستی خود نیازمند طرف دیگر است، همان علیت است که قبل از برقراری رابطه اصلاً معلولی وجود ندارد که بخواهیم بگوییم طرفین رابطه موجود هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲» علیت از نظر فلاسفه مسلمان به صورت عقلانی قابل درک است. ۳» روایتی همچون «اتکا» و «آموزش» از مثال‌های «علیت» به حساب نمی‌آیند. ۴» در مورد نحوه درک علیت، آرای مختلفی وجود دارد.

۲۲۲۹- گزینه ۳» هیوم و فلاسفه مسلمان تجربه را عاجز از درک علیت می‌دانند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱» و ۴» نظر خاص هیوم است. ۲» مورد قبول هیچ‌کدام نیست.

۲۲۳۰- گزینه ۴» تجربه‌گرایان غیر از هیوم و پیروانش معتقدند که انسان از طریق حس و تجربه به توالی پدیده‌ها پی می‌برد و رابطه علیت را درک می‌کند (رد ۲ و ۳).

۱» تجربه‌گرایان معرفت عقلی مستقل از تجربه را قبول ندارند، ولی به همکاری عقل با حس معتقدند.

۲۲۳۱- گزینه ۳» ارتباط و پیوستگی ← اصل علیت

وابستگی‌های خاص ← اصل سنخیت

نظام معین هستی ← اصل سنخیت

در مورد نظام معین هستی، معین در واقع به همان معنای مشخص و خاص است و بیانگر همان نظم خاص جهان است که از پیامدهای سنخیت می‌باشد.

۲۲۳۲- گزینه ۱» اصلی که باعث می‌شود ما همواره از علتی خاص، یک معلول خاص را انتظار داشته باشیم، اصل سنخیت است و توضیح ذکرشده در ۱» درباره اصل سنخیت است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲» درباره وجوب علی نیز صحیح است. ۳» پیوستگی موجودات را مدیون اصل علیت هستیم. ۴» حتمی بودن وقایع عالم را از اصل ضرورت علی می‌فهمیم.

۲۲۳۳- گزینه ۳» هر سه گزینه دیگر می‌گویند هر علت خاصی معلولی خاص دارد. تذکر: «از مکافات عمل غافل مشو» ۴» نیز در واقع بیان می‌کند که اگر رفتار بدی از تو صادر شود، نتیجه بد می‌بینی و اگر رفتار خوب از تو صادر شود، نتیجه خوب می‌بینی.





**۲۲۴۵- گزینه ۴** این‌که باغبان با اطمینان بذری می‌کارد و آن را آبیاری می‌کند براساس اصل وجوب‌بخشی علت به معلول است؛ زیرا می‌داند که اگر علت تحقق یابد، معلول که به ثمر نشستن بذر است نیز واقع می‌شود، اما این‌که برای درخت سبب بودن، بذر سبب می‌کارد تابع اصل سنخیت است، زیرا هر معلول خاصی را از علت خاصی توقع دارد.

**۲۲۴۶- گزینه ۳** دکارت هم درک علت را کاملاً غیر تجربی می‌دانست. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ درک علت در دیدگاه فلاسفه مسلمان، عقلی و در دیدگاه هیوم، غیرممکن است. ۲ منبع درک علت نزد فلاسفه مسلمان عقل است، اما نزد تجربه‌گرایان (امپریست‌ها) تجربه و حس است. ۴ علت از نظر فلاسفه مسلمان قابل درک است، اما از نظر هیوم قابل درک نیست.

**۲۲۴۷- گزینه ۴** در دیدگاه دکارت، انسان‌ها به صورت عقلی و فطری اصل علت را درک می‌کنند نه اکتسابی، در حالی که در دیدگاه فلاسفه مسلمان اصل علت از طریق استدلال عقلی و مبتنی بر اصول عقلانی درک می‌شود؛ پس اکتسابی است.

۲ دکارت اصل علت را غیر اکتسابی، یعنی غیر قابل اثبات می‌دانست، ولی آن را به عنوان یک امر بدیهی عقلی قبول داشت.

**۲۲۴۸- گزینه ۳** این‌که هر معلولی از هر علتی پدید نمی‌آید و بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می‌شود، همان اصل سنخیت علت و معلول است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ همه انسان‌ها براساس اصل سنخیت عمل می‌کنند. ۲ همه فیلسوفان، به‌جز فیلسوفان تجربه‌گرا آن را اصلی عقلی می‌دانند. ۴ اصل سنخیت از فروع اصل علت است و هیچ تعارضی با آن ندارد.

**۲۲۴۹- گزینه ۳** اصل علت در دیدگاه فلاسفه مسلمان یک قاعده عقلی است و با حس و تجربه به دست نمی‌آید. ۱، ۲ و ۴ همگی اصل علت را از مشاهده تجربی نتیجه گرفته‌اند، اما ۳ از قاعده‌ای عقلی استفاده کرده است و آن این است که اگر چیزی خودش به خودش وجود بدهد، همان «اجتماع نقیضین» می‌شود که امری محال است.

**۲۲۵۰- گزینه ۲** آن‌چه در صورت سؤال بیان شده در واقع نتیجه پذیرش اصل سنخیت است که در سایر گزینه‌ها به آن اشاره شده است. اما این‌که، اصل سنخیت را به چه روشی پذیرفته باشیم (عقلی یا تجربی) نتیجه جمله ذکر شده در صورت سؤال نیست.

**۲۲۵۱- گزینه ۱** معلول با قطع نظر از علت، ذاتی ممکن‌الوجود است که قابلیت این را دارد که پس از در نظر گرفتن علت واجب‌الوجود بالغیر گردد.

**توجه:** قطع نظر از علت» به معنای «بدون علت» نیست، بلکه به این معناست که ما توجهی به وجود یا عدم وجود علتش نداریم.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ هیچ چیز از نظر وجود نمی‌تواند نه موجود باشد و نه معدوم؛ چون وجود و عدم نقیض هم هستند. ۳ معلول همواره ممکن‌الوجود است. ۴ ذات معلول قطع نظر از علت نسبتی مساوی با وجود و عدم دارد.

**۲۲۵۲- گزینه ۴** کلیت قوانین علمی ← سنخیت اطمینان و قطع داشتن نسبت به این‌که قواعد علمی اتفاق می‌افتادند ← وجوب علی و معلولی

اصل سنخیت و وجوب علی و معلولی، مانند خود اصل علت، اصولی عقلی هستند. **۲۲۵۳- گزینه ۴** اگر اصل علت نباشد اصلاً ضرورت و وجوب‌بخشی نیز میان علت و معلول نخواهد بود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ اگر علت نبود، به دنبال منشأ هیچ چیز نمی‌توانستیم برویم، بنابراین تمامی تحقیقات علمی بی‌معنا بود. ۲ اصل ضرورت و سنخیت از لوازم اصل علت است و اگر اصل علت نباشد، آن‌ها نیز مطرح نمی‌شوند. ۳ اگر علت نباشد، ارتباط و پیوستگی اجزای جهان از بین خواهد رفت.

**۲۲۳۴- گزینه ۱** **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ انکار تجربه مورد نظر هیوم نیست. ۳ انکار درک علت با حس، اشتراک نظر هیوم و فلاسفه مسلمان است. ۴ انکار جایگاه عقل، اشتراک نظر هیوم و دیگر تجربه‌گرایان است.

**۲۲۳۵- گزینه ۳** سؤال از چرایی نشان می‌دهد که اصل رابطه علت برای کودک قابل فهم است، هر چند نتواند علت حوادثی که پیرامونش اتفاق می‌افتد را بیان کند.

**۲۲۳۶- گزینه ۲** تفاوت اساسی میان هیوم و فلاسفه مسلمان در این است که هیوم تجربه‌گراست و طریق اثبات یک موضوع را فقط تجربه می‌داند و قائل است چون علت با تجربه درک نمی‌شود پس واقعیت ندارد و یک امر روانی و ذهنی است در حالی که فلاسفه مسلمان با وجود باور به غیر تجربی بودن علت آن را از طریق دیگر یعنی عقل اثبات می‌نمایند.

**۲۲۳۷- گزینه ۱** در دیدگاه هیوم علت همان تکرار حوادث نیست، بلکه بر اثر تکرار حوادث، یک تداعی ذهنی پیش می‌آید که آن را از روی عادت، علت می‌نامیم.

**۲۲۳۸- گزینه ۳** برای درک علت از عقل مستقل از تجربه بهره می‌بریم و درک علت هر حادثه‌ای در حوادث طبیعی، توسط حس و تجربه صورت می‌گیرد.

**۲۲۳۹- گزینه ۴** منبع درک رابطه علت از نظر فلاسفه مسلمان عقل است که با منبع درک روابط طبیعی که حس و تجربه است، متفاوت است. هیچ‌کدام از تجربه‌گرایان درک علت را عقلی نمی‌دانند. آنان یا علت را تجربی می‌دانند (اکثر آنان) یا هیچ منبعی برای درک علت قائل نیستند (هیوم).

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ در اصل قابل درک بودن علت میان اکثر تجربه‌گرایان و فلاسفه مسلمان توافق است. ۲ عدم امکان درک علت از طریق تجربه، اشتراک نظر هیوم تجربه‌گرا و فلاسفه مسلمان است. ۳ این مطلب نیز مورد قبول هیوم و فلاسفه مسلمان است.

**۲۲۴۰- گزینه ۲** از دیدگاه هیوم علت ارزش واقع‌نمایی ندارد ← یعنی از واقعیت (عالم خارج از ذهن) گزارش نمی‌دهد بلکه صرفاً یک امر ذهنی است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ از نظر هیوم علت باید با تجربه درک شود اما تجربه‌گرایان دیگر نیز به همین مطلب قائل‌اند (رد ۱). تفاوت هیوم با دیگر تجربه‌گرایان در این است که تجربه توان درک رابطه علت را ندارد و گرنه او نیز مانند دیگر تجربه‌گرایان قائل است که تنها ابزار معتبر برای شناخت هر موضوعی، تجربه است. ۳ و ۴ اصلاً از دیدگاه هیوم علت هیچ‌گاه در عالم خارج وجود ندارد.

**۲۲۴۱- گزینه ۴** کشف علل امور ماوراءالطبیعی و درک علت توسط عقل صورت می‌گیرند و کشف علل امور طبیعی توسط حس و تجربه صورت می‌گیرد که همان منبع درک علت توسط اکثر تجربه‌گرایان است.

**۲۲۴۲- گزینه ۴** در رابطه علت «وجود» دادوستد می‌شود؛ یعنی رابطه در حین به وجود آمدن معلول برقرار می‌شود نه پس از وجود طرفین رابطه.

**۲۲۴۳- گزینه ۲** شرط کافی برای به وجود آمدن یک پدیده به معنای آن است که در صورت وجود این شرط قطعاً پدیده به وجود می‌آید و این همان وجوب علی و معلولی است. ← بنابراین اگر وجوب علی و معلولی را قبول نداشته باشیم، نمی‌توانیم امری را شرط کافی برای به وجود آمدن یک پدیده بدانیم.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ نتیجه عدم پذیرش سنخیت است. ۳ پذیرش یا عدم پذیرش وجوب علی، ارتباطی به منشأ درک علت ندارد. ۴ واجب‌الوجود بالغیر است که در صورت عدم قبول ضرورت علی و معلولی دیگر معنا نخواهد داشت اما واجب‌الوجود بالذات که خداوند است وجودش ارتباطی با وجوب علی و معلولی ندارد.

**۲۲۴۴- گزینه ۲** انتظام و قانونمندی عالم ← سنخیت

تخلف‌ناپذیری ← ضرورت

ارتباط میان اشیا ← علت

**۲۲۵۴- گزینه ۳** کسی که این کتاب را خریده به دنبال این بوده است که

معلول (بهمود درصد فلسفه) را با علتی خاص (خرید این کتاب) پدید بیاورد. پس به نحو ضمنی اصل علت و سنخیت را پذیرفته است.

۱ اگر فقط هر معلولی را نیازمند علت بدانیم و معتقد باشیم از هر علتی، هر معلولی صادر می‌شود (قبول علت منهای سنخیت)، برای رسیدن به آثار خاص به دنبال علل خاص مثل خرید این کتاب نمی‌رویم.

**۲۲۵۵- گزینه ۲** کلمه «چرا» بازتاب علت‌یابی است (رد ۱). وقتی چرا

می‌گوییم در خارج از ذهن به دنبال علت امور هستیم (رد ۳) و در ذهن به دنبال استدلالی (اعم از عقلی و تجربی) هستیم که ما را با علت و معلول‌های خارجی آشنا کند. گاهی دلیل ما از فرض علت به معلول می‌رسد و گاهی از فرض معلول به علت می‌رسد (رد ۴).

**۲۲۵۶- گزینه ۱** مرغ، تخم مرغ را ایجاد می‌کند و وجود تخم مرغ متوقف بر

وجود مرغ است. پس مرغ علت تخم مرغ است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ بنا مصالح ساختمان را ایجاد نمی‌کند، بلکه

مصالح ساختمان را که قبلاً ایجاد شده‌اند روی هم می‌گذارد و ساختمان را می‌سازد. بنابراین بنا در حقیقت علت حرکات و افعال خود یا علت چیده‌شدن مصالح روی هم است، نه علت وجود پیدا کردن مصالح ساختمان. ۳ اکسیژن و هیدروژن در کنار هم، خود آب را تشکیل می‌دهند، نه این‌که موجود دیگری باشند که آب را ایجاد می‌کنند. پس اکسیژن و هیدروژن خود آب است، نه علت آب. ۴ موج دریا بخشی از خود دریا است، نه این‌که دو موجود باشند که یکی دیگری را ایجاد کرده باشد.

**نکته:** به طور کلی علت و معلول نباید جزئی از قسمت‌های اصلی هم باشند،

زیرا هیچ موجودی بخشی از ذات و وجود خودش را ایجاد نمی‌کند. مقصود از قسمت‌های اصلی بخش‌هایی است که اگر نباشند، آن موجود هم نیست.

**۲۲۵۷- گزینه ۴** فردی که امری را (یک ساعت خیره‌شدن به گوشه‌ای) عامل

ایجاد پدیده دیگر (بالارفتن درصد فلسفه و منطق) می‌داند، علت یعنی تأثیر و تأثر میان پدیده‌ها را پذیرفته است (رد ۱ و ۲). البته از این عبارت مشخص نمی‌شود که منشأ درک علت توسط او چگونه بوده است. (رد ۳) هرچند این فرد علت را پذیرفته اما در عمل اصل سنخیت را زیر سؤال برده است؛ زیرا تناسب منطقی میان علت و معلول برقرار نیست و ارتباط خاصی بین این دو امر برقرار نمی‌باشد.

**۲۲۵۸- گزینه ۴** رابطه علت یک رابطه وجودی است؛ یعنی علت معلول را به

وجود می‌آورد. پس علت تحقق‌بخش به طرف دیگر رابطه علت است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ اگر علت جزئی از معلول بود، باید به خودش

وجود می‌داد و وجود دادن یک شیء به خودش محال است (زیرا باید قبل از موجود شدن، موجود باشد و این تناقض است). ۲ وجود معلول متوقف بر وجود علت است؛ یعنی تا علت نباشد، معلول هم نیست. ولی وقتی علت آمد، دیگر معلول متوقف نیست. ۳ علت شرط وجود معلول است، نه معلول شرط وجود علت، گرچه از نظر زمانی با هم هستند.

**۲۲۵۹- گزینه ۲** طبق اصل وجوب علی و معلولی تا وجود معلول ضروری

نشود، ایجاد نمی‌شود. پس معلول ابتدا واجب می‌شود و سپس موجود (رد ۱). ۳ هیچ موجودی وجودش غیر ضروری نیست، پس هیچ‌گاه نیست که موجودی که علت است، وجودش ضروری نباشد. ۴ وجود علت بر وجوب معلول مقدم است و وجوب معلول بر وجود معلول مقدم است.

وجود علت ← وجوب معلول ← وجود معلول

**۲۲۶۰- گزینه ۲** سختی سنگ و سیال بودن آب، معلول‌های خاص آن دو

است که آن را سنخیت علت و معلولی می‌گویند؛ یعنی هر علت، معلول خاص خود را دارد و هر معلول هم، علت خاص خود را. اگر سنخیت نباشد؛ یعنی نتیجه علت‌ها معلوم نباشد و یا علت معلول‌ها معین نباشد، دیگر نظم و قاعده‌مندی میان دسته‌های مختلف موجود نخواهد بود.

**۲۲۶۱- گزینه ۲** حرکت دست، حرکت کلید را پدید می‌آورد و به محض

متوقف شدن دست، کلید نیز متوقف می‌شود و حرکت کلید، هرگز بدون حرکت دست ادامه پیدا نمی‌کند؛ پس مثال خوبی برای رابطه علیت است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ نجار فقط یکی از عوامل مؤثر است و وجود میز

پس از ساخته شدن، وابسته به وجود نجار نیست. ۲ راننده نقشی در وجود ماشین ندارد، بلکه فقط در حرکت ماشین مؤثر است. ۳ خورشید فقط یکی از عوامل برای رویش گیاه است.

**۲۲۶۲- گزینه ۳** در وجوب علی و معلولی، اگر علت تا مه فراهم باشد (همه)

عوامل لازم برای به وجود آمدن یک پدیده، ضرورتاً آن معلول فراهم می‌شود. در سایر گزینه‌ها «باید» و «وجوب»، به صورت اخلاقی است نه علی و معلولی.

**۲۲۶۳- گزینه ۳** این‌که بگوییم هر شیء قانون مخصوص و همیشگی خود

را دارد، ناشی از این است که هر علتی معلول خاصی دارد (اصل سنخیت) و بنابراین می‌توانیم بگوییم طبق قانون علمی، همواره یک معلول از یک علت مشخص صادر می‌شود. کاربرد اصل وجوب علی و معلولی بعد از تعیین قانون است. به طور مثال، وقتی قانونی در مورد یک شیء کشف شد (دور شدن دو قطب همنام در آهنربا)، این‌که قانون مذکور ضرورتاً و همیشه صادق است، از این اصل فهمیده می‌شود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ و ۲ چیزی که ممکن‌الوجود بالذات است، ابتدا

باید علتی برایش فراهم شود و از حالت ممکن‌الوجود به مرحله واجب‌الوجود بالغیر برسد و سپس به وجود آید. ۴ حتمی و لایتخلف بودن عالم، از نتایج ضرورت علی است.

**۲۲۶۴- گزینه ۴** تجربه‌گرایان به طور کلی راه شناخت مصادیق علت و معلول

را تجربه می‌دانند، ولی فلاسفه مسلمان فقط در عالم طبیعت این اعتقاد را دارند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ هر دو، علت را عقلی می‌دانند. ۲ وی به

امکان شناخت علیت معتقد نبود و لذا بحث تداعی را برای بیان نحوه شناخت علیت مطرح نکرد، بلکه برای تبیین دلیل باور عمومی مردم به علت بیان کرد. ۳ هیچ‌کدام برای تجربه، نقشی در شناخت اصل علت قائل نیستند. اشتراک فلاسفه مسلمان، دکارت و هیوم درباره علیت، تجربی نبودن آن است.

**۲۲۶۵- گزینه ۲** اصل وجود رابطه علی و معلولی بین پدیده‌ها توسط عقل فهمیده

می‌شود و مصادیق علت و معلول در طبیعت، توسط حس و تجربه مشخص می‌گردد.

**۲۲۶۶- گزینه ۴** امور تخیلی و عجیب و غریب، نظم جهان و یا انتظار آثار

متناسب را بر هم می‌زند یعنی در تقابل با سنخیت است.

دقت کنید که ما از ابر انتظار بارش کوفته‌قلقلی نداریم پس نام این انیمیشن برخلاف انتظار آثار متناسب و برخلاف سنخیت است که در «هر که باد بکارد، طوفان درو می‌کند» نشان‌دهنده انتظار آثار متناسب یا همان سنخیت است.

**۲۲۶۷- گزینه ۱** تنها رابطه‌ای که وجودی است؛ یعنی یک طرف به طرف

دیگر وجود می‌دهد، علت است. به عبارت دیگر، هر دو طرف رابطه، وجود مستقل از هم ندارند بلکه وجود یک طرف وابسته به طرف دیگر است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ روابط ضروری دیگری هم هستند، مثل رابطه ۴

و زوج بودن. ۳ علت از قبل رابطه موجود است. ۴ هر رابطه‌ای دو طرف دارد، و آلا رابطه معنا نداشت.

**۲۲۶۸- گزینه ۲** رابطه وجودی، یعنی رابطه‌ای که یک طرف، دیگری را ایجاد

کند؛ مثلاً رابطه آتش و نور که آتش نور را ایجاد می‌کند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ پایه میز علت برافراشته بودن آن است، نه علت

وجود آن. هیچ علتی خودش بخشی از معلول نیست. ۳ شیر فواره هم آب را به هوا می‌پاشد، ولی آن را ایجاد نمی‌کند. ۴ وزن کتاب هم ناشی از نیروی گرانشی زمین است نه خود کتاب. به همین خاطر کتاب در فضا، بی‌وزن می‌شود.

**۲۲۶۹- گزینه ۳** رابطه وجودی، یعنی رابطه‌ای که در آن یک طرف، طرف

دیگر را ایجاد می‌کند و این یعنی همان علیت. پس تنها مصداق رابطه وجودی «علیت» است (رد ۱ و ۲). ۴ هیچ رابطه‌ای فقط یک طرف ندارد.

علت‌های متناسب با آن معلول می‌رویم، نه علت‌های بی‌ربط، به دلیل آن است که اصل سنخیت را قبول داریم و می‌پذیریم که هر معلولی از علت خاص خود سرچشمه می‌گیرد.

**۲۲۸۱- گزینه (۳)** اصلی که نظم و قانونمندی میان پدیده‌ها را تأمین می‌کند، اصل سنخیت علت و معلول است. ابیاتی که در ۱، ۲ و ۴ ذکر شده است، همگی به این مطلب اشاره دارند که هر کس نتیجه عمل خود را کسب می‌کند؛ یعنی میان فعل و نتیجه (علت و معلول) تناسب وجود دارد، اما اشاره به این مفهوم دارد که از دسترنج خودت استفاده کن.

**۲۲۸۲- گزینه (۳)** تشویق در قبال اعمال خوب و تنبیه در قبال رفتار بد، به تناسب میان فعل و نتیجه اشاره دارد که در واقع همان معنای اصل سنخیت است که نشان می‌دهد از هر چیزی نباید توقع هر چیزی داشت، بلکه توقع باید متناسب با فعل باشد.

**۲۲۸۳- گزینه (۲)** مفهوم «واجب‌الوجود بالغیر» نشان می‌دهد: ۱- یک موجود، وجود خود را از موجودی دیگر گرفته است که همان علت است (رابطه وجودی بودن علت نیز مشخص می‌شود). ۲- رابطه وجوبی و ضروری میان علت (غیر) و معلول برقرار است که این همان وجوب علی و معلولی است. اما مفهوم واجب‌الوجود بالغیر مستقیماً به سنخیت علت و معلول اشاره ندارد (رد ۱) و اصلاً اشاره‌ای به منشأ درک و پذیرش رابطه علت ندارد (رد ۳ و ۴).

**۲۲۸۴- گزینه (۴)** آنان علت را کاملاً عقلی می‌دانند (رد ۱ و ۲) و با استفاده از اصل امتناع تناقض یا دو اصل «امتناع تناقض» و «امتناع ترجیح بلامرجح» اثبات می‌کنند. ۳ مصادیق رابطه علت در امور طبیعی با حس تعیین می‌شوند.

**۲۲۸۵- گزینه (۳)** شب و روز همواره پشت سر هم می‌آیند، ولی هیچ کس بین آن‌ها علتی قائل نیست. پس مثال نقض دیدگاه تجربه‌گرایان است که علت را ناشی از مشاهده توالی حوادث می‌دانند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** همگی مثال‌هایی از علت هستند و مثال نقض محسوب نمی‌شوند.

**۲۲۸۶- گزینه (۴)** از هر سه اصل استفاده می‌شود؛ زیرا اگر علت نبود، و یا خودبه‌خود ایجاد و برطرف می‌شد و نمی‌توانستیم درمانی برای آن بیابیم. اگر سنخیت نبود، از روش‌های درمانی نمی‌شد همواره توقع درمان داشت یا ممکن بود از روش‌های دیگر هم بیماری درمان شود. اگر وجوب نبود، روش‌هایی که کشف کرده‌ایم درمان قطعی نبودند.

**۲۲۸۷- گزینه (۲)** این یعنی هر حادثه‌ای علتی دارد که همان اصل علت است. قید «ضرورتاً» صرفاً تأکیدی است بر کلیت و عمومیت و همیشگی بودن اصل.

**۲۲۸۸- گزینه (۳)** علت گرچه از مهم‌ترین اصولی است که همه تحقیقات علمی بر آن مبتنی است، ولی نمی‌توان گفت مهم‌ترین اصل است. اصولی مثل اصل «قبول واقعیت» و اصل «امکان شناخت واقعیت» پایه‌ای‌تر و مقدماتی‌تر از اصل علت هستند.

**۲۲۸۹- گزینه (۳)** در روابطی که در آن‌ها رابطه فرع وجود دو طرف است، دو طرف رابطه باید وجود داشته باشند، سپس رابطه میان آن‌ها برقرار شود و این تمام روابط به‌جز علت را شامل می‌شود، اما کلمه «چرا» بازتاب رابطه علت است.

**۲۲۹۰- گزینه (۲)** در پی هم آمدن رعد و برق دلیل خوبی بر رد نظریه هیوم است، زیرا او می‌گوید بر اثر تکرار توالی حوادث در ذهن ما چنین تداعی می‌شود که چیزی را علت و چیز دیگری را معلول بدانیم. این در حالی است که با وجود تکرار توالی نور و صدای رعد و برق، تداعی ذهنی میان آن‌ها برقرار نمی‌شود، زیرا هیچ کس نور را علت صدا نمی‌داند.

**۲۲۹۱- گزینه (۱)** هیوم با بیان عبارت ذکرشده در صورت سؤال به دنبال آن است که توضیح دهد چرا با وجود آن‌که علت یک امر واقعی نیست، عموم انسان‌ها بدان باور دارند. در واقع او با این عبارت درصدد تبیین چرایی باور عمومی انسان‌ها به علت است.

**۲۲۷۰- گزینه (۳)** هر رابطه‌ای دو طرف دارد (رد ۲)، ولی در رابطه وجودی یکی از دو طرف قبل از رابطه موجود نیست، بلکه یک طرف موجود است (رد ۴) و با ایجاد رابطه به طرف دیگر وجود می‌دهد. ۱ دو طرف، دو موجود غیروابسته نیستند، بلکه موجودیت یک طرف وابسته به طرف دیگر است.

**۲۲۷۱- گزینه (۴)** دکارت علت را عقلی و فطری می‌داند؛ یعنی عقل بدون استدلال و به صورت بدیهی و مادرزادی آن را درک می‌کند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ و ۲ نظر اکثر تجربه‌گرایان است، نه دکارت که عقل‌گرا بود. ۳ دکارت علت را ذهنی نمی‌داند، بلکه واقعیتی عینی می‌داند که در ذهن به کمک عقل درک می‌شود. ذهنی‌دانستن علت نظر هیوم است.

**۲۲۷۲- گزینه (۲)** دکارت علت را عقلی، بدیهی و فطری می‌داند؛ یعنی بی‌نیاز از اثبات و غیراکتسابی. پس باید بدون اثبات، آن را پذیرفت و از آن استفاده کرد (رد ۱ و ۳). ۴ دکارت علت را امری عینی و خارجی می‌داند.

**۲۲۷۳- گزینه (۱)** دیدگاه اولیه تجربه‌گرایان، یعنی دیدگاه تجربه‌گرایان قبل از هیوم. آنان علت را اصلی حسی و تجربی می‌دانستند، اما هیوم آن را نه قابل ادراک با حس می‌دانست و نه با عقل.

**۲۲۷۴- گزینه (۲)** دکارت عقل‌گرا بود و اختلاف اصلی او با تجربه‌گرایان این بود که او ادراک عقلی مستقل از تجربه را ممکن می‌دانست، ولی تجربه‌گرایان هر ادراک معتبری را به نوعی وابسته به حس می‌دانستند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ تجربه‌گرایان نیز عقل را معتبر می‌دانستند، ولی آن را فقط ابزار تجزیه و تحلیل ادراکات حسی محسوب می‌کردند، نه یک منبع مستقل شناخت. ۳ و ۴ دکارت نیز حس را معتبر می‌دانست و تجربه را به کار می‌گرفت، ولی به عقل مستقل از حس بیشتر اهمیت می‌داد.

**۲۲۷۵- گزینه (۱)** هیوم برخلاف سایر تجربه‌گرایان علت را یک حالت ذهنی به نام «تداعی» می‌دانست و می‌گفت: تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده‌ها نیست. اما سایر تجربه‌گرایان علت را امری واقعی و ناشی از تکرار توالی پدیده‌ها می‌دانستند (رد ۴). ۲ گروهی حسی و تجربی و گروهی نه حسی و تجربی و نه عقلی می‌دانستند. ۳ همه آنان تجربه را مستقل از علت معتبر می‌دانستند، ولی گروهی علت را با تجربه ثابت می‌کردند و گروهی علت را غیر قابل ادراک حتی با تجربه می‌دانستند.

**۲۲۷۶- گزینه (۴)** هیوم علت را غیر قابل ادراک می‌دانست، نه با حس و نه با عقل (رد ۱ و ۲). ۳ هیوم پندار علت را ناشی از تداعی ذهنی می‌دانست، نه برعکس.

**۲۲۷۷- گزینه (۳)** نظر خاص هیوم در بین تجربه‌گرایان این بود که علت مشاهده‌پذیر نیست.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ و ۲ هیوم و سایر تجربه‌گرایان علت را فطری و عقلی نمی‌دانستند. ۴ هیوم علت را ذهنی می‌دانست.

**۲۲۷۸- گزینه (۲)** نظر خاص هیوم در بین تجربه‌گرایان این بود که علت مشاهده‌پذیر نیست. نتیجه این دیدگاه هم خاص هیوم است؛ یعنی چون علت را ندیده‌ایم، نمی‌توانیم آن را قبول کنیم.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ این را همه تجربه‌گرایان، از جمله هیوم قبول داشتند. ۳ این را هیچ تجربه‌گرایی، از جمله هیوم قبول نداشت. ۴ این را همه تجربه‌گرایان، از جمله هیوم قبول داشتند، ولی هیوم علت ذهنی را این‌گونه می‌دانست و سایرین علت عینی را این‌گونه می‌پنداشتند.

**۲۲۷۹- گزینه (۳)** هر دو علت را غیرحسی می‌دانند، ولی فلاسفه مسلمان علت را قبول دارد و مصادیق آن را در جهان طبیعت با حس شناسایی می‌کند (رد ۱). ۲ هیوم علت را به طور کلی قابل ادراک نمی‌داند و لذا هیچ مصادیقی هم برای آن تشخیص نمی‌دهد. ۴ فلاسفه مسلمان علت را امری ابژکتیو (عینی) می‌دانند؛ یعنی علت وصف عالم خارج از ذهن است.

**۲۲۸۰- گزینه (۳)** این‌که با مواجهه با هر پدیده‌ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن برمی‌آییم از قبول اصل علت رخ می‌دهد. این‌که تنها به سرع

را شناسایی کند و به تفاوت‌های آن با اشیای دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه هر شیء را بشناسد، پس ویژگی خود شیء را می‌شناسیم تا آثار آن را شناسایی کنیم. (رد ۱)

**۲۳۰۲- گزینه ۴** کسی که به دنبال علت سردرد است، یعنی اصل سنخیت را پذیرفته، زیرا به دنبال دلیل خاصی برای سردرد خود می‌گردد (رد ۱) و پاسخ نیز به پشتوانه اصل سنخیت که اصلی عقلی است داده می‌شود (رد ۲)، اما برای این که بگوییم علت خاص هر چیز چیست باید از تجربه کمک بگیریم و نمی‌توانیم به تنهایی با خود اصول عقلی به نتیجه برسیم (رد ۳).

**۲۳۰۳- گزینه ۳** وقتی پس از فشردن دستگیره در، در باز نمی‌شود به دنبال مانع باز شدن در می‌رویم، زیرا باور داریم که اگر علت به صورت کامل وجود داشته باشد، در ضرورتاً باز می‌شود و حال که در باز نمی‌شود معلوم است که علت کامل نشده است و ضرورت ایجاد نشده و دنبال مانع می‌گردیم تا با برطرف شدن آن، علت کامل شود و معلول ضرورت یابد.

۱ اگر قبول داشته باشیم هر حادثه‌ای به علت نیاز دارد، ولی فروع این اصل مثل سنخیت و ضرورت را قبول نداشته باشیم، چنین عمل نمی‌کنیم؛ زیرا مثلاً اگر ضرورت را قبول نداشته باشیم، می‌گوییم گرچه دفعات قبل با فشار دادن دستگیره، در باز می‌شد، ولی این بار ضرورتی ندارد این اتفاق بیفتد. / نقض اصل سنخیت و نادرست است.

**۲۳۰۴- گزینه ۳** هر ذات ممکن از دو حال خارج نیست؛ یا موجود است یا معدوم؛ نه هر دو و نه هیچ کدام. اگر ذات ممکن، موجود باشد، حتماً واجب‌الوجود بالغیر است و اگر معدوم باشد، حتماً معلول آن هم متمتع‌الوجود بالغیر است (به دلیل قاعده وجوب علی و معلولی). پس می‌توان گفت: هر ذات ممکن یا واجب است یا معلولش متمتع است؛ نه هر دو و نه هیچ کدام.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ اگر خودش واجب باشد طبق قاعده وجوب علی و معلولی حتماً معلولش هم واجب خواهد بود (پس «نه هر دو» نادرست است). / ۲ ممکن است موجود باشد و در این صورت نه خودش متمتع است و نه علتش (پس «هیچ کدام» نادرست است). / ۴ هر ممکنی اگر علتش واجب باشد، پس علتش موجود است و طبق قاعده وجوب علی و معلولی، خودش هم واجب و موجود خواهد بود، نه متمتع. (پس «شاید هر دو» نادرست است). از طرفی اگر علتش واجب نباشد، موجود نیست و طبق اصل علت خودش هم موجود نخواهد بود و لذا متمتع است (پس «شاید هیچ کدام» هم نادرست است). به عبارت دیگر، هر ذات ممکنی حتماً یا علتش واجب است یا خودش متمتع؛ نه هر دو و نه هیچ کدام (انفصال حقیقی است).

**۲۳۰۵- گزینه ۴** ابیات (الف) و (ب) هر دو مربوط به «سنخیت» هستند؛ چراکه براساس این اصل، باید از هر چیزی انتظار آثار متناسب با آن را داشته باشیم؛ پس طبق بیت (الف) با کاشتن کاه، گندم نمی‌روید و طبق بیت «ب» از ابری که باران‌زا نیست و خشک است، نمی‌توان انتظار باران داشت. بیت (پ) نشان‌دهنده اصل «علت» است که هر معلولی حتماً علتی دارد، کما این که هر قضایی سببی دارد.

**۲۳۰۶- گزینه ۱** عبارت مطرح شده در صورت سؤال نشان‌دهنده انتظار آثار متناسب است که بیانگر اصل سنخیت است؛ چراکه توقع ما از اسب، تولد اسب است نه کره‌خر.

**بررسی گزینه‌ها:** ۱ بدون رنج نمی‌توان به گنج رسید؛ یعنی اثر متناسب با تلاش رسیدن به مزد است. ← سنخیت / ۲ در این گزینه اصلاً علتی وجود ندارد که بخواهیم به سنخیت برسیم. / ۳ ارتباطی با علت ندارد. / ۴ ارتباطی با علت ندارد.

**۲۳۰۷- گزینه ۲** از نظر فلاسفه مسلمان درک اصل علت، عقلی است و به مقدمات تجربی و حسی نیازمند نمی‌باشد (رد ۱). این اصل پس از شکل‌گیری ذهن (نه هم‌زمان با شکل‌گیری ذهن) و درک امتناع اجتماع نقیضین (رد ۳) توسط عقل ادراک می‌شود؛ بنابراین صرف مشاهده، هر چند بارها تکرار شده باشد،

**۲۲۹۲- گزینه ۲** خودشنیدن بودن یک نظریه، بدین معناست که آن نظریه توسط خودش نقض می‌شود. این که هیوم تکرار حوادث را سبب ایجاد تداعی علت در ذهن می‌داند، یعنی در واقع او «تکرار حوادث» را علت و «تداعی علت در ذهن» را معلول دانسته است و آنچه که در پی رد آن بوده است، یعنی علت را پذیرفته است.

**۲۲۹۳- گزینه ۳** آن چه بیان شده است با دیدگاه برخی تجربه‌گرایان همچون هیوم تعارض دارد؛ زیرا آن‌ها به طور کلی منکر اصل علت هستند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ چیزی که دیده می‌شود خود علت و خود معلول است، ولی علت دیدنی نیست. / ۲ از نظر عموم تجربه‌گرایان هم درک علت و هم یافتن مصادیق آن توسط حس و تجربه صورت می‌گیرد. / ۴ فیلسوفان مسلمان، علت را عقلی و نامحسوس می‌دانند.

**۲۲۹۴- گزینه ۲** این اتفاق نشانه آن است که ما علت را درک می‌کنیم و حتی براساس آن رفتار می‌کنیم.

**۲۲۹۵- گزینه ۱** ۲ و ۴ رابطه علت یک واقعیت خارجی است، نه ذهنی. کلمه «چرا» هم بازتاب تمایل به دانستن علل امور است، نه هر واقعیتی. هم‌چنین سؤال از چیستی به دنبال ماهیت اشیا است، نه آثار آن‌ها. / ۳ پاسخ سؤال از هستی، بیان ماهیت نیست.

**۲۲۹۶- گزینه ۲** در امور طبیعی این که چه چیزی علت چه چیزی است را حس و تجربه بیان می‌کنند نه عقل. البته عقل اصل علت را درک می‌کند و در امور ملوراءالطبیعی نیز این که چه چیز علت چه چیز است را بیان می‌کند، اما در حوادث طبیعی این گونه نیست.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ علت و تأثیر و تأثر امری مشاهده‌پذیر نیست. / ۳ دیدگاه هیوم همین است و این که دیدگاه او چیست ربطی به مشاهدات ما ندارد. / ۴ مطلب درستی است، چون تا عقل اصل علت را درک نکند، نمی‌توان چیزی را علت و معلول دانست که حس، مصادیقش را کشف کند.

**۲۲۹۷- گزینه ۱** هیوم علت را ساخته ذهن می‌داند و از نظر او اصلاً علت قابل درک نیست که بگوییم حاصل توالی پدیده‌ها است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ این نظر غالب تجربه‌گرایان است. / ۳ نه تنها این گزاره ردی بر این مطلب نیست، بلکه قائلین تجربه‌گرایی این گزاره را بیان کرده‌اند. / ۴ این گزاره که مطابق دیدگاه تجربه‌گرایان است، با نظرات دکارت سازگار نیست. دکارت علت را عقلی می‌دانست.

**۲۲۹۸- گزینه ۳** بیت مورد اشاره به نظم جهان و قانونمندی آن اشاره دارد که از اصل سنخیت نتیجه گرفته می‌شود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ لایتخلف و قطعی بودن نظام جهان مرتبط با اصل ضرورت علی است. / ۲ تنها به اصل علت اشاره دارد، نه سنخیت علت و معلول. / ۴ انتظام و ارتباط خاص پدیده‌های عالم، تأییدی بر اصل سنخیت است.

**۲۲۹۹- گزینه ۴** دکارت و تجربه‌گرایان علت را وصف واقعیات عینی خارج از ذهن می‌دانستند، ولی هیوم علت را صرفاً ذهنی می‌دانست. امر عینی را ایزکتیو و امر ذهنی را سوپژکتیو می‌نامند.

**۲۳۰۰- گزینه ۳** این بیان دلیل افرادی است که علت را اصلی تجربی می‌دانند؛ زیرا عقل است که رابطه علی مشاهده‌شده را به آینده هم تسری می‌دهد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ آن چه در این گزینه ذکر شده مورد قبول همه کسانی است که اصل علت را قبول دارند، از جمله افرادی که علت را اصلی عقلی می‌دانند. / ۲ آن چه در صورت سؤال گفته شد، ارتباطی با اصل ضرورت علی و معلولی ندارد. / ۴ این اظهار نظر، علت را اصلی تجربی می‌داند نه عقلی.

**۲۳۰۱- گزینه ۲** آن چه در ۲ مطرح شده تکرار بخشی از مطلبی است که به دنبال دلیل آن هستیم؛ البته به بیانی دیگر. پس مصادره به مطلوب است. از طرفی، از آن جا که انسان اصل سنخیت را قبول دارد (رد ۴)، از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد (رد ۳)، به همین سبب می‌کوشد ویژگی‌های هر شیء

بلکه خود این دیدگاه نادرست معلول اصالت تجربه است. / ۳ آنان اگر علت را معتبر بدانند، فقط اعتبار آن را با تجربه ثابت می‌کنند، نه اعتبار تجربه را با علت. **۲۳۱۵- گزینه ۲** هیوم فقط چیزی را که خودش مستقیماً مشاهده شود، قابل ادراک با حس و تجربه می‌داند؛ مثلاً ما خود آب را می‌بینیم که لیوان را پر می‌کند، پس این امری محسوس است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ اثرگذاری جاذبه، محسوس نیست. / ۳ عشق مادر محسوس نیست. / ۴ سبب بودن نور خورشید محسوس نیست، ما فقط دیده‌ایم هر وقت خورشید هست زمین گرم می‌شود و هر وقت نیست سردتر است. در واقع در این سه گزینه رابطه علت میان امری برقرار شده است که از دیدگاه هیوم قابل ادراک با حس و تجربه نیست.

**۲۳۱۶- گزینه ۳** این که می‌توانیم قوانین مخصوص به هر شیء داشته باشیم ناشی از این است که هر علتی معلول خاصی دارد و لذا می‌توانیم بگوییم طبق قانون علمی همواره فلان معلول از فلان علت صادر می‌شود؛ اما کاربرد اصل وجوب بعد از تعیین قانون است، یعنی وقتی قانونی درباره یک شیء کشف شد، این که این قانون ضرورتاً صادق است از اصل وجوب فهمیده می‌شود. اما سه گزینه دیگر از نتایج پذیرفتن وجوب علی و معلولی در همه موارد است.

**۲۳۱۷- گزینه ۳** هیوم معتقد بود علت را هرگز ندیده‌ایم، ولی ذهن در اثر تکرار توالی پدیده‌ها گمان می‌کند آن را می‌فهمد بنابراین علت صرفاً تداعی ذهن است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ صرف به یاد افتادن، آن تداعی ذهنی مورد نظر هیوم نیست. مهم این است که رابطه‌ای تداعی شود که هرگز مشاهده نشده است. / ۲ این نوعی تعمیم است که مشاهده موارد جزئی به کل تسری داده می‌شود، اما هیوم تأکید دارد علت هرگز دیده نشده است تا بتوان آن را تعمیم داد. / ۴ علت از دیدگاه هیوم با دیدن تکرار توالی چند شیء توسط ذهن قرارداد می‌شود، نه یک شیء.

**۲۳۱۸- گزینه ۱** به اصل علت و ضرورت علی اشاره دارد، زیرا می‌گوید رسیدن به یک منفعت متوقف بر علت آن؛ یعنی زحمت و تلاش است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** همگی به اصل سنخیت علت و معلول اشاره دارند.

**۲۳۱۹- گزینه ۱** طبق اصل سنخیت اگر چیزی معلول باشد علت خاصی دارد، پس یا معلول نیست (خداوند) یا معلول است و علت خاصی دارد ولی نمی‌شود هیچ‌کدام نباشد؛ یعنی هر موجودی غیر از خداوند علت خاصی دارد و این همان اصل سنخیت است.

**۴** علت و معلول می‌توانند از بسیاری جهات هم‌سنخ نباشند؛ مثلاً خداوند که علت همه مخلوقات است شبیه هیچ مخلوقی نیست. او واجب بالذات است و مخلوقات واجب بالغیر. او مجرد است و بسیاری از مخلوقات مادی و ...

**۲۳۲۰- گزینه ۴** هر معلولی اگر موجود باشد، یعنی علتش موجود است و اگر علتش موجود باشد، یعنی معلول ضرورتاً هست و نمی‌تواند نباشد (رد ۳). هم‌چنین هر معلولی اگر معدوم باشد، یعنی علتش نیست و اگر علتش نباشد، یعنی معلول ضرورتاً نیست و نمی‌تواند باشد. / ۱ معلول همواره ذاتاً ممکن و غیرممتنع است، ولی این سبب نمی‌شود پدید بیاید. پدیدآمدن معلول وابسته به علت است. / ۲ معلول ضروری بالذات نیست، و آلا معلول نمی‌شد. پس ضروری بودن معلول همواره بالغیر است و به علت نیاز دارد.

**۲۳۲۱- گزینه ۳** این مطلب تکرار همان اصل علت است و اثبات‌کننده اصل علت دانستن آن، مصادره به مطلوب است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ این گزینه، اثبات علت از طریق اصل «امتناع ترجیح بلامرح» است. / ۲ و ۴ این دو گزینه، اثبات علت از طریق اصل «امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین» هستند.

**۲۳۲۲- گزینه ۳** قوانین علمی مبتنی بر اصل وجوب علی و معلولی، روابط ضروری میان پدیده‌ها را بیان می‌کنند و از آن‌جایی که این اصل، عقلی است، ضروری بودن قانون، موارد تجربه‌شده و تجربه‌نشده را در بر می‌گیرد و کلیت قوانین علمی را نیز از اصل سنخیت که یک اصل عقلی است، به دست می‌آوریم.

نمی‌تواند اصل رابطه علت را نشان دهد (رد ۴). درک علت با تجربه و آزمایش به دست نمی‌آید، بلکه هر تجربه‌ای، مبتنی بر اصل علت است. از طرف دیگر راه تشخیص مصادیق علت و معلول در جهان طبیعت، تجربه است و چون تجربه مبتنی بر علت است، پس روش تشخیص مصادیق علت در طبیعت، بر ادراک اصل علت استوار است (تأیید ۲).

**۲۳۰۸- گزینه ۳** هیوم معتقد است رابطه ضروری بین علت و معلول وجود ندارد. توالی پدیده‌ها باعث شده تا در ذهن ما چنین تداعی شود که بین حوادث رابطه علت برقرار است که اگر نظر او را بپذیریم باید تمام حوادث متوالی را علت بنامیم؛ مانند رعد و برق، شب و روز و ...

**۲۳۰۹- گزینه ۲** وجه اشتراک هیوم و دکارت در این است که هر دو، علت را تجربی نمی‌دانند و این مطلب دقیقاً وجه افتراق این سینا با اکثر تجربه‌گرایان است؛ چراکه فلاسفه مسلمان منشأ درک علت را تجربه نمی‌دانند، اما تجربه‌گرایان علت را امری تجربی می‌دانند.

**۲۳۱۰- گزینه ۴** معلول، چه قبل از موجود شدن و چه پس از به وجود آمدن، از نظر ذاتی، نسبت به وجود و عدم مساوی است و هیچ‌کدام از دو طرف برایش ضرورت ندارد. علت، تغییری در امکان ذاتی معلول نمی‌دهد، بلکه آن را در عین امکان ذاتی، به مرحله وجوب بالغیر می‌رساند. (تأیید ۴ و رد ۱)

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ وجوب‌بخشی، با موجود کردن نیست، بلکه مقدم بر آن است. دقت کنید که وجوب مقدم بر وجود است و طبق اصل وجوب‌بخشی علت به معلول، علت ابتدا وجوب می‌دهد تا معلول وجود پیدا کند. / ۳ علت ناقصه نه وجوب می‌بخشد و نه وجود. هر دوی این‌ها مربوط به علت تامه است.

**۲۳۱۱- گزینه ۳** لایتخلف‌بودن عالم بیانگر وجوب علی - معلولی است. لفظ «باید»، همیشه نشان‌دهنده وجوب علی نیست.

**بررسی گزینه‌ها:** ۱ یک واجب اخلاقی است. / ۲ یک واجب از طرف معلم برای شاگردانش است. / ۳ واجب علی - معلولی است. / ۴ یک واجب قانونی و نظامی است.

میان باید علی و باید اخلاقی تفاوت وجود دارد.

باید صادق باشیم و ...

اگر تمام عوامل حرکت ماشین فراهم باشد، ماشین باید حرکت کند.

**۲۳۱۲- گزینه ۳** عکس قضیه می‌شود: «اگر علت موجود باشد، معلول وجود دارد.» این یعنی ضرورت وجود معلول در صورت وجود علت که بیانی از اصل وجوب است.

**۲۳۱۳- گزینه ۳** همه علوم به نوعی از علت و معلول بحث می‌کنند، چون به دنبال شناخت یک موضوع و آثار آن هستند و این مطلب با سؤال از چرایی گره خورده است و چرایی هم بازتاب علت‌یابی است. گرایش به علت‌یابی همیشه در انسان بوده است (تأیید گزاره‌های (ب) و (پ)).

**الف)** خود علوم در نتیجه اندیشه درباره علت و معلول به وجود آمدند، نه برعکس. **ت)** اولین علوم از مصادیق علت و معلول بحث می‌کردند، نه لزوماً از خود اصل علت. اصل علت یک بحث فلسفی است.

**۲۳۱۴- گزینه ۴** آن چیزی که مشاهده‌پذیر و محسوس است، وجود علل مادی و وجود معلول‌های مادی است؛ اما خود علت یعنی اتکای وجودی معلول به علت قابل مشاهده حسی نیست. تجربه‌گرایان دو گروه هستند. اغلب آنان با وجود مشاهده‌ناپذیر بودن علت، ادعا می‌کنند که می‌توان آن را مشاهده کرد. گروه دیگر، هیوم و پیروانش هستند که اینان به درستی متوجه شده‌اند علت مشاهده‌پذیر نیست، ولی مشکل آنان این است که گمان کرده‌اند هر چیزی را فقط باید با تجربه و حس درک کرد. لذا علت را که مشاهده‌پذیر نیست، غیر قابل شناخت دانسته‌اند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ این کار در مورد علل طبیعی و مادی کاملاً درست است. / ۲ این دیدگاه درست نیست، ولی مشکل از این دیدگاه ناشی نشده،

**۲۳۳۳- گزینه ۴** این که پس از فراهم کردن علت انتظار داشته باشیم لزوماً معلول صادر شود نشانگر **باور** به اصل ضرورت علی است.

**نکته:** تفاوت ۲ و ۴ در این است که ۴ **باور و قبول داشتن** اصل ضرورت علی را مطرح کرده، اما ۲ تنها خود اصل ضرورت علی را مطرح کرده است. ما از عملکردی که در صورت سؤال توضیح داده شده، درستی اصل وجوب را نمی‌فهمیم، بلکه متوجه می‌شویم همگان به این اصل باور دارند.

۱ در این عملکرد ما، هم اصل سنخیت و هم اصل ضرورت نقش دارند، ولی عملکرد انسان براساس باورهای اوست و ما از این عملکرد، باور به این اصول را نمی‌فهمیم، نه خود این اصول را. ۳ می‌توان بعد از ۴ این گزینه را نیز درست دانست، ولی واضح است که تأکید صورت سؤال بر انتظار ضروری نسبت به صدور معلول از علت است. بنابراین ۴ ارجح است.

**۲۳۳۴- گزینه ۱** این بیت به نظم و قانونمندی حاکم بر جهان اشاره دارد که از نتایج اصل سنخیت علت و معلول است.

**۲۳۳۵- گزینه ۱** یکسانی آثار پدیده‌ها ← اصل سنخیت کلیت قوانین علمی ← اصل سنخیت ارتباط میان پدیده‌ها ← اصل علت

**۲۳۳۶- گزینه ۳** طبق نظر هیوم که تجربه را مبنای همه شناخت‌های بشر می‌داند و جز تجربه راهی برای آگاهی از جهان نمی‌پذیرد، علت رابطه‌ای نیست که بتوان آن را از طریق تجربه و مشاهده کشف کرد. بنابراین منکر اصل علت است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ و ۴ مطالب درستی هستند که با پذیرش علت هم قابل جمع هستند. ۲ هیوم علت را تکرار متوالی دو حادثه نمی‌داند.

**۲۳۳۷- گزینه ۱** اصل علت یک اصل عقلی است که هر تأثیر و تأثیری در جهان به آن بازمی‌گردد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ علت تعاقب دو حادثه نیست. ۳ علت با عقل درک می‌شود و قوانین علمی به آن متکی هستند. ۴ اثبات علت از طریق عقلی است نه از طریق بررسی‌های علمی (تجربه و مشاهده).

**۲۳۳۸- گزینه ۲** رابطه علت یک اصل عقلی است که در برخی موارد، توالی میان حوادث، ناشی از آن است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ علت یک اصل عقلی است و صرفاً از توالی حوادث فهمیده نمی‌شود. ۳ علت اصلی نیست که وضع شده باشد، بلکه در واقع وجود دارد و کشف می‌شود. ۴ هر دو حادثه‌ای که توالی داشته باشند، لزوماً میانشان علت برقرار نیست؛ مانند رعد و برق یا شب و روز.

**۲۳۳۹- گزینه ۲** منکران علت، مانند هیوم، اصلاً اصل علت را قبول ندارند که بخواهند آن را با حس و تجربه اثبات کنند. به عبارت دیگر، آنان قبول دارند که با حس و تجربه نمی‌توان تأثیر چیزی بر چیز دیگر را اثبات یا رد کرد. اما فیلسوفان مسلمان که با عقل، اصل علت را ثابت کرده‌اند، به پشتوانه همین درک عقلی، مصادیق رابطه علت را در جهان طبیعت، با کمک حس و تجربه تشخیص می‌دهند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ و ۳ هر دو گروه این مطلب را قبول دارند که صرف به دنبال هم آمدن دو پدیده، به معنای وجود علت میان آن‌ها نیست. ۴ هر دو گروه این مطلب را قبول دارند. هیوم هم که منکر علت است، در واقع منکر تمام قوانینی است که ما برای هستی قائل هستیم.

**۲۳۳۰- گزینه ۲** هیوم علت را صرفاً **قراردادی ذهنی** می‌داند، بنابراین از نظر او علتی که درک می‌کنیم اصلاً واقعیت ندارد که حال بخواهد از مشاهده مکرر یا توالی حوادث فهمیده شود. تنها می‌توان گفت علت قرارداد ذهنی انسان‌ها براساس توالی حوادث است نه این که اصل علت خود توالی حوادث باشد.

**۲۳۳۱- گزینه ۱** منکرین اصل علت، برخی از تجربه‌گرایان هستند؛ بنابراین تأثیر مشاهدات بر باور را به طور کامل می‌پذیرند (رد ۳) و هم‌چنین تعاقب برخی حوادث را که با تجربه و مشاهده می‌توان درک کرد، می‌پذیرند (رد ۴) و علت را نیز چیزی جز عادت ذهنی نمی‌دانند (رد ۲).

**۲۳۳۲- گزینه ۲** هیوم با دو مقدمه نتیجه می‌گیرد که علت قابل درک نیست: ۱- شناخت تنها از طریق تجربه حسی صورت می‌گیرد. ۲- علت چیزی نیست که بتوان آن را در تجربه حسی درک نمود.

**۲۳۳۳- گزینه ۱** بعد از درک علت، برای این که علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم. کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد. بنابراین تجربه کشف می‌کند که حرارت، علت انبساط فلز است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ قسمت اول درست است ولی این که درک علت منبسط شدن فلز، تجربی است، نادرست است؛ زیرا درک علت، عقلی است و تنها کشف مصادیق در حوادث طبیعی براساس تجربه صورت می‌گیرد. ۳ این که مصداق علت انبساط چیست، عقلی و بدیهی نیست و نیاز به تجربه دارد. ۴ اصل علت عقلی است و از تجربه نتیجه نمی‌شود.

**۲۳۳۴- گزینه ۲** هیوم می‌گوید که بر اثر تکرار مشاهده دو پدیده مثل خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین تداعی می‌شود که خورشید «علت» روشن شدن زمین است. این تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده‌ها نیست. از این طریق است که ما عادت کرده‌ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم. بنابراین نظریه او درصدد تبیین چرایی باور عمومی آدمیان به اصل علت است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ این نظریه گرچه باور به علت را یک امر روانی می‌داند ولی درصدد تبیین نقش روان نیست. ۳ هیوم علت را عقلی نمی‌داند. ۴ این نظریه چگونگی کشف علت‌های طبیعی را بیان نمی‌کند، بلکه به چگونگی درک اصل علت می‌پردازد.

**۲۳۳۵- گزینه ۱** فیلسوفان مسلمان علت را اصلی عقلی ولی غیرفطری و غیربدیهی یعنی نیازمند به استدلال می‌دانند. اما دکارت معتقد است که این اصل، عقلی بدیهی و فطری است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** در این موارد اتفاق نظر دارند.

**۲۳۳۶- گزینه ۴** در سایر گزینه‌ها «باید» به فعل اختیاری انسان مربوط می‌شود ولی در ۴ «باید» برای دری به کار رفته که مانعی برای بازشدن آن وجود ندارد. بنابراین همه شرایط برای بازشدن در (علت) مهیا است و لذا در ضرورتاً باز خواهد شد (معلول).

**۲۳۳۷- گزینه ۱** کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد اما در امور ماوراءالطبیعه مانند عالم عقول علت‌یابی از طریق حس و تجربه صورت نمی‌گیرد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ از نظر هیوم توالی و پشت سر هم آمدن پدیده‌ها نوعی تداعی در ذهن ایجاد می‌کند. ۳ از نظر دکارت اصل علت به صورت فطری درک می‌شود، اما یافتن مصادیق علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است. ۴ فلاسفه مسلمان و فلاسفه‌ای همچون دکارت پذیرش علت را به صورت غیرتجربی می‌دانند.

**۲۳۳۸- گزینه ۲** درباره چگونگی درک رابطه علت توسط انسان، نظرات مختلفی مطرح شده است که بنا بر دیدگاه فلاسفه مسلمان درک رابطه علت از طریق استدلال عقلی صورت می‌گیرد.

**۲۳۳۹- گزینه ۲** دیدگاه تجربه‌گرایان این است که رابطه علت به عنوان یک رابطه ضروری بین علت و معلول، براساس تجربه درک می‌شود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ دیدگاه هیوم است. ۳ اصالت روش تجربی یک اصل است و خودش را از تجربه چند مورد جزئی نتیجه نمی‌گیرند. ۴ این دیدگاه خاص تجربه‌گرایان نیست و همه آن را قبول دارند.

**۲۳۴۰- گزینه ۴** علت چیزی است که به چیزی دیگر وجود می‌دهد و آن چیز را به وجود می‌آورد؛ یعنی تا علت نباشد، آن چیز هم پدید نمی‌آید. معلول نیز چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر - که همان علت است - می‌گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند به دیگری است؛ پس در تعریف معلول، می‌توان گفت آن چه از دیگری هستی می‌گیرد.

**۲۳۵۱- گزینه ۱** این سینا در مهم‌ترین کتاب فلسفی خود، یعنی «الهیات شفا» دربارهٔ اتفاق و شانس سخن گفته است و تلاش کرده نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید.

**۲۳۵۲- گزینه ۲** هر سه نظریه به نحوی قائل به «اتفاق» هستند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ تنها دموکریتوس بحث مادهٔ اولیه را مطرح می‌کند. ۳ این تنها نظریهٔ برخی دانشمندان زیست‌شناس است. ۴ اتم و ذرات تجزیه‌ناپذیر تنها در نظریهٔ دموکریتوس نقش کلیدی دارد.

**۲۳۵۳- گزینه ۲** آنچه به ما می‌فهماند که هر چیزی نمی‌تواند منشأ هر چیزی باشد، اصل سنخیت است؛ پس بنابراین پذیرش اصل سنخیت چنین توقعی ندارد.

**۲۳۵۴- گزینه ۴** مطابق با اصل وجوب‌بخشی علت به معلول، معلول زمانی واقع می‌شود که علت تا مه باشد و هیچ وقت به صرف وجود علت ناقصه، معلول پدید نمی‌آید.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ مفهوم واجب‌الوجود بالغیر می‌تواند مبتنی بر اصل ضرورت علی مطرح شود که در آن در اثر وجود علت، معلول با عنوان واجب‌الوجود بالغیر پدید می‌آید. (البته این سینا برعکس عمل کرد؛ یعنی از بحث وجوب و امکان، واجب‌الوجود بالغیر را نتیجه گرفت و وجوب میان علت و معلول را از این مفهوم استنباط کرد). ۲ در این اصل می‌گوییم علت تا مه وجوب‌دهنده به معلول است. بنابراین با وجود علت تا مه، وجود معلول ضروری می‌شود و معلول به وجود می‌آید. اما اگر علت تا مه نباشد، ضرورتی هم برای وجود معلول نیست. از طرفی، چون موجود غیرواجب نداریم (هر موجودی یا واجب بالذات است یا واجب بالغیر) پس معلول موجود نخواهد بود. حال بر این اساس که حد وسطی بین وجود و عدم نداریم، می‌گوییم وقتی معلول واجب و در نتیجه موجود نیست، پس حتماً معدوم است. ۳ معنای اول اتفاق در مقابل اصل علیت و اصل ضرورت علی مطرح می‌شود. بنابراین کسی که این اصل را پذیرفته، نمی‌تواند اتفاق به معنای اولش را قبول داشته باشد.

**۲۳۵۵- گزینه ۳** علت تا مه شرط لازم و کافی برای به وجود آمدن معلول است. پس هم شرط کافی است و هم شرط لازم. علت ناقصه شرط لازم و غیرکافی برای به وجود آمدن معلول است.

**۲۳۵۶- گزینه ۲** وجود علت ناقصه به تنهایی برای به وجود آمدن معلول تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ یعنی معلول با وجود علت ناقصه نیز کماکان به وجود نخواهد آمد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ علت ناقصه وجود معلول را در پی ندارد. ۲ علت ناقصه هیچ‌گاه همچون وجود علت تا مه عمل نمی‌کند. ۴ علت تا مه است که ممکن‌الوجود بالذات را به واجب‌الوجود بالغیر بودن می‌رساند.

**۲۳۵۷- گزینه ۲** علت به معنای وجوددهنده تنها علت تا مه را در بر می‌گیرد؛ بنابراین اگر علت را به وجوددهنده تعریف کنیم، علت ناقصه، علت واقعی نخواهد بود.

**۲۳۵۸- گزینه ۴** برداشت‌هایی که می‌توان از عبارات ذکرشده انجام داد، بدین صورت است:

الف) معلول بر اثر وجود علت ناقصه به وجود آمده است. ۱ نقض ضرورت علت و معلول ۲ تأیید معنای اول (اتفاق) (رد ۱ و ۲)

ب) علت تا مه موجود شده و معلول پدید نیامده است. ۱ انکار ضرورت علی و معلولی که یکی از لوازم اصل علیت است. ۲ تأیید معنای اول اتفاق

پ) با این‌که علت ناقصه موجود شده است، اما معلول پدید نیامده است. ۱ با اصل علیت و لوازمش هیچ تعارضی ندارد. ۲ هیچ‌یک از معانی اتفاق را تأیید نمی‌کند. (رد ۱ و ۳)

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ توجه کنید که در تعریف علت و معلول، نباید از خود این دو مفهوم استفاده کرد و آلا دچار مغالطهٔ تعریف دوری می‌شویم زیرا علت همان است که معلول را ایجاد می‌کند و اگر در تعریف معلول گفته شود، چیزی که علت به او وجود می‌دهد، در این صورت تعریف ما از «معلول» در حقیقت به شکل «چیزی که آن چه معلول را ایجاد می‌کند، به او وجود می‌دهد.» در خواهد آمد که تعریفی دوری خواهد بود. ۲ معلول اگرچه ذاتاً در حالت تساوی بین وجود و ماهیت است ولی از نظر وجود، از حالت تساوی خارج شده و واجب‌الوجود بالغیر شده است. ۳ درست است که معلول به دیگری وابستگی وجودی دارد ولی در این تعریف، قید نشده که وابستگی از نظر وجودی مورد نظر است. لذا این تعریف شامل هر نوع وابستگی می‌شود و مثلاً وابستگی دو دوست به یکدیگر را نیز شامل است؛ پس تعریف مانع نیست.

**۲۳۴۱- گزینه ۱** **بررسی گزینه‌ها:** ۱ به جهت اصل سنخیت میان علت و معلول، معلول‌های مشابه باید از علت‌های مشابه صادر شوند. ۲ صرف همراهی دو پدیده نشانهٔ علت و معلول بودن نیست. مثلاً طعم و بوی یک غذا با هم هستند ولی هیچ‌کدام علت دیگری نیست. ۳ به جهت اصل سنخیت میان علت و معلول، هر یک از آثار متفاوت یک پدیده با آن پدیده تناسب دارند. بنابراین از وجود یکی از آن آثار، می‌توان به خود آن پدیده و از آن پدیده می‌توان آثار دیگرش را به طور ضروری تشخیص داد (نه این‌که فقط احتمال داد). ۴ اثر را فقط می‌توان به علت تا مه نسبت داد و علت تا مه شامل مجموع عوامل است و تک‌تک آن عوامل علت ناقصه محسوب می‌شوند.

**۲۳۴۲- گزینه ۳** تکرار توالی‌ها، از طریق حس و تجربه درک می‌شود و مورد قبول همهٔ فیلسوفان عقل‌گرا و تجربه‌گراست. آنچه مورد اختلاف است، منشأ درک علیت است نه درک تکرار توالی‌ها.

**۲۳۴۳- گزینه ۴** این‌که به صورت قطعی از بودن علت به بودن معلول پی ببریم و از نبود علت به نبود معلول پی ببریم از نتایج و لوازم اصل وجوب علی است و بر همین اساس می‌توانیم ضرورتاً از بودن معلول نیز به بودن علت و از نبود معلول به نبود علت پی ببریم.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ وابستگی معلول به علت و تقدم علت بر معلول از لوازم اصل علیت به حساب می‌آید نه از لوازم وجوب علی (لازم به توجه است که تقدم علت بر معلول، تقدم زمانی نیست، بلکه تقدم رتبی است). ۲ اصل نیازمندی معلول به علت، به اصل علیت اشارهٔ مستقیم دارد نه اصل وجوب علی. ۳ ممکن‌الوجودبودن، از نتایج و لوازم اصل علیت و وجوب علی به حساب نمی‌آید، بلکه مقدمهٔ این دو اصل به حساب می‌آید.

**۲۳۴۴- گزینه ۱** یکی از اقدامات مهم و مؤثر فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آن‌ها بوده است.

**۲۳۴۵- گزینه ۳** دموکریتوس اتم‌ها را اجزای ریز تجزیه‌ناپذیر و غیر قابل تقسیم می‌دانست.

**۲۳۴۶- گزینه ۴** تنها معنایی از «اتفاق» که عقلاً مورد قبول است، معنای چهارم است.

**۲۳۴۷- گزینه ۱** معنای دوم اتفاق این است که ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید. این معنا، در مقابل اصل سنخیت است.

**۲۳۴۸- گزینه ۲** اگر همهٔ عوامل به وجود آورندهٔ معلول باشند، علت تا مه است و اگر برخی نباشند (چه یکی چه همه به غیر از یکی) علت ناقصه است.

**۲۳۴۹- گزینه ۳** بررسی معنای سوم «اتفاق» نیازمند دقت و تأمل بیشتری است.

**۲۳۵۰- گزینه ۴** دموکریتوس معتقد بود که مادهٔ اولیهٔ تشکیل‌دهندهٔ جهان، اتم‌ها و ذرات ریز تجزیه‌ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می‌کرده‌اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است.